



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی، تبلیغی و رسانه‌های نوین
گروه تولید محتوا

دو فصلنامه علمی-تخصصی

سال پنجم شماره هشتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵
محرم ۱۴۴۸ ه. ق

تبلیغ و خانواد

روضه خانگی در سیره اهل بیت علیهم‌السلام
دکتر حمیدرضا مطهری

شخصیت‌شناسی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رضی الله عنه
علیرضا انصاری

نقش زنان در تقویت تاب‌آوری خانواده در شرایط جنگ با تأکید بر جنگ رمضان
فریده فاطمی مهر

راهکارهای تحقق خودکفایی در تربیت انسان از دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی
محمد شهبازنیا

تحلیل تربیتی حضور نوجوانان در اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴ ایران
با تأکید بر ظرفیت‌های تربیتی ماه محرم
حسن غلامحسینی و مرتضی حسن زاده

نقش خانواده، مدرسه و رسانه در تربیت عقلانی
راضیه مرزانی

تکریم دختران در سیره امام حسین علیه‌السلام
دکتر حمیدرضا مطهری

پرورش تفکر انتقادی در مواجهه با رسانه‌های جمعی
محمدحسین افشاری کرمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی تبلیغی و رسانه‌ای نون
گروه تولید محتوا

تبلیغ فغاناواؤ

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال پنجم - شماره هشتم

بهار و تابستان ۱۴۰۵

نشریه «تبلیغ و خانواده» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۹۶۳۳۴ تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان دوفصلنامه تخصصی منتشر می‌شود.

شمارگان:

۲۰ نسخه

قیمت:

۱۵۰۰۰۰ تومان

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: سعید روستاآزاد

سرمدیر: مصطفی آزادیان

دبیر تحریریه: مسلم موحدی راد

کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ناصر رفیعی محمدی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

سعید روستاآزاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عیسی عیسی زاده

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

میرتقی قادری

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

علی نظری منفرد

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ویراستار:

مرتضی غلامی

آدرس: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱ -

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۴۰۷۱ - پایگاه اینترنتی: <http://jpf.dte.ir> - پست الکترونیک: tabligh@dte.ir



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را درهم بشکنند.

<https://www.leader.ir/fa/speech/10428/>

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

فهرست مطالب

- سخن نخست ۵
- روضه خانگی در سیره اهل بیت علیهم السلام ۹
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری
- شخصیت‌شناسی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای دامت‌تعالیه ۱۷
حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری
- نقش زنان در تقویت تاب‌آوری خانواده در شرایط جنگ با تأکید بر جنگ رمضان ۲۷
فریده فاطمی مهر
- راهکارهای تحقق خودکفایی در تربیت انسان از دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی ۳۹
حجت الاسلام والمسلمین محمد شهبازنیا
- تحلیل تربیتی حضور نوجوانان در اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴ ایران ۵۵
حسن غلامحسینی و مرتضی حسن‌زاده
- نقش خانواده، مدرسه و رسانه در تربیت عقلانی ۷۱
راضیه مرزانی
- تکریم دختران در سیره امام حسین علیه السلام ۸۳
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری
- پرورش تفکر انتقادی در مواجهه با رسانه‌های جمعی ۹۳
حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی

سخن نخست

بدون تردید عزت طلبی از خصائص برجسته امام حسین علیه السلام است. امام علیه السلام در برابر ظلم ایستادگی کرد و تسلیم خواسته‌های ستمگران نشد. بازتاب این ویژگی را می‌توان در رفتار و سخنان حضرت مشاهده کرد: «فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا»^۱ و «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ يَا بِي اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»^۲

اکنون که دیده هیچ نبیند به غیر ظلم باید زجان گذشت، کزین زندگی چه سود؟ این ویژگی مهم اخلاقی تنها در پرتو ایمان راسخ به خداوند و قرب به جوار حضرت حق تعالی بدست می‌آید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»^۳ کسی که عزت می‌خواهد پس باید آن را از خدا بخواهد، زیرا همه عزت ویژه خداست». ثمره ایمان و اتکاء به خدایی که همه عزت و قدرت از آن اوست، عزت طلبی، شجاعت، مقاومت و نه‌راسیدن از قدرت‌های پوشالی دشمنان است. بر این اساس، دولت و ملتی که خود را پیرو امام حسین علیه السلام و مکتب عاشورا می‌داند، ملتی عزتمند، شجاع و مقتدر خواهد بود و نه تنها هیچگاه تسلیم خواسته‌های دشمنان نخواهد شد؛ بلکه همچون نظام جمهوری اسلامی ایران، با اقتدار و شجاعت و ایستادگی از مردم و کشور خود در برابر هجوم وحشیانه آمریکای جنایتکار و رژیم کودک‌کش صهیونیستی دفاع خواهد کرد. چنین ملتی هرگز از پیروزی نهایی خود و شکست دشمنان ناامید نخواهد شد؛ چرا که می‌داند در نظام هستی، پیروزی حق تثبیت شده است: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۹۷.

۳. فاطر: ۱۰.

اللَّهُ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛^۱ خدا لازم و مقرر کرده است که بی تردید من و پیامبرانم پیروزیم همانا خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است». تعبیر «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ» به این اصل کلی نظر دارد که پایان هر مقطع تاریخی، بلکه در هر احتجاج، قصه و رخدادی حق و حقایقیت و اسلام پیروز نهایی است.^۲

خداوند امام راحل و قائد شهیدمان را با سیدالشهدا علیه السلام محشور فرماید که مسیر عزت، مقاومت و پیروزی را پیش روی ملت عزیز ایران قرار دادند. قطعاً ادامه پیروزمندان این مسیر سعادت آفرین، تنها در سایه وحدت و انسجام ملی و پیروی از فرامین رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای علیه السلام فراهم خواهد شد: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۳ و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل میشوید و قدرت و شوکتتان از میان میرود و شکستباری و رزید زیرا خدا با شکیبایان است».

شاکر لطف و محبت خدای سبحان هستیم که به ما توفیق مجدد عنایت فرمود تا محتوایی درخور برای ایام تبلیغی محرم تهیه کنیم. این محتواها همانند سال‌های گذشته در قالب ره‌توشه‌های ذیل تولید و عرضه شده‌اند:

● فصلنامه ره‌توشه مبلغان: مخاطب این فصلنامه عموم مبلغان گرامی هستند. در این فصلنامه مباحث ذیل آمده است:

راهکارهای قرآنی حفظ وحدت اجتماعی در شرایط جنگی؛ جهاد کبیر؛ نفی سلطه فرهنگی و سیاسی دشمن؛ روایت پیروز میدان در جنگ رمضان؛ امید و امیدآفرینی در فرهنگ اسلامی؛ میراث معنوی امام شهید حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام؛ بررسی شخصیت حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای با رویکرد تحلیل گفتمان؛ مواجهه یهود با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره نبوی در تعامل با آنان تحلیلی تاریخی و راهبردی برای امروز؛ هویت تمدن‌ساز ایرانی و سهم آن در دوره اسلامی؛ تحلیل نقش‌آفرینی زنان مسلمان در سیاست و جنگ در تاریخ اسلام و ایران معاصر بر اساس الگوی سوم زن مسلمان؛ عدالت‌خواهی؛ محور پیوند نهضت حسینی و انقلاب اسلامی؛ ولایت‌پذیری حضرت عباس علیه السلام؛ الگوی تبعیت از رهبری الهی؛ رابطه نماز و روحیه مقاومت در سنگر عاشورا؛ عاشورا صحفه ظهور بصیرت، عزت‌طلبی و حماسه؛ علل عدم قیام امام سجاد علیه السلام و

۱. مجادله: ۲۱.

۲. عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۷۶، ص ۳۵۷.

۳. انفال: ۴۶.

اقدامات حضرت برای حفظ و تقویت تشیع؛ واکاوی پیوند اقتصاد مقاومتی، وحدت و امنیت ملی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی.

● **دو فصلنامه تبلیغ و خانواده:** مخاطب این دو فصلنامه همه مبلغان، به ویژه مبلغان محترمی هستند که در عرصه خانواده تبلیغ می‌کنند. این دو فصلنامه به موضوعات ذیل پرداخته است:

روضه خانگی در سیره اهل بیت علیهم‌السلام؛ شخصیت‌شناسی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای دامت‌برکاته؛ نقش زنان در تقویت تاب‌آوری خانواده در شرایط جنگ با تأکید بر جنگ رمضان؛ راهکارهای تحقق خودکفایی در تربیت انسان از دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی؛ تحلیل تربیتی حضور نوجوانان در اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴ ایران؛ نقش خانواده، مدرسه و رسانه در تربیت عقلانی؛ تکریم دختران در سیره امام حسین علیه‌السلام؛ پرورش تفکر انتقادی در مواجهه با رسانه‌های جمعی.

● **دو فصلنامه تبلیغ و تقریب:** رویکرد این دو فصلنامه تقریبی است. مخاطب این فصلنامه همه مبلغان به ویژه مبلغانی هستند که در مناطق مشترک شیعه و سنی به تبلیغ اشتغال دارند. در این مجموعه مباحث ذیل مطرح شده است:

نقش هویت دینی و ملی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی؛ ارزش جهاد و مقام مجاهدان در اسلام؛ امدادهای غیبی؛ شرایط و نمودها؛ نقش باور به آخرت و شهادت در تاب‌آوری اجتماعی در زمان جنگ؛ امام حسین علیه‌السلام؛ الگوی شجاعت و قاطعیت با دشمن؛ تاریخچه عزاداری؛ از سیره معصومان علیهم‌السلام تا ایران امروزی؛ جلوه‌های قرآنی در بیانات و زندگی امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله‌العالی؛ شهادت‌طلبی امام خامنه‌ای با تأسی از امام حسین علیه‌السلام؛ ویژگی‌های امام شهید از زبان مقام معظم رهبری.

انتظار می‌رود مبلغان گرامی با مطالعه و استفاده از محتوای فصلنامه‌ها، ما را از پیشنهادات و انتقادات سازنده و تجربیات ارزشمند خود بهره‌مند سازند. در پایان لازم می‌دانم از نویسندگان محترم و همه کسانی که در تولید و عرضه این مجموعه ارزشمند تلاش کردند، به ویژه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تقدیر و تشکر کنم و موفقیت و خوشبختی آنان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی تبلیغی و رسانه‌های نوین
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

روضه خانگی در سیره اهل بیت علیهم السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری*

اشاره

سوگواری بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام نقش کم نظیری در زنده نگه داشتن قیام عاشورا دارد؛ از این رو ائمه علیهم السلام همواره بر آن تأکید داشتند و به شکل های گوناگون از جمله در جمع های محدود و خانوادگی آن را اقامه می کردند. این نوشتار به دنبال پاسخ گویی به این پرسش است که روضه خانگی برای امام حسین علیه السلام در زندگانی اهل بیت علیهم السلام چه جایگاهی داشته است؟ و در این باره چگونه رفتار می کردند؟ در پاسخ، به شیوه توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر داده های تاریخی این فرضیه مطرح می شود که ائمه علیهم السلام با تأکید بر ضرورت زنده نگه داشتن رخداد کربلا، برپایی سوگواری برای امام حسین علیه السلام را به شیوه های گوناگون از جمله در جمع خانوادگی تأکید داشتند و دستور می دادند تا خانواده شان نیز در مجلس سوگواری حاضر شوند و بر امام شهید بگریند.

اهل بیت علیهم السلام و روضه خانگی

یکی از مهم ترین راهکارهای زنده نگه داشتن یاد سیدالشهدا علیه السلام، گریه بر آن حضرت به ویژه در جمع خانوادگی است؛ همان گونه که این مهم به خوبی در سیره اهل بیت علیهم السلام ترسیم و اجرا شده است. اهل بیت علیهم السلام از نخستین لحظه های پس از شهادت آن امام همام تا پایان عصر حضور همواره بر زنده نگه داشتن شهادت آن امام تأکید داشتند و آن گاه که شرایط سیاسی مانند خفقان عصر اموی و عباسی، امکان برگزاری مجالس عمومی را گرفته بود، عزای حسینی را در خانه های خود برپا می کردند. بنابراین اهل بیت علیهم السلام آغازکننده روضه خانگی بودند.

روضه خانگی به تبعیت از اهل بیت علیهم السلام از دیرباز در میان شیعیان رواج داشته است؛ در واقع همین امر سبب آشنایی بیشتر فرزندان و اهل خانه با قیام حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اهداف و

* دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: h.motahari@isca.ac.ir

آرمان‌های آن حضرت بوده است. گزارش‌های متعددی از حضور بانوان اهل بیت علیهم‌السلام همراه ائمه علیهم‌السلام در مجلس عزای سیدالشهدا علیه‌السلام و سوگواری بر آن حضرت ارائه شده است.

برپایی روضه در کربلا و شام

بعد از رخداد عاشورا و شهادت امام حسین علیه‌السلام، حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام و حضرت زینب علیها‌السلام بیشترین بار مسئولیت برای تحقق اهداف قیام حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام را بر دوش کشیدند. آنان با وجود مشکلات و موانع متعدد مانند اختناق حکومت اموی و راویان درباری که هر کدام برای تحریف رخدادهای عاشورا تلاش می‌کردند، به شیوه‌های مختلف این مسئولیت خطیر را به انجام رساندند. یکی از مهم‌ترین راهکارهای حضرت زینب علیها‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام، گریه فراوان برای زنده‌نگه‌داشتن یاد امام حسین علیه‌السلام بود.

الف) شاید بتوان نخستین روضه خانگی را در کربلا و در جمع اهل بیت علیهم‌السلام مشاهده کرد؛ آنجا که حضرت زینب علیها‌السلام همراه دیگر بانوان اهل بیت علیهم‌السلام بر مظلومیت سالار شهیدان گریستند. ب) مرحله بعد باید از شام یاد کرد؛ جایی که در دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام شهر را آذین بسته بودند، اما بعد از شناختن خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌ویژه بعد از روشن‌گری‌های امام سجاد علیه‌السلام و حضرت زینب علیها‌السلام برخی از آنان با حضور در محل اقامت اهل بیت علیهم‌السلام با آنان در سوگ ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام گریستند. برخی گزارش‌ها از سوگواری اهل بیت علیهم‌السلام در مدت اقامت در شام خبر می‌دهند و نشان‌دهنده این است که شامیان هم در مجلس سوگواری اهل بیت علیهم‌السلام حضور می‌یافتند.^۱ علامه مجلسی می‌گوید هیچ زن هاشمی و حتی قریشی نبود مگر آنکه با پوشیدن لباس سیاه در مجلس سوگواری امام حسین علیه‌السلام شرکت می‌کرد و این مجلس هفت روز ادامه یافت.^۲ طبیعی است که این مجلس عمومی نبود و در محل اقامت آنان و در واقع روضه خانگی اهل بیت علیهم‌السلام در محل اقامتشان در شام بوده است. البته اثرگذاری این مجلس روضه به گونه‌ای بود که فضای عمومی شام را علیه بنی‌امیه تغییر داد؛ به گونه‌ای که یزید، ماندن اهل بیت علیهم‌السلام را در شام به صلاح خود ندید و حرکت آنان به سوی مدینه را تدارک دید.

روضه‌های خانگی در مدینه

امام سجاد علیه‌السلام پس از بازگشت به مدینه با گریه‌های مداوم یاد امام حسین علیه‌السلام را در خاندان خود و

۱. سید محسن امین، لواعج الأشجان فی مقتل الحسین علیه‌السلام، ص ۱۷۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۶.

به دنبال آن در جامعه زنده نگه داشت. بی تردید باید امام زین العابدین علیه السلام را نخستین امام در برپایی روضه خانگی بعد از عاشورا به شمار آورد. گفته می شود امام سجاد علیه السلام بیست سال گریه کرد؛ به گونه ای که ایشان را یکی از «بکائون» (کسانی که بسیار گریه می کردند) در جهان برشمرده اند؛^۱ همچنین هرگاه طعامی در برابر آن حضرت قرار می دادند، گریان می شد و اشک می ریخت.^۲ در حقیقت این سوگواری و یاد حضرت سیدالشهدا علیه السلام در جمع خانواده و همراه آنان، روضه خانگی مستمری بوده است.

از سوزناک ترین روضه های خانگی در مدینه، شاید بتوان به روضه حضرت ام البنین علیها السلام مادر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام اشاره کرد. ایشان پس از آگاهی از شهادت امام حسین علیه السلام و فرزندان، در خانه خود با حضور زنان بنی هاشم و برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مانند ام سلمه، مجلس سوگواری برپا می کرد.^۳ حضرت ام البنین علیها السلام که بانویی شاعره نیز بود، همراه نوه اش عبیدالله - فرزند حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام - به بقیع می رفت و سروده هایی را که خود در رثای فرزندان سروده بود، می خواند و دردمندانه می گریست؛ از جمله:

یا من رأی العباس کتر	علی جماهیر النقد
و وراه من أبناء حیدر	کل لیث ذی لید
أنبتت أن ابني أصیب	برأسه مقطوع ید
ویلی علی شبلی أما	ل برأسه ضرب العمد
لو کان سیفک فی ید	یک لما دنا منک أحد

ای کسانی که عباس را دیده اید، بر گله گوسفندان حمله می برد و پشت سرش فرزندان حیدر هر یک بسان شیری شجاع بودند. به من خبر دادند که گرز آهنین بر سر فرزندم زده اند و دست هایش از بدن جدا شده بود. دل ها برای شیر بچه ام بسوزد که عمود بر سرش نواختند. عباسم، اگر شمشیر در دست داشتی، کسی جرئت نزدیک شدن به تو را نداشت.

ایشان در این سروده ها، مردم را از ام البنین خواندن خود نهی می کرد و می فرمود مرا دیگر

۱. محمد بن علی ابن بابویه (صدوق)، امالی، ص ۱۴۱.

۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۷؛ محمد بن علی ابن بابویه (صدوق)، امالی، ص ۱۴۱؛

محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۸.

۳. جواد شبر، آدب الطف، ج ۱، ص ۷۴.

ام البنین نخوانید و دلیل آن را شهادت فرزندانش بیان می‌کرد:
 لا تدعوئی ویک أم البنین
 کانت بنون لی ادعی بهم
 أربعة مثل نسور الربی
 تنازع الخرصان أشلائهم
 یا لیت شعری أکما أخبروا
 تذکرینی بلیوث العرین
 و الیوم أصبحت و لا من بنین
 قد واصلوا الموت بقطع السوتین
 فکلهم أمسی صریعا طعین
 بأن عبّاسا قطیع الیمین^۱

دیگر مرا ام البنین نخوانید که من را به یاد شیربچه‌هایم می‌افکنید. تا وقتی پسرانی داشتم، ام البنین بودم؛ ولی امروز دیگر پسری ندارم که مرا ام البنین گویند. چهار پسر داشتم که چون ستاره می‌درخشیدند. بر سر جنازه‌هایشان نیزه‌ها با یکدیگر درافتادند و همه آنها‌ها از ضربت نیزه بر زمین افتادند و همه با قطع رگ‌های گردنشان به شهادت رسیدند. ای کاش می‌دانستم آیا همان‌گونه که خبر دادند، دست راست عباسم از بدن جدا شده است.

منابع گزارش داده‌اند مردم نزد او گرد می‌آمدند و با وی در گریستن هم‌نوا می‌شدند. گفته‌اند که حتی برخی از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام با شنیدن سروده‌های جانسوز ام البنین می‌گریستند.^۲

امام محمدباقر علیه‌السلام و روضه خانگی

امام محمدباقر علیه‌السلام که خود در کودکی همراه پدر بزرگوارش در کربلا حضور داشت و شاهد برخی رخدادها بود، افزون بر اهتمام به زنده‌نگه‌داشتن رخداد عاشورا و گریستن بر امام حسین علیه‌السلام، دیگران را نیز به سوگواری برای آن حضرت تشویق می‌کردند. سوگواری اباعبدالله الحسین علیه‌السلام به‌ویژه در روز عاشورا از اهمیت ویژه‌ای نزد امام باقر علیه‌السلام برخوردار بود. ایشان به زیارت آن حضرت در روز عاشورا و اهمیت آن حتی از راه دور و در صحرا یا از درون خانه تصریح کرده‌اند. امام علیه‌السلام با تأکید بر ثواب سوگواری بر آن حضرت، به برگزاری سوگ حسینی در خانه دستور می‌دادند و فرمودند: شایسته است در روز عاشورا در خانه‌های خود برای حسین بن علی علیه‌السلام مجلس عزا برپا کنید و همراه خانواده بر مصایب آن حضرت گریه کنید و اهل خانه به یکدیگر تسلیت بگویید. ایشان در ادامه درباره اعمال روز عاشورا و چگونگی زیارت و سلام به

۱. محمد سماوی، إِبصار العین فی أنصار الحسین علیه‌السلام، ص ۶۴.

۲. علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۹۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۶.

امام حسین علیه السلام از راه دور و نفرین قاتلان شهیدان کربلا، فرمودند: اهل خانه را جمع کنید و مجلس عزا برگزار کنید و بر آن حضرت بگریید. امام باقر علیه السلام بر تسلیت گفتن به همدیگر در این روز تصریح کرده‌اند و درباره چگونگی آن فرمودند: «يُقُولُونَ عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۱.

امام صادق علیه السلام و روضه خانگی

امام صادق علیه السلام نیز بر اهمیت برگزاری روضه در میان اهل خانه و سوگواری بر امام حسین علیه السلام به‌ویژه در ایام محرم و روز عاشورا و به شکل حزین تأکید داشتند. کمیت^۲، ابوعماره^۳، ابوهارون نایینا^۴ و جعفر بن عفان^۵ از جمله افرادی بودند که نزد امام جعفر صادق علیه السلام بر جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام شعر خواندند و آن حضرت گریستند. بر اساس برخی گزارش‌ها، این شعرخوانی در حضور خانواده امام بود و آنان نیز در رثای جدشان چنان گریستند که همسایه‌ها نیز باخبر شدند.^۶

ابوهارون مکفوف (نایینا) یکی از شاعران عرب بود. او که شعری درباره امام حسین گفته بود، خدمت امام صادق علیه السلام رسید. امام از او خواست تا شعرش را بخواند و فرمود: همان‌گونه که برای خودتان می‌خوانید، بخوان (منظور امام این بود که محزون و با سوز بخوان). او در حالی که اهل حرم نیز می‌شنیدند، شروع به خواندن این شعر کرد:

أَمْرٌ عَلَى جَدِّ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ

امام علیه السلام در حالی که گریه می‌کرد، فرمود: بیشتر بخوان و او شعر دیگری خواند:
يَا مَرْيَمُ قَوْمِي فَأَنْدُبِي مَوْلَاكَ وَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَأَسْعِدِي بَيْتَكَ

امام به شدت گریه می‌کردند و صدای گریه اهل خانه امام نیز از پشت پرده به گوش

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

۲. اعلی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، ج ۱۷، ص ۲۰.

۳. محمد بن علی ابن بابویه (صدوق)، ثواب الأعمال، ص ۲۵۱.

۴. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۵ - ۱۰۶؛ محمد بن علی ابن بابویه (صدوق)، ثواب الأعمال، ص ۲۵۰.

۵. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۷۴.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۱۶.

می‌رسید.^۱ در روایت دیگر می‌گوید صدای گریه از خانه امام بلند شد؛^۲ در روایت دیگر می‌گوید: زنان با شنیدن این اشعار هیجان‌زده شدند و بعد از آنکه ساکت شدند، امام فرمود: ای ابوهارون، هر کسی درباره حسین علیه السلام شعری بگوید و با آن ده نفر را بگریاند، بهشت بر او واجب می‌شود. سپس این تعداد را به تدریج کم کرد تا رسید به یک نفر و فرمود هر کسی شعری بسراید و با آن یک نفر را بگریاند، بهشت بر او واجب می‌شود؛ در نهایت فرمود هر کسی شعری بخواند و خود بگرید، بهشت بر او واجب می‌شود.^۳

گزارش دیگر از زبان عبدالله بن غالب بیان شده است که بر امام صادق علیه السلام وارد شد و شعری در رثای امام حسین علیه السلام خواند. او می‌گوید وقتی به این شعر رسیدم:

لَيْلِيَةٌ تَسْقُوا حُسَيْنًا
بِمِسْقَاةِ الثَّرَى غَيْرُ الثَّرَابِ

یک زن گریان از پشت پرده فریاد زد «وَأَبْتَاهُ».^۴

ابوعماره نیز یکی از شاعران عصر امام صادق علیه السلام است که به نوحه‌گری معروف بود؛ به همین دلیل او را «مُشَد» می‌خواندند. او در رثای امام حسین علیه السلام شعری سروده بود و هنگامی که خدمت امام صادق علیه السلام رسید، امام از او خواست تا آن را بخواند؛ در حالی که خانواده امام نیز در جلسه حضور داشتند و صدای او را می‌شنیدند. ابوعماره از گریه امام و نیز شنیدن صدای گریه اهل خانه امام در این مجلس خبر داده است. امام صادق علیه السلام در این مجلس از ثواب گریاندن افراد در رثای امام حسین علیه السلام و افزایش ثواب آن با افزایش تعداد گریه‌کنندگان خبر دادند و حتی از اجر فراوان بر تباکی سخن گفتند.^۵

روضه خانگی و خنثی‌سازی نیرنگ دشمنان

یکی از مهم‌ترین آثار روضه‌های خانگی، جلوگیری از عملیات فریب و نیرنگ دشمنان بود. حضور اهل بیت علیهم السلام در کربلا و تبیین رخدادهای آن و گزارش‌های آنان از ظلمی که بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شد، از تحریف تاریخ جلوگیری کرد. در دورانی که صدای حق‌طلبان را امویان و

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۵ - ۱۰۶؛ محمد بن علی ابن بابویه (صدوق)، ثواب الأعمال، ص ۲۵۰.

۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۱۰۶.

۴. همان، ص ۱۰۵.

۵. محمد بن علی ابن بابویه (صدوق)، ثواب الأعمال، ص ۲۵۱ - ۲۵۲.

سپس عباسیان سرکوب می کردند، سوگواری اهل بیت علیهم السلام و شیعیان و روضه های خانگی بود که صدای مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را به گوش مسلمانان در دوره های بعد رساند. پیش از رسمیت یافتن سوگواری عاشورا از سوی حکومت های شیعی، این روضه های خانگی بود که رسانه عاشورا شد و در زنده نگه داشتن یاد امام حسین علیه السلام نقش آفرید و مانع تحریف یا به فراموشی سپردن آن از سوی مخالفان اهل بیت علیهم السلام گردید. همان گونه در نخستین اقدام ها امام زین العابدین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام و حضرت ام البنین علیها السلام در فضای غم بار و خفقان آلود مدینه توانستند مردم را از ظلم بنی امیه به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله آگاه کنند.

نتیجه

اهل بیت علیهم السلام بعد از رخداد عاشورا همواره بر زنده نگه داشتن نام و یاد امام حسین علیه السلام و تحقق اهداف قیام آن حضرت تأکید داشتند و راهکارهای مختلفی برای آن ارائه می کردند. برگزاری مجالس سوگواری برای آن حضرت و گریه به یاد شهیدان کربلا یکی از راه های رسیدن به آن هدف بود. شاید جنبه عاطفی گریستن و میزان اثرگذاری آن نیز در به کارگیری آن به مثابه یک راهکار مهم برای زنده نگه داشتن یاد امام حسین علیه السلام نقش داشت که ائمه علیهم السلام همواره بدان عمل می کردند و دیگران را نیز بدان توصیه می نمودند. اهل بیت علیهم السلام در شرایط مختلفی اقدام به برپایی مجلس عزای سیدالشهداء علیه السلام می کردند و آن گاه که شرایط سیاسی مانع برگزاری مجالس عمومی می شد، مانند دوران امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در جمع خانواده خود مجلسی برای ذکر مصیبت اباعبدالله الحسین علیه السلام برگزار می کردند و خانوادگی بر آن حضرت می گریستند.

کتاب نامه

۱. ابن اثیر، مجدالدین ابوالسعادات مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق: طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، بیروت: المكتبة العلمية، ۱۳۹۹ ق.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، امالی، ج ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳. _____، ثواب الأعمال، تصحیح: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۴. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.

۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تصحیح: عبدالحسین امینی، چ ۱، قم: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۷. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، الأغانی، چ ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۸. _____، مقاتل الطالبیین، تحقیق: سیداحمد صقر، بیروت: نشر اعلمی، ۱۴۰۸ ق.
۹. امین، سیدمحسن، لواحج الأشجان فی مقتل الحسین علیه السلام، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، چ ۱، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. حسام مظاہری، محسن، فرهنگ سوگ شیعی، چ ۱، اصفهان: آرما، ۱۳۹۹ ش.
۱۲. داودی، سعید و مهدی رستم نژاد، عاشورا: ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، قم: انتشارات امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. سماوی، محمد، إِبصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام، قم: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. شبر، جواد، أدب الطف، چ ۱، بیروت: دارالمرتضی، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، تحقیق: مهدی رجایی، چ ۱، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالحديث، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. مطهری، حمیدرضا، «گریستن اهل بیت علیهم السلام بر امام حسین علیه السلام»، فصلنامه ره‌توشه، ش ۱۴، تیر ۱۴۰۲.
۲۰. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چ ۱، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.

شخصیت‌شناسی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (دامت برکاته)

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

در طلیعه قرن بیست‌ویک، در روزگاری که جهان شاهد تحولات شگرف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است، تبیین ابعاد شخصیت‌های اثرگذار، نقشی بنیادین در هدایت جامعه و استحکام بنیان‌های معنوی و فکری نسل‌های امروز و فردا ایفا می‌کند. در این میان، بررسی ابعاد شخصیت حضرت آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای رحمته‌الله سومین رهبر معظم انقلاب اسلامی، شایسته و اکاوی است.

مواضع حکیمانه و رویکردهای راهبردی ایشان در عرصه سیاست، حاکی از درکی عمیق از مقتضیات زمان و مکان و توانمندی ایشان در مدیریت چالش‌های پیچیده است؛ و از سوی دیگر، جایگاه علمی، سلوک معنوی ایشان، گواهی روشن بر جامعیت و جود در عرصه‌های مختلف است؛ جامعیتی که یادآور سیمای امام شهید و مصداق آیه شریفه است: «مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا»^۱ هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می‌آوریم. در این نوشتار به ابعاد شخصیتی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رحمته‌الله خواهیم پرداخت.

۱. جایگاه علمی

- اساتید

جایگاه آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رحمته‌الله در حوزه علم و دانش از ارکان اساسی شخصیت ایشان

* پژوهشگر و نویسنده.

به شمار می‌رود. ایشان، در طول سالیان متمادی، مسیر پرفرازونشیب تحصیل و تهذیب را پیموده‌اند و در این مسیر، از محضر اساتید برجسته بهره برده‌اند. حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه دروس خارج فقه و اصول را از محضر والد شهیدشان و همچنین حضرات آیات عظام: شیخ جواد تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی، آقا مجتبی تهرانی، شیخ محمد مؤمن و سید محمود شاهرودی فراگرفتند. اظهارنظرها و تمجیدهای اساتید محترم، گویای نبوغ و استعداد خاص ایشان است. آیت‌الله رحمانی نیشابوری می‌فرماید: نبوغ علمی ایشان از حد معمول بالاتر و قدرت حفظ او نیز بالاست.^۱ همچنین نقل می‌کند:

بنده به آیت‌الله سید محمود شاهرودی گفتم شما وقتی رئیس قوه قضائیه شدید، حیف شدید؛ زیرا اگر در قم بودید مرجع تقلید تربیت می‌کردید. ایشان پاسخ دادند: من اکنون در تهران هم شاگردانی دارم. ایشان از استعداد و قوت علمی آقا مجتبی سخن گفتند که برای بنده مایه تعجب بود. این سخن مربوط به ۱۵ سال قبل است، که نشان می‌دهد اساتید، نظر و توجه بیشتری به آقا مجتبی مبذول می‌داشتند.^۲

آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی رحمته‌الله علیه بیش از ۱۷ سال به‌طور مستمر در دروس خارج مختلف حضور فعال داشته‌اند. ارائه تقریرات علمی به زبان عربی و پیگیری نکات علمی توسط ایشان، منجر به تولید نوآوری‌هایی در منظومه علوم و معارف حوزوی (به‌ویژه فقه، اصول و رجال) گردیده است.^۳

- تدریس و تربیت شاگرد

یکی از ابعاد برجسته شخصیت علمی حضرت آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، تدریس دروس خارج فقه و اصول و تربیت شاگردان در عرصه علوم حوزوی است. ایشان در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، دروس خارج فقه و اصول خود را آغاز نمودند که با استقبال چشمگیر طلاب حوزه علمیه قم مواجه شد. تا پیش از شیوع کرونا در سال ۱۳۹۸، کرسی درس ایشان به‌عنوان یکی از پرمخاطب‌ترین دروس حوزه، با حدود ۴۰۰ طلبه برگزار می‌شد. با همه‌گیری کرونا، مجازی شدن دروس و همچنین تغییر محل زندگی ایشان به تهران، درس فقه ایشان با استقبالی فزون‌تر روبرو شد. این روند حتی پس از پایان کرونا نیز ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که درس ایشان در ابتدای

1. <https://iqna.ir/fa/news/434498>

2. <https://iqna.ir/fa/news/4344981>

3. <https://hungary.mfa.gov.ir/portal/NewsView/784653>

سال تحصیلی ۱۴۰۳، با استقبال کم‌نظیر حدود ۱۳۰۰ نفر از طلاب مواجه گردید.^۱ تدریس «درس خارج فقه» ایشان در حوزه علمیه قم، بازتاب گسترده‌ای در فضای حوزوی داشت و به معنای تأیید بنیه علمی و توانایی ایشان در تربیت مجتهدان جوان تلقی می‌شود.^۲

۲. ساده‌زیستی

ساده‌زیستی از موضوعاتی است که در زندگی فردی، اجتماعی، مادی و معنوی انسان تأثیر بسزایی دارد. در خوانش دینی، ساده‌زیستی از ارزش‌های متعالی به شمار می‌آید. استاد مطهری می‌گوید: «زهد، حالتی است روحی و زاهد از آن نظر که دل‌بستگی‌های معنوی و اخروی دارد، به مظاهر مادی زندگی بی‌اعتناست. زاهد در زندگی عملی خویش، سادگی و قناعت را پیشه خود می‌سازد و از تنعم، تجمل و لذت‌گرایی پرهیز می‌نماید...»^۳

از منظر امامین انقلاب، تجمل‌گرایی و اشرافیت به‌عنوان یک آسیب اجتماعی جدی در نظر گرفته می‌شوند که مقابله با آن‌ها ضروری است. امام خمینی علیه‌السلام همواره تجمل‌گرایی و اشرافیت را در تضاد کامل با اصول اسلامی می‌دانستند: «... ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به‌خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست... بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز باهم جمع نمی‌شوند»^۴ «این توجه به زرق و برق دنیا انسان را از آن احساس انسانی‌اش می‌برد، یک حیوان است در بین مردم راه می‌رود. کوشش کنید معنویت را تقویت کنید»^۵

در منظومه فکری امام شهید، تجمل‌گرایی به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته است: «... نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل و خرج‌های زیادی، در دستگاهتان نفوذ بکند»^۶ «جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بلای کشور است...»^۷

حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، تربیت‌شده چنین پدری است که نمونه‌ای واقعی از ساده‌زیستی و زهد را در زندگی شخصی و اجتماعی خود به نمایش گذاشته است. ایشان همواره

1. https://farsnews.ir/mohammadreza_dehghan/1773138755195753325

2. <https://www.mehrnews.com/news/6769222>

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۵۱۴.

۴. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۶.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۳۷۸.

6. <https://farsi.khamenei.ir - =1699&npt=1>

7. <https://farsi.khamenei.ir =1152&p=2>

در زندگی شخصی سادگی را رعایت کرده و از زرق و برق پرهیز نموده‌اند. این قناعت در همه ابعاد زندگی ایشان مشهود است.

البته، ساده‌زیستی رهبر سوم انقلاب تنها یک سبک زندگی شخصی نیست، بلکه الگویی عملی برای نسل امروز و آینده است. آیت‌الله رحمانی نیشابوری می‌گوید: ایشان از وقتی طلبه شدند، والدشان یا رئیس‌جمهور و یا ولی‌فقیه بوده است و همه امکاناتی در اختیار ایشان بود، اما وقتی به قم آمدند، به همراه آقا مصطفی (برادرشان)، هر دو یک‌منزل اجاره کردند. حالا شما وضعیت رهبران و فرزندان رهبر ما را با حکام برخی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی مقایسه کنید.^۱

۳. ولایت مداری

یکی از ابعاد کلیدی شخصیت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای علیه‌السلام، رویکرد «اهل بیت مداری» ایشان است. باور به اینکه هدایت الهی از طریق ائمه معصومین علیهم‌السلام تداوم یافته و دستگیری آنان، کلید پیروزی در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه مبارزه با دشمنان است. این به معنای اتکای ویژه و تمسک به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به‌ویژه امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در مواجهه با مسائل و چالش‌هاست:

... باید به یاد خداوند تبارک و تعالی و توکل بر حضرتشان و توسل به انوار طیبه‌ی معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)، چون اکسیر اعظم و کبریت احمری نگریسته شود که تضمین‌کننده‌ی انواع گشایش‌ها و ظفر قطعی بر دشمن است. این مزیت عظیمی است که شما واجد آن و دشمنانتان فاقد آن هستید.^۲

همچنین ایشان در پیام روز معلم و کارگر می‌فرمایند:

ایران عزیز، ... مسیر عبور به سوی قلّه‌های پیشرفت و تعالی را خواهد پیمود، و این البته با دعای خیر و وساطت سرورمان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هر چه سریع‌تر و بهتر صورت خواهد پذیرفت.^۳ و در نهایت از سرورمان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تقاضا می‌کنم از درگاه حضرت حق (جل و علا) برای ملت ما غلبه‌ی قاطع بر دشمن و همچنین عزت و وسعت و عافیت، و برای رفتگان نشان مقامات و عافیت اخروی را طلب نمایند.^۴

1. <https://iqna.ir/fa/news/4344981>

2. <https://farsi.khamenei.ir=62800>

3. <https://farsi.khamenei.ir=62870>

4. <https://farsi.khamenei.ir=62800>

۴. مردم‌داری و اعتقاد به نقش مردم در اقتدار نظام

مردم‌داری یکی از ابعاد برجسته شخصیتی رهبر انقلاب علیه‌السلام است؛ بدین معنا که ایشان مردم را سرمایه اجتماعی و پشتوانه عظیم نظام می‌دانند. این مردم هستند که با حضور همه‌جانبه خویش، نظام را حفظ می‌کنند و در برابر تجاوز دشمن مقاومت می‌نمایند. همان‌گونه که در «جنگ تحمیلی سوم» نیز این مردم بودند که در میدان‌ها و خیابان‌ها حضور یافتند و همچون نیروهای مسلح در میدان نبرد حماسه آفریدند. از این رو، آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای علیه‌السلام پس از شهادت امام شهید، با صراحتی غیرقابل انکار، نقش مردم را فراتر از چارچوب‌های معمول تبیین می‌کنند: «این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید».^۱ بر همین اساس است که ایشان تأکید می‌کنند:

اگر قدرت شما در صحنه ظاهر نشود، نه رهبری و نه هیچ‌یک از دستگاه‌های مختلف

که شأن واقعی آن‌ها خدمت به مردم است، کارایی لازم را نخواهند داشت.^۲

همچنین ایشان در پیام چهلم امام شهید می‌فرمایند:

... ملت آگاه و هوشیار ایران گرچه نشان داد در غم بزرگ فراق پیشوای شهیدش داغدار

است ولی با تاسی به میراث‌داران بی‌واسطه عاشورای حسینی، از این داغ، حماسه و از

رثاء، رجز ساخت. و همه این‌ها دشمن تا بن دندان مسلح را به حیرت و استیصال

انداخته و آزادگان جهان را به تحسین واداشته است.^۳

۵. شخصیت سیاسی

بعد سیاسی شخصیت حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای علیه‌السلام، بیش از هر چیز با مفهوم

«بصیرت» گره خورده است. بصیرت به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده

است.^۴ «بصیرت یعنی تیزبین بودن و راه درست را شناختن...»^۵ همچنین، «بصیرت یعنی گم

نکردن راه، و دچار بیراهه‌ها و کج‌راهه‌ها نشدن».^۶ در ادبیات معاصر، «بصیرت» با تعابیری

1. <https://farsi.khamenei.ir=62800>

2. <https://farsi.khamenei.ir=62800>

3. <https://farsi.khamenei.ir=62808>

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، واژه «بصر»، ج ۴، ص ۶۵.

5. farsi.khamenei.ir=49235

6. farsi.khamenei.ir/=49235

همچون بینش سیاسی و فهم عمیق مفهوم‌سازی می‌شود.^۱ در گزاره‌های دینی، واژه‌هایی مانند کیاست و بصیر به معنای بصیرت و بینش سیاسی است. خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»^۲ بگو این است راه من که من و هر کس پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم. «عَلَى الْبَصِيرَةِ» فرمود: «الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ»^۳ مؤمن، مؤمن زیرک و باهوش و هوشیار است.

امام شهیدمان همواره بر اهمیت بصیرت به منظور حفظ اسلام، حفظ نظام اسلامی و مقابله با دشمنان تأکید می‌کردند، زیرا ایشان معتقد بودند که اگر انسان بصیرت نداشته باشد، مانند انسان کوری است که در شناخت حق و باطل دچار مشکل می‌گردد:

عالم، عرصه‌ی درگیری و مبارزه‌ی «جبهه‌ی حق» علیه «جبهه‌ی باطل» است. در این صحنه‌ی درگیری حساس و سرنوشت‌ساز، انسان بی‌بصیرت در واقع «کور» است: «نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است؛ راه را انسان نمی‌بیند. بله، عزم هم دارید، اراده هم دارید، اما نمی‌دانید کجا باید بروید.»^۴

تربیت در سایه هدایت سیاسی، ستون فقرات بصیرت سیاسی حضرت آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای را شکل داده است. حضور در کنار پدر و محیطی که سیاست و دیانت درهم تنیده‌اند، فرصتی برای یادگیری عملی درس‌های سیاست ورزی، مدیریت بحران و درک عمیق از معادلات قدرت را برای ایشان فراهم آورده است. این نزدیکی، صرفاً یک هم‌نشینی خانوادگی نبوده، بلکه به معنای درک مستقیم از نحوه مواجهه با چالش‌های سیاسی، تحلیل رویدادها و اتخاذ تصمیمات استراتژیک در حساس‌ترین مقاطع بوده است. ایشان به‌خوبی از تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمان خود آگاه‌اند که نامه‌ها و پیام‌های ایشان تأییدکننده این آگاهی و بصیرت است.

۶. شخصیت نظامی

در تحلیل شخصیت حضرت آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه، بعد نظامی و دفاعی ایشان نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. این بُعد، ریشه در شناخت عمیق ایشان از مبانی دفاع مقدس و مقاومت اسلامی دارد. از بدو شکل‌گیری انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس و جنگ

1. www.imam-khomeini.ir/fa/n26098

۲. یوسف: ۱۰۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲۶.

4. https://farsi.khamenei.ir =35271

دوازده‌روزه، امام شهید، به‌عنوان فرمانده کل قوا، دیدگاه‌های منحصر‌به‌فردی در حوزه نظامی و دفاعی شکل دادند. ایشان، در چنین فضایی رشد یافته و تربیت‌یافته‌اند؛ فضایی که در آن، تفکر استراتژیک، شناخت دقیق دشمن، روحیه جهادی و مدیریت بحران، جزئی جدایی‌ناپذیر از دیدگاه‌های انقلابی محسوب می‌شد. فرماندهان عالی‌رتبه نظامی در برخی بزنگاه‌های حساس، برای دریافت رهنمود و مشورت به محضر حضرت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای ارجاع داده می‌شدند: «فرماندهان نظامی را به آقا مجتبی‌ارجاع داده بودند. ایشان [امام شهید^{علیه‌السلام}] با صراحت گفته بودند که نظر آقا مجتبی‌نظر من است.»^۱

ارتباط مستمر و عمیق حضرت آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای با فرماندهان برجسته نظامی و رهبران جبهه مقاومت، به‌ویژه با سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و سیدالشهدای مقاومت، سید حسن نصرالله، یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های بعد نظامی شخصیت ایشان محسوب می‌شود.^۲

۷. استکبارستیزی و مقاومت

استکبارستیزی از اصول اساسی اندیشه‌های امامین انقلاب به شمار می‌آید. این دو بزرگوار، در دوران مبارزه و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به تبیین ابعاد و دکرترین استکبارستیزی پرداختند. امام شهید استکبارستیزی را امری عقلانی و علمی می‌دانند: «رژیم آمریکا، رژیم استکباری است و رژیم استکباری، جامع بسیاری از ضررها و شیظنت‌ها و بدی‌ها است... بنابراین، ستیزه‌گری با این استکبار، با این پدیده، عین عقلانیت است...»^۳ همچنین تصریح می‌کنند: «این نظام، یکی از بزرگ‌ترین خاصیت‌هایش، مقابله با استکبار و تفرعن قدرت‌های مستکبر عالم است.»^۴ امام خمینی^{علیه‌السلام} نیز تصریح می‌کنند که همه انبیا با قدرت‌های ظالم مبارزه می‌کردند.^۵

براین اساس است که نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی و جهادی فلسطین و لبنان در برابر استکبار - به‌ویژه اسرائیل و آمریکا - با نام این دو شخصیت شناخته می‌شود. امام شهید^{علیه‌السلام} نیز می‌فرمایند:

... یک کشور اسلامی، یعنی فلسطین، به‌وسیله‌ی خبیث‌ترین کفار عالم غصب شده؛

1. <https://www.tabnak.ir/fa/news/1362145>

2. <https://finland.mfa.gov.ir/portal/NewsView/784552>

3. <https://farsi.khamenei.ir/=1145>

4. <https://farsi.khamenei.ir/=1145>

۵. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۵۰۷.

حکم قطعی شرعی این است که بر همه واجب است تلاش کنند، کمک کنند و فلسطین را به مسلمان‌ها، به صاحبان اصلی‌اش برگردانند.^۱ رهبر معظم انقلاب علیه السلام نیز «دکترین مقاومت» را از امامین انقلاب به ارث برده است و آن را جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌داند:

ما کشورهای جبهه‌ی مقاومت را بهترین دوستان خود می‌دانیم و امر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت، جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزش‌های انقلاب اسلامی است. بی‌تردید همراهی اجزای این جبهه با یکدیگر، مسیر تخلص از فتنه‌ی صهیونی را کوتاه‌تر می‌نماید؛ همچنان که دیدیم یمن شجاع و مؤمن، دست از دفاع از مردم مظلوم غره برداشت و حزب الله فداکار علی‌رغم همه‌ی موانع به یاری جمهوری اسلامی آمده است و مقاومت عراق هم دلیرانه همین خط را در پیش گرفته است.^۲ همچنین ایشان از وجود مقدس اهل بیت علیهم السلام و به‌ویژه امام زمان علیه السلام یاری می‌طلبند که ایشان و مردم ایران را در مبارزه با استکبار یار نمایند:

در پایان خطاب به سرورمان علیه السلام عرضه می‌دارم که ما با ایمان به خدای متعال و توسل به ائمه معصومین صلوات الله علیهم، و با تاسی به رهبر شهید خود، در زیر پرچم جنابتان و در مقابل جبهه کفر و استکبار ایستاده‌ایم. در این مسیر، شهدای گران‌قدری از طبقات مختلف تقدیم راه عزت و استقلال کشور و اعتلای اسلام و انقلاب اسلامی کرده‌ایم. اینک با تمام وجود، به دعای خاص حضرتتان برای غلبه قاطع بر دشمن، چه در صحنه مذاکرات و چه در میدان نبرد، دل بسته‌ایم.^۳ همچنین رهبر معظم انقلاب علیه السلام در جای دیگر می‌فرمایند:

... امروز طلیعه برآمدن جمهوری اسلامی به‌عنوان یک قدرت بزرگ و قرار گرفتن استکبار در سراسیمه‌ی ضعف، مقابل چشم همگان آشکار شده است. این بی‌شک نعمتی الهی است که از برکت خون رهبر شهیدمان و سایر شهدای گلگون‌کفن و هم‌وطنان مظلوم و گل‌های پرپر شده مدرسه شجره طیبه میناب، و در پی توسلات و تضرعات آحاد ملت به درگاه ربوبی و حضور مجاهدانه‌ایشان در میدان‌ها و محلات و مساجد، و به خاطر جان‌افشانی‌های بی‌دریغ... رزمندگان جان‌برکف اسلام ارزانی شده است.^۴

1. <https://farsi.khamenei.ir/=57665>

2. <https://farsi.khamenei.ir=62800>

3. <https://farsi.khamenei.ir=62808>

4. <https://farsi.khamenei.ir=62808>

کتاب‌نامه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم-الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق

5. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id>

6. <https://www.tabnak.ir/fa/news/136214584>

7. <https://finland.mfa.gov.ir/portal/NewsView/784552>

8. <https://iqna.ir/fa/news/434498>.

نقش زنان در تقویت تاب‌آوری خانواده در شرایط جنگ با تأکید بر جنگ رمضان

فریده فاطمی مهر*

اشاره

خانواده در دوران جنگ در جایگاه نخستین پناهگاه عاطفی انسان است که با فشارهای عظیمی روبرو می‌شود؛ در این میان، نقش زنان حیاتی است. آنان با صبوری، عشق و درایت، فضای خانه را در برابر فروپاشی حفظ می‌کنند؛ همچنین در مقام همسر، با همدلی، همراهی و گفتگو، حس امنیت و امید را در زندگی همسران خود زنده نگه می‌دارند و از بار روانی و اضطراب آنان می‌کاهند. در جایگاه مادر نیز با آرامش‌بخشی، حمایت عاطفی و امیدآفرینی، ترس و نگرانی فرزندان را تسکین می‌دهند و پایداری خانواده را تقویت می‌کنند. نقش زنان در چنین شرایطی تنها حمایتی احساسی نیست، بلکه عاملی بنیادین برای تاب‌آوری و حفظ پیوندهای خانوادگی است. آنان با عشق و استقامت خود، روح زندگی را در دل سخت‌ترین زمان‌ها زنده می‌کنند و زمینه‌بازسازی و رشد پس از بحران را فراهم می‌آورند؛ نقشی که توجه به آن ضامن انسجام خانواده و سلامت اجتماعی جامعه است.

مقدمه

جنگ‌ها در تاریخ بشر همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربه جوامع بوده‌اند. این پدیده خشونت‌آمیز افزون بر تخریب‌های مادی و تلفات جانی گسترده، آثار عمیق ویران‌کننده‌ای بر ساختارها و روابط اجتماعی به‌ویژه نهاد خانواده بر جای می‌گذارند. «زیربنای روابط اجتماعی از روابط در خانواده شروع می‌شود»^۱. خانواده در جایگاه کوچک‌ترین واحد سازنده جامعه،

* دانش‌آموخته سطح ۳، رشته تفسیر و علوم قرآن.

۱. محمد علی‌نوی و غلامرضا غفاری، «تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی (ع)»، ص ۱۰۴.

نخستین و اصلی‌ترین کانون امنیت، رشد و پرورش افراد به شمار می‌آید و هرگونه اختلال یا تهدید در این محیط، پیامدهای بلندمدتی را برای اعضای آن و در نهایت برای کل جامعه به دنبال خواهد داشت.

خانواده‌ها در مواجهه با بحران‌های ناشی از جنگ با چالش‌های متعددی از قبیل ناامنی فیزیکی، فقدان اقتصادی، فروپاشی شبکه‌های حمایتی و فشارهای روانی و عاطفی شدید روبرو می‌شوند. در چنین شرایطی، تقویت تاب‌آوری خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل بقا و سلامت روان اعضای خانواده است. تاب‌آوری خانواده فقط به معنای مقاومت در برابر سختی‌ها نیست، بلکه توانایی انطباق، یادگیری و رشد از دل تجربه‌های دشوار است. این سازوکار پیچیده به خانواده‌ها امکان می‌دهد تا در برابر فشارهای خارجی مقاومت کنند، پس از گذراندن بحران به وضعیت اولیه زندگی بازگردند و حتی در مواردی با بهره‌گیری از تجربه جنگ، قوی‌تر شوند. در کانون این سازوکار تاب‌آوری، اغلب نقش محوری و تعیین‌کننده زنان برجسته می‌شود. زنان به واسطه جایگاه و وظایف منحصر به فردشان در خانواده از جمله ایفای نقش همسر و مادر، مسئولیت سنگین حفظ انسجام درونی خانواده، تأمین نیازهای عاطفی و روانی اعضا و مدیریت بحران‌های روزمره را بر عهده دارند. این نقش‌ها به‌ویژه در شرایط جنگی که با افزایش استرس، اضطراب، فقدان و ناامنی همراه است، اهمیت مضاعفی می‌یابند. زنان نه تنها در حفظ روحیه و بقای فیزیکی خانواده نقش دارند، بلکه در شکل‌دهی به نگرش‌ها، باورها و امیدهای نسل آینده نیز مؤثرند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تاب‌آوردن

تاب در لغت به معنای «توان، توانایی، تحمل، پایداری، قرار، آرام، صبر، شکیب، شکیبایی»^۱ است. «آور» پسوندی به معنای «دارنده، دارا»^۲ است؛ بنابراین تاب‌آوری به معنای دارای صبر و تحمل و شکیبایی است.

تاب‌آوری در اصطلاح: تاب‌آوری در علوم مختلف دارای معانی متفاوتی است. در اصطلاح روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاریف متعددی برای آن آمده است؛ در این پژوهش تعریفی که

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۹۸۸.

۲. همان، ص ۱۰۰.

سیبیرت روان‌شناس ارائه می‌دهد، از بقیه تعاریف جامع‌تر است. وی تاب‌آوری را به توانایی داشتن در امور زیر تعریف می‌کند:

مقابله با سطح بالایی از تغییرات مدام مخمل؛ حفظ سلامتی و انرژی تحت فشار دائمی؛ بازگشت آسان به حالت نرمال و غلبه بر موانع و مشکلات؛ غلبه بر سختی‌ها؛ تغییر مسیر به سمت زندگی و کار جدید هنگامی که ادامه مسیرهای قبلی امکان‌پذیر نباشد؛ انجام اقدامات فوق‌بدون انجام روش‌های مضر یا کارآمد.^۱

تاب‌آوری در آموزه‌های اسلامی:

مفهوم تاب‌آوری در منابع اسلامی و واژه‌ای که مترادف با تاب‌آوری روان‌شناختی باشد، یافت نمی‌شود؛ ولی برخی از مفاهیم مانند صبر، استقامت، حلم و شرح صدر که قرابت معنایی با تاب‌آوری روان‌شناختی دارند، به‌کثرت در منابع اسلامی وجود دارند.^۲

۲-۱. خانواده

خانواده در لغت «اسم مرکب از "خان" به معنای خانه و "واده" پسوند آن است که به معنای اصل و بنا و ماده هر چیزی و به عبارتی اهل خانه است».^۳ خانواده در اصطلاح، «واحد اولیه‌ای است که شامل والدین و فرزندان می‌شود. این فرزندان می‌توانند طبیعی یا فرزندخوانده باشند. برخی آن را با خانواده زن و شوهری مترادف می‌دانند».^۴ به تعبیر دیگر: «خانواده به عنوان اساسی‌ترین واحد جامعه، بنیان‌گذار سلامت جسمی، فرهنگی، معنوی، روانی و اجتماعی اعضای آن است و گرامی‌ترین نهادی است که خداوند بر آن صحّه گذاشته است».^۵

۳-۱. تاب‌آوری خانواده

تاب‌آوری خانواده «به توانایی خانواده در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های زندگی و سازگاری مثبت با آنها اشاره دارد. این مفهوم به معنای ظرفیت خانواده برای غلبه بر مشکلات و بازیابی

۱. آل سیبیرت، مزایای تاب‌آوری، ص ۱۷.

۲. سیدمهدی شاهمیری، تاب‌آوری در اسلام و روان‌شناسی، ص ۷۱.

۳. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱-۱۴، ص ۸۲۶۳-۲۰۳۷۷.

۴. باقر ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۷۴.

۵. علی‌اصغر احمدی، روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، ص ۲۲۹.

تعادل پس از گذر از شرایط دشوار است. پاسخ مثبت خانواده به مشکلات را تاب‌آوری خانواده می‌گویند.^۱ خانواده تاب‌آور محیطی امن و حمایتگر دارد که در آن هر عضو احساس ارزشمندی می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْاجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَالْمُؤَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَتَعَاظُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ»^۲ بر مسلمانان سزاوار است که در پیوند با یکدیگر بکوشند و بر مهرورزی به هم یاری نمایند و نیازمندان را دست گیرند و به هم عاطفه ورزند». در این چارچوب، آموزه‌های قرآنی به‌ویژه بر نقش زن در جایگاه ستون عاطفی خانواده تأکیدی ویژه دارند. قرآن کریم رابطه با زن در خانواده را به مثابه «سکونت» (آرامش)، «مودت» (مهر) و «رحمت» (عطوفت) یاد می‌کند.^۳ این کارکردها بدون نقش فعال و هوشمندانه زن که نماد عطوفت و مهر است، تحقق کامل نمی‌یابد. مادر در جایگاه الگوی عاطفی، با ایجاد روابط صمیمی و حمایتگر با همسر و فرزندان، نقشی حیاتی در شکل‌گیری شخصیت سالم و ارتقای تاب‌آوری آنان ایفا می‌کند.

بر این اساس، نقش زنان در تقویت تاب‌آوری خانواده در شرایط بحران را در دو محور «نقش همسری» و «نقش مادری» می‌توان بررسی کرد. زن در هر دو نقش با ایجاد فضایی سرشار از امنیت، پذیرش و حمایت عاطفی به اعضای خانواده کمک می‌کند تا با بحران‌ها و چالش‌ها مواجهه مؤثرتری داشته باشند و پس از سختی‌ها، با قدرت بیشتری به تعادل بازگردند.

۲. نقش همسری

نقش همسری در فضای خانواده به‌مثابه ستون فقرات تاب‌آوری در برابر ناملایمات به‌ویژه در دوران بحرانی چون جنگ عمل می‌کند. این نقش که با سه مؤلفه کلیدی همدلی و همراهی، مشارکت و همکاری و گفتگو و مشورت معنا و مفهوم می‌یابد، به حفظ چارچوب خانواده در شرایط سخت و بحرانی کمک می‌کند. حجت‌الاسلام والمسلمین راشد یزدی نقل می‌کند مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند: «هنگامی که من زندان بودم، همسرم یک کلمه درباره زندگی و مشکلات آن سخنی نگفت».^۴ این سکوت گواهی بر همکاری در حفظ روحیه و امیدواری فرد است؛ همچنین ثابت می‌کند که نقش همسری به‌ویژه در بحران‌ها، می‌تواند عاملی حیاتی در

1. <https://civilica.com/note/4589>.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

۳. روم: ۲۱.

۴. مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، «خانه، کانون مهر و محبت»، ص ۱۱.

حفظ انسجام و تاب‌آوری خانواده باشد. گفتنی است به پیشینه این مؤلفه‌ها در آموزه‌های دینی نیز می‌توان دست یافت؛ از این رو در پژوهش حاضر به تشریح هر یک از این سه مؤلفه در شکل‌دهی نقش همسری تاب‌آور پرداخته می‌شود.

۲-۱. همدلی و همراهی

در بستر نظام خانواده، نقش همسری یکی از پایه‌های اصلی روابط بین فردی است که نقشی حیاتی در ایجاد و حفظ انسجام عاطفی و روانی ایفا می‌کند. همدلی و همراهی به مثابه دو بال پرواز یک رابطه زوجی سالم، زمینه را برای درک متقابل، پذیرش، و حمایت عمیق فراهم می‌آورند. همسران همدل قادرند دیدگاه‌ها، احساسات و نیازهای یکدیگر را حتی زمانی که با دیدگاه خودشان متفاوت است، درک کنند و به رسمیت بشناسند. این درک مبنایی برای همراهی مؤثر در فرازونشیب‌های زندگی مشترک است؛ همراهی که صرفاً در حضور فیزیکی خلاصه نمی‌شود، بلکه تجلی آن در حمایت‌های عاطفی، کلامی و عملی در لحظات سخت و دشوار و شریک شدن در شادی‌ها و موفقیت‌هاست.^۱ زوج‌هایی که بر این دو اصل یعنی همدلی و همراهی تأکید دارند، معمولاً از روابطی عمیق‌تر، رضایت‌بخش‌تر و پایدارتر برخوردارند و قادرند به طور مشترک چالش‌های زندگی را با موفقیت پشت سر بگذارند و به سوی اهداف مشترک گام بردارند.

نقش زن در همدلی و همراهی می‌تواند در تاب‌آوری مرد خانواده تأثیرگذار باشد؛ در نتیجه آثار سودمندش به همه اعضای خانواده برمی‌گردد. مرد در شرایط جنگ با فشارهای روانی، اقتصادی و تهدید امنیتی مواجه است و نقش همدلانه زن، عامل اصلی حفظ ثبات روانی اوست. همدلی زن در چنین شرایطی نقش تعدیل‌کننده استرس و بازتولید تعادل روانی خانواده را بر عهده دارد. همدلی بخشی از فرایندهای بین فردی تاب‌آور است که مانع گسست عاطفی می‌شود. قرآن این‌گونه همدلی را هسته رابطه بین همسران معرفی می‌کند: «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲ میانتان مهرورزی و رحمت قرار داد». مودت و رحمت دو مفهوم عاطفی‌اند که همدلی و همراهی مصداق آن هستند. رسول خدا ﷺ در فرمایشی گران‌بار درباره زنی که نقش همسری خود را در همدلی و همراهی همسرش به خوبی انجام می‌دهد، چنین فرموده است: «إِنَّ لِلَّهِ

۱. جان گاتمن، هفت اصل برای موفقیت در ازدواج، ص ۳۹.

۲. روم: ۲۱.

عَمَّالًا وَ هَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ: ^۱ خدای را در این جهان، عمال و کارگزارانی است و این زن از عمال خداست؛ چنین همسری نصف اجر یک شهید را خواهد داشت». همچنین امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندش امام حسن علیه السلام فرموده است: «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ: ^۲ همانا زن گل بهاری است، قهرمان نیست». زن در منطق امیرالمؤمنین علیه السلام نقش آرام‌بخش و همدلانه دارد.

گفتنی است نقش زن درباره همدلی در برابر مرد پررنگ‌تر است: «همسران می‌توانند سنگ صبور هم باشند؛ ولی نقش زن چشمگیرتر است؛ زیرا او بهتر از دیگران می‌تواند با لطافت و ظرافت خود، روحیه خسته و ناامید شوهر را در برابر مشکلات فراوان بیرون خانه تغییر دهد».^۳

۲-۲. مشارکت و همکاری

در چارچوب روابط زوجین، مشارکت و همکاری دو ستون کلیدی هستند که استحکام و پویایی زندگی مشترک را تضمین می‌کنند که تجلی آن در حضور فعال و حمایتی زن در کنار شوهر و در سختی‌ها و آسانی‌هاست. این مشارکت موجب تقویت احساس تعلق خاطر، امنیت و ارزشمندی در مرد می‌شود و زوجین را قادر می‌سازد با اتکا به یکدیگر بر موانع غلبه کنند و مسیر رشد و بالندگی را با هم بپیمایند.

درباره یاری‌رساندن زن به همسر خود در زندگی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «یک زن صالح بهتر از هزار مرد غیر صالح است».^۴ سیره حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام بر تقسیم کار، مشارکت در امور خانه و زندگی و همکاری در دشواری‌ها بوده است که در منابع شیعی مکرر ذکر شده است.^۵

مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید:

همکاری و کمک به این نیست که وارد حجم کار یکدیگر بشوند، نه؛ بلکه یکدیگر را روحاً تدارک کنند. مردها معمولاً با مسائل مشکل‌تری در جامعه برخورد دارند. زن‌ها می‌توانند به آنها روحیه بدهند؛ می‌توانند خستگی آنها را از نشان بیرون کنند؛ به آنها

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲، ح ۱۴.

۲. عبدالحمید ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۳. جمعی از نویسندگان، همسران همراه، ص ۸۶.

۴. حسن دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۱۷۵.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

تبسم کنند و به آنها دل‌خوشی دهند.^۱

مراد از همکاری، همکاری روحی است. اینکه زن ضرورت‌های مرد را درک کند؛ فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد؛ کاری نکند که او را در امر زندگی مستأصل شود و خدای ناکرده به راه‌های نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدان‌های زندگی تشویق کند و تحریص نماید.^۲

در نتیجه «مشارکت‌نقشی بنیادی در طرح‌هایی دارد که در پی ایجاد تاب‌آوری اجتماعی هستند».^۳

۳-۲. گفتگو و مشورت

در شرایط بحرانی و جنگی، نقش همسری زن در مقابل همسرش اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این زمان‌ها، گفتگو و مشورت میان زوجین نه تنها ابزار حل مشکل، بلکه به مثابه وسیله‌ای برای تسلی و تقویت روحیه طرفین عمل می‌کند. زن باید با صداقت، صبر و بردباری نقش حمایتی و مشورتی خود را ایفا کند؛ به گونه‌ای که همسرش احساس کند تنها نیست و می‌تواند به همسرش اعتماد کند. ارتباط مؤثر و گفتگوهای سازنده کمک می‌کند تا راه‌حل‌های مشترک برای عبور از بحران پیدا شود و رابطه عمیق‌تر و همبستگی بیشتری میان زوجین شکل بگیرد. در چنین اوضاع سختی، نقش زن در تقویت روحیه و حفظ انسجام خانواده اهمیت مضاعف می‌یابد. گفتگو و مشورت «فضایی را فراهم می‌کند که اعضای خانواده بتوانند به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، احساسات خود را ابراز کنند و در مورد مسائل گوناگون با یکدیگر صحبت کنند. این امر به ایجاد صمیمیت و همدلی در خانواده کمک می‌کند».^۴

مشورت در بحران‌های جنگی حیاتی است؛ چون تصمیم‌ها ممکن است دارای پیامدهای فوری باشند. بر این اساس خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^۵ و در کارشان با یکدیگر مشورت می‌کنند». قرآن شیوه اداره امور را مشورت می‌داند؛ این اصل خانواده را هم دربر می‌گیرد. آموزه‌های اسلام «به جهت نقش اساسی و زیربنای خانواده به‌ویژه مادر در تربیت

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۸/۱/۱۵.

۲. همان، ۱۳۷۵/۲/۱۰.

۳. جمعی از نویسندگان، اصول ایجاد تاب‌آوری، ص ۱۷۹.

۴. فریده فاطمی مهر و محمد علینی، «نشاط اجتماعی در روابط خانوادگی از منظر آموزه‌های اسلامی»، ص ۸۶.

۵. شوری: ۳۸.

و آموزش فرزندان که به شکل گیری سرمایه انسانی منجر می شود، تأکید اساسی و فراوان دارد).^۱ در روایات نیز به مشورت کردن تأکید و تصریح شده است؛ همان طور که امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «الاستشارة عين الهداية»^۲ مشورت سرچشمه هدایت است». یکی از هم زمان شهید اندرزگو نقل می کند: «همسر شهید پشتوانه و مشاور عالی برای ایشان بود و افکار و راهکارهای خوبی ارائه می داد».^۳

۳. نقش مادری

مادر در بنیان خانواده نقشی حیاتی و چندوجهی ایفا می کند که فراتر از مراقبت های صرف است؛ این نقش به ویژه در شرایط بحرانی و فشارهای اجتماعی به کانون تاب آوری خانواده تبدیل می شود. مادران با تزریق امیدبخشی در فضایی آکنده از ناامیدی، با تبدیل ترس به اطمینان، مسیر عبور از سختی ها را هموار می کنند. توانایی ذاتی آنها در آرامش بخشی به محیط خانه و اعضای خانواده، همچون لنگری در طوفان، ثبات عاطفی را تضمین می کند و از فروپاشی روانی جلوگیری می نماید. افزون بر این، حمایت عاطفی مستمر مادر که با درک، همدلی و ابراز محبت همراه است، به اعضای خانواده به ویژه کودکان، احساس امنیت و ارزشمندی می بخشد و نیروی لازم برای مواجهه با چالش ها و بازسازی پس از بحران را در آنها تقویت می کند. این سه محور در کنار هم تاروپود مقاومت خانواده را شکل می دهد و آن را در برابر ناملاپمات استوار می کنند.

امام خمینی علیه السلام در تبیین نقش کلیدی مادر به مثابه یک عامل تربیتی فرموده است:

دامن مادرها دامن است که انسان از آن باید درست بشود؛ یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر و برای اینکه علاقه بچه به مادر، بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه ای بالاتر از علاقه مادری و فرزندی نیست، بچه ها از مادر بهتر (مسائل) را اخذ می کنند. آن قدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند.^۴

۳-۱. امید و امیدبخشی

نقش مادر در شرایط بحران مثل جنگ به مثابه منبع امید و امیدبخشی بسیار حیاتی است. وی با

۱. محمد علینی، سرمایه اجتماعی در آموزه های اسلامی، ص ۳۱.

۲. سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱.

۳. افشار صفوی، به نقل از قاصد نیوز، ۱۳۹۳/۰۶/۰۱.

۴. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۹۰.

القای امید نه تنها توانمندی فرزندان را برای مقابله با چالش‌ها افزایش می‌دهد، بلکه احساس قدرت و انگیزه برای ادامه زندگی را نیز در آنها تقویت می‌کند. مادران با داستان‌ها و تجربه‌های مثبت خود می‌توانند به فرزندان امید بدهند و نشان دهند که هر بحرانی سرانجام به پایان می‌رسد. آنها با تشویق به تفکر مثبت و یافتن راه‌حل‌های خلاقانه، فرزندان را به سوی تاب‌آوری سوق می‌دهند. نقش مادر در این دوران نه تنها در تداوم محبت، بلکه در تزریق امید و انرژی به زندگی روزمره فرزندان تأثیر بسزایی دارد و این امید می‌تواند عاملی مهم در غلبه بر بحران‌ها و افزایش تاب‌آوری باشد.

قرآن بارها امید را موضوع مهم در زندگی مؤمن معرفی می‌کند: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ: ۱ از رحمت خدا ناامید نشوید». این خطاب مستقیم به نهی از ناامیدی است.

بعد نومیدی، بسی امیدها است پس ظلمت، بسی خورشیدها است^۲

حضرت زینب علیها السلام نیز در بحرانی‌ترین شرایط (اسارت، جنگ، مرگ عزیزان) چنین جمله امیدبخشی گفت: «ما رأيتُ إلا جميلاً: ۳ من جز زیبایی چیزی ندیدم». این جمله، الگوی کامل امیدبخشی در بحران‌های شدید است.

۲-۳. امنیت و آرامش بخشی

مادران با توانایی بی‌نظیر خود می‌توانند در زمان‌های بحرانی، فرزندان را از طریق ایجاد فضای امن و آرامش بخش قوی‌تر کنند. «نیاز به امنیت از نیازهای اساسی انسان است؛ به‌ویژه در دوران کودکی و نوجوانی که انسان بیشتر وابسته به دیگران است و از خود استقلال چندانی ندارد؛ از این رو والدین به‌ویژه مادر باید سعی کنند نه تنها موجب ترس و نگرانی کودکان نشوند، بلکه همراه تکیه‌گاه و پشتیبان‌های برای امنیت آنها باشند».^۴ همچنین «مادر در تأمین آرامش خاطر کودک نقش مهمی را می‌تواند ایفا کند».^۵ وقتی خانواده‌ها با شرایط سخت و پراسترس مثل جنگ روبرو می‌شوند، حفظ آرامش درونی نقش مهمی در تاب‌آوردن و قوی ماندن دارد. این آرامش به معنای این نیست که مشکلی وجود ندارد، بلکه به این معناست که اعضای خانواده

۱. زمر: ۵۳.

۲. جلال‌الدین بلخی، مثنوی، دفتر سوم.

۳. علی بن موسی ابن‌طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۶.

۴. سیدعلی حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۹۲.

۵. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۲۱۲.

به‌ویژه مادران می‌توانند با استفاده از روش‌های مختلف، احساسات منفی مثل ترس و اضطراب را کنترل کنند. این کار می‌تواند از طریق حرف‌زدن آرام و دلگرم‌کننده، درآغوش گرفتن یا حتی با تعریف دوباره اتفاقات به شکلی که کمتر ترسناک به نظر برسند، انجام شود. استفاده از قصه‌های جذاب و شیرین و سرگرمی‌های متنوع و بازی‌ها به‌ویژه بازی‌های فکری در دوری از استرس و اضطراب ناشی از جنگ و دادن آرامش می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد.

فاطمه دختر شهید عماد مغنیه در مورد مادرش می‌گوید:

مادر من یک زن فوق‌العاده است. خبر شهادت بابا که رسید، رفت دو رکعت نماز خواند. همه ما را مامان آرام کرد. بدون اینکه حرفی مستقیم به ما بزند، وقتی دید در مواجهه با پیکر بابا بی‌تاب شده‌ایم، خطاب به بابا گفت: الحمد لله که وقتی شهید شدی، کسی خانواده‌ات را به اسارت نگرفت و به ما جسارت نمی‌کند.^۱

همین یک جمله ما را آن قدر خجالت داد که آرام شدیم.

۳-۳. محبت و حمایت عاطفی

مادر سرچشمه مهر و امنیت است که با گرمای عواطف خود، بذر محبت و ارزش‌های اخلاقی را از همان آغاز حیات در وجود فرزند می‌پروراند. بی‌تردید «سهم عمده در پرورش عاطفی فرزندان از آن مادر است و اوست که باید در پرتو عواطف ملکوتی خود، بذر عاطفه را در درون فرزندان خود پروراند. مادر مشعل فروزانی است که محیط خانه را گرم و نورانی می‌سازد و فرزندان را از لحظات آغازین زندگی با ارزش‌های عاطفی آشنا می‌سازد».^۲ این حمایت طیف وسیعی از رفتارهایی را دربر می‌گیرد که از طریق آنها، مادر نیازهای فرزندان خود را درک می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد؛ از جمله ابراز محبت کلامی و غیرکلامی، همدلی با احساسات فرزندان (حتی احساسات منفی)، تشویق استقلال و خودابرازی و فراهم آوردن فضایی امن برای بیان عواطف بدون ترس از قضاوت. بهره‌مندی فرزندان از محبت و حمایت عاطفی والدین به‌ویژه مادر به تقویت تاب‌آوری آنها می‌انجامد؛ به گونه‌ای که این پشتوانه عاطفی سبب می‌شود آنها در مواجهه با دشواری‌های زندگی، روابط اجتماعی مستحکم‌تری بسازند و با تکیه بر اعتمادبه‌نفس درونی، توانمندی بیشتری از خود بروز دهند. همچنین «مهربانی و حضور عاطفی حضرت زهرا علیها السلام در تربیت حسنین علیهما السلام»^۳ را می‌توان نمونه کامل حمایت عاطفی دانست.

۱. جمعی از نویسندگان، همسران همراه، ص ۴۱.

۲. محمدعلی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج‌البلاغه، قم: مکتبه‌آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن‌طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتل الطوف، مترجم: احمد فهری زنجانی، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۳. احمدی، علی‌اصغر، روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.
۴. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، چ ۱، [بی‌جا]: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج‌الفصاحه، چ ۳، تهران: دارالفکر، ۱۳۸۶ ش.
۶. جمعی از نویسندگان، اصول ایجاد تاب‌آوری، مترجم: مهدی قربانی، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۹۹ ش.
۷. جمعی از نویسندگان، همسران همراه، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵ ش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل‌الشیعه، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۹. دشتی، محمد، نهج‌البلاغه، [بی‌جا]: انتشارات مشهور، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. دیلمی، شیخ حسن، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران، چ ۳، [بی‌جا]: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. سبیرت، آل، مزایای تاب‌آوری، ترجمه: علیرضا صارمی و سیدباقر میرسلمانی، تهران: روزگار، ۱۳۹۴ ش.
۱۵. شاهمیری، سیدمهدی، تاب‌آوری در اسلام و روان‌شناسی، [بی‌جا]: اخلاق و تربیت، ۱۴۰۲ ش.
۱۶. صفوی، افشار، به نقل از قاصد نیوز، شناسه خبر: ۱۵۱۲، ۱۳۹۳/۰۶/۰۱.
۱۷. علینی، محمد و غلامرضا غفاری، «تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی علیه‌السلام»، اسلام و مطالعات اجتماعی، س ۲، ش ۴، ۱۳۹۴ ش.
۱۸. علینی، محمد، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، چ ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. فاطمی‌مهر، فریده و محمدعلینی، «نشاط اجتماعی در روابط خانوادگی از منظر آموزه‌های اسلامی»، اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۵۰، ۱۴۰۴ ش.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، مترجم: حسین استادولی، چ ۴، [بی جا]: دارالثقلین، ۱۳۹۳ ش.
۲۱. گاتمن، جان، هفت اصل برای موفقیت در ازدواج، مترجم: سیدمرتضی نظری، [بی جا]: انتشارات اندیشه معاصر، ۱۳۹۰ ش.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. محمد، جلال‌الدین بلخی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۲۴. مدیریت آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، «خانه، کانون مهر و محبت»، سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی، قم، ش ۴۵.
۲۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۲۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.

27. <https://khamenei.ir>

28. <https://civilica.com/note/4589>

راهکارهای تحقق خودکفایی در تربیت انسان از دیدگاه آیت الله حائری شیرازی

حجت الاسلام والمسلمین محمد شهبازنیا*

اشاره

هدف اساسی تربیت در نظام فکری آیت الله حائری شیرازی، حاکمیت انسانیت بر نفسانیت است؛ بنابراین وظیفه اساسی والدین و مربیان نیز فراهم آوردن شرایط مناسب برای تحقق این هدف است. در اندیشه ایشان با توجه به استعدادهای درونی انسان (عقل، قلب و فطرت) برای رسیدن به این هدف، باید حاکمیت انسانیت از طریق قوای درون انسان و به گونه‌ای خودکفا حاصل شود. چگونگی تحقق این خودکفایی در حاکمیت انسانیت بر نفسانیت پرسش این پژوهش است. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی آثاری که از این اندیشمند به نوشتار درآمده است، به تنظیم و تطبیق راهکارهای بدیع و متنوع موجود در این آثار با اهداف محوری و اصول تربیتی مورد نظر ایشان پرداخته شده است؛ در نهایت، راهکارهای تحقق خودکفایی ذیل شش محور اساسی سامان‌دهی شد: ایجاد فضای رشد و شکوفایی واعظ درون، پرورش اوصاف فطری، رفع تعلقات دنیوی، اعطای بینش صحیح، پرورش قدرت تفکر و تربیت فطرت بر فطرت. این ساختار تربیتی متناسب با دستگاه فطرت و طبیعت انسان و برای تقویت بعد فطری اوست. ذیل هرکدام از این محورها، اصول و روش‌های تربیتی و نیز راهکارهایی بدیع و عملی برای اجرای آنها ارائه شده است.

بیان مسئله

زنده‌یاد آیت الله حائری شیرازی یکی از اندیشمندان معاصر هستند که با بررسی‌های عمیق در آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به استنباط مبانی تربیت اسلامی پرداخته‌اند. محور و هدف تربیت

* سطح ۳ حوزه علمیه قم.

در اسلام از دیدگاه این اندیشمند، شکوفایی انسانیت و حاکمیت آن بر نفسانیت است که جنبه نورانی و اعلای وجود آدمی است. عقل، قلب و فطرت، جنبه اعلای انسان است که همانند واعظی از درون، هدایت‌گری شخص را بر عهده دارد. شکوفایی این استعدادها درونی نویدبخش خودکفایی فرزند در یافتن و پیمودن مسیر رشد و مهار طبیعت (خواسته‌های نفسانی) است.

وجود دو جنبه فطرت و طبیعت، مقتضی این است که برای رسیدن به هدف تربیت راهکارها و شیوه‌های متناسبی با این ویژگی انسان بیابیم. آیت‌الله حائری شیرازی با بیانی زیبا و مباحثی عمیق از انسان‌شناسی متکی به منبع وحی، برای شکوفایی فطرت و مهار طبیعت در چند محور اساسی به ارائه اصول و روش‌های تربیتی همراه با ارائه راهکارهای عملی می‌پردازد. هدف این پژوهش، یافتن محورهای اساسی در ارائه اصول و روش‌های تربیتی برای تحقق این هدف از میان بیانات و تمثیلات متعدد و متنوع این اندیشمند است.

پیشینه پژوهش

تلاش‌های علمی آیت‌الله حائری شیرازی بیشتر در قالب سخنرانی‌هایی که با مریبان و متولیان امر تربیت داشته‌اند، بروز یافته است. با تلاش برخی فضلالی این عرصه، از مجموع سخنرانی‌های متعدد ایشان در عرصه تربیت، کتاب راه رشد در چهار جلد مری و تربیت، تربیت دینی کودک، تعلق و تفکر به چاپ رسیده است. نشر این آثار توجه دانش‌پژوهان این حوزه را به خود معطوف کرد. علی فاطمی‌پور در رساله خود با عنوان «مبانی انسان‌شناختی و اهداف تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی» به دوگانه فطرت و طبیعت می‌پردازد و پس از آن به اهداف تربیت از دیدگاه ایشان پرداخته است و «بندگی و عبودیت خداوند» را هدف غایی و اهدافی مانند «خودکفایی در حاکمیت انسانیت بر نفسانیت» و «شکوفایی انسانیت» را از اهداف میانی از منظر این اندیشمند می‌داند.

طه اسفندیاری و حامد تهوری در مقاله «نوآوری‌های اندیشه تربیتی آیت‌الله حائری شیرازی»، هدف اصلی تربیت از دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی را حاکمیت انسانیت بر نفسانیت می‌دانند و ذیل آن اهدافی چون «رشد عقل»، «استقلال و خودکفایی» و ... را مطرح می‌کنند؛ در ادامه نیز برخی از اصول و روش‌های تربیتی نوآورانه این اندیشمند برای تقویت عقل و فطرت را بیان می‌کنند.

در پژوهش حاضر، برنامه جامع تربیتی آیت‌الله حائری شیرازی برای حصول خودکفایی در

تربیت در قالب شش محور اساسی تنظیم شده است که ذیل هر محور به بیان اصول، روش‌ها و راهکارهایی عملی برای تحقق این هدف پرداخته می‌شود.

مبانی

دستگاه فطرت و طبیعت

عقل، فطرت و قلب در جایگاه پیامبران درون و حجت‌های باطنی و جنبه نورانی انسان هستند که هیچ انحراف و مریضی در آنها نیست؛ زیرا تشخیص اشتباه منافی جایگاه «حجیت» است؛ اما برخورد نامناسب با این سه حجت درونی، آنها را زندانی و منزوی می‌کند.^۱ آیت‌الله حائری شیرازی در برابر این سه پیامبر درون، از نفس انسان با عنوان «طبیعت» یاد می‌کنند؛ دستگاهی بدون قدرت تشخیص خیر از شر و فقط برای اعلام نیازها و خواسته‌های مادی انسان و درحقیقت پوسته‌ای برای اصل انسانیت. ویژگی نفس، خودمحوری در همه خواسته‌هاست.^۲ حاکمیت نفس، انسان را از اهداف عالی خود باز می‌دارد و به امور پست متعلق می‌کند. نفس زمانی در خدمت این اهداف قرار می‌گیرد که خواسته‌های او تحت مدیریت عقل برآورده شود. از نگاه آیت‌الله حائری شیرازی، شاه‌کلید مباحث انسان‌شناسی در توجه به دستگاه فطرت^۳ و طبیعت است.^۴

برخلاف اندیشمندان غربی که انسان را محکوم شرایط محیطی، فرهنگی، طبقاتی و ... می‌دانند، آیت‌الله حائری شیرازی با توجه به آموزه‌های وحیانی، عامل تعیین‌کننده سعادت یا شقاوت آدمی را «مافی‌الانسان» یا حاکم درون او می‌دانند. حاکم درون یکی از دو جنبه نورانی (عقل، قلب و فطرت) و ظلمانی (طبیعت یا نفس حیوانی) است که بر دیگری غالب شده باشد.^۵ بنابراین شرط سعادت انسان در هرگونه شرایط محیطی، برخورد عقلانی با شرایط است.^۶

مربی درون عامل خودکفایی و مسئول تربیت انسان

آیت‌الله حائری شیرازی هدف تربیت را شکوفایی انسانیت می‌دانند؛ بنابراین مهم‌ترین وظیفه

۱. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۶۷-۶۸؛ همو، تربیت دینی کودک، ص ۳۹.

۲. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۴۳ و ۷۰.

۳. مراد ایشان از فطرت، جنبه نورانی و اعلا‌ی انسان اعم از عقل، فطرت و قلب است.

۴. همان، ص ۵۵ و ۶۶.

۵. همان، ص ۱۰۷.

۶. همان، ص ۱۰۶-۱۰۷.

مربی نیز تنظیم شرایط و برداشتن موانع برای شکوفایی این استعداد بالقوه درون انسان است.^۱ از این قوه در روایات با تعبیر «واعظ من نفسه»، یا «حجة باطنه» یاد شده است.^۲ «مربی باید کاری کند که انسانیت این متربی بر نفسانیت و حیوانیت او به طور "خودکفا" غالب شود؛ به قسمی که مربی به تدریج از صحنه زندگی آن متربی دور بشود و بدون دخالت این مربی، آن فرد متربی غلبه و تسلط خودش را بر هواها و غرائز خودش حفظ کند».^۳ به عبارت دیگر هدف در تربیت، بیداری واعظ درونی متربی و سپردن تربیت به اوست.^۴

راهکارهای تحقق خودکفایی

آیت‌الله حائری شیرازی اصول و روش‌های متعددی برای حصول خودکفایی در تربیت ذکر می‌کنند که این موارد در این پژوهش ذیل شش محور کلی تنظیم شده است. تحقق خودکفایی افزون بر بیداری واعظ درون، نیاز به رفع مانع تعلقات پست و همچنین بینش صحیح برای یاری عقل در انتخاب و گزینش خیر نیاز دارد.

محور اول، ایجاد بستری مناسب برای بیداری و شکوفایی عقل و فطرت است که از ابتدای ولادت فرزند باید فراهم شود؛ این مهم تا قبل از بلوغ بیشترین تأثیر را در ساخت شخصیت فرزند و فعال کردن استعدادهای متعالی او خواهد داشت؛ اگرچه پس از آن نیز همچنان باید حفظ شود. محور دوم، پرورش اوصاف فطری در بستری است که در محور اول حاصل شده است. محورهای سوم، چهارم و پنجم را نیز از ابتدا به میزانی که توانایی ادراکی فرزند تکامل پیدا می‌کند، باید در تربیت فرزند یا متربی دنبال کرد؛ اما اوج این رشد فکری در سال‌های نزدیک به بلوغ و پس از آن است. محور ششم با عنوان «تربیت فطرت بر فطرت» اگرچه از قواعد مهم تربیت در تمام مراحل است، به دلیل تفاوت آن با موارد قبل در پایان مطرح شده است.

۱. ایجاد فضای رشد و شکوفایی واعظ درون

حضور هم‌زمان و همیشگی دو جنبه فطرت و طبیعت، اقتضا می‌کند که بستر رشد و حرکت این دورا بهتر بشناسیم؛ زیرا آنچه به هرکدام از طبیعت یا فطرت میدان دهد، دیگری را منزوی خواهد

۱. همان، ص ۳۷ و ۴۳.

۲. همان، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

۳. محی‌الدین حائری شیرازی، مربی و تربیت، ص ۲۶۶ - ۲۶۷.

۴. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۳۰.

کرد. در این بخش به پنج اصل و روش برای ایجاد فضای رشد فطرت اشاره می‌شود.

۱-۱. تکریم و محبت

تربیت مثل درخت‌کاری است؛ پدر و مادر یا مربیان نقش باغبانی را دارند که باید به موقع آب و نور و کود درخت را تأمین کند، اما گل کردن با خود درخت است؛ عقل و فطرت فرزند نیز مانند گل است. احترام و محبت کردن بستر رشد فطرت و همان آب و نوری هستند که باید برای شکوفایی انسانیت تأمین کرد.^۱

تذکر این نکته ضروری است که اگر فطرت کاملاً منزوی و طبیعت او حاکم باشد یا به تحقیر شدن عادت کرده باشد، متربی ظرفیت دریافت محبت و تکریم را ندارد و با دیدن نرمی و محبت، گستاخ و سرکش می‌شود. در این صورت برای شروع کار باید به طریقی (اکراه مقطعی) نفس او کنترل گردد و ابتدا ظرفیت تکریم و محبت در او ایجاد شود.^۲

۱-۲. اعتماد

اعتماد کردن یکی از روش‌های ضروری برای رشد واعظ درون است. تا زمانی که فرزند یا متربی دیگری را مراقب و مواظب خود بداند، افزون بر اینکه به او القای بی‌اعتمادی می‌شود، فطرت و ناظر درونی او نیز غیرفعال می‌شود؛ به همین دلیل هرچه قفل و بند اموال در خانه بیشتر باشد، فرزندان بیشتر به دست‌درازی سوق داده می‌شوند.^۳

۱-۳. کاهش کنترل خارجی

استقلال‌طلبی و کراهت از مداخله بیرونی از ویژگی‌های فطری انسان است. سمت‌وسوی تربیت از همان کودکی باید به گونه‌ای باشد که شخص در فهم و عمل به دانسته‌های خویش وابسته به مربی یا والدین و... نباشد.^۴ البته تا زمانی که عقل فرزند بالغ نشده است، باید این کمبود با مقداری حاکمیت و انضباط در خانه جبران شود؛ آن‌گاه به تدریج با آگاهی دادن باید عقل را جانشین ترس از والدین کرد و احساس مسئولیت در فرد زنده شود.^۵

۱. همان، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۰ و ۱۶۳.

۳. همان، ص ۲۰۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۲۷ و ۱۳۰.

۵. همان، ج ۴، ص ۲۱۵.

در احکام و فروع دین نیز اکراه مقطعی در مراحل اولیه برای شکستن سهل‌انگاری‌ها در نماز و برخی دستورات دینی می‌تواند مفید باشد؛^۱ اما با پیدایش توانایی کنترل بر خویش، باید به تدریج از مداخله‌ها کاسته شود تا تربی فقط برای رضای خداوند تکلیف خود را انجام دهد.^۲ بنابراین دخالت خارجی حتی تشویق و تنبیه، در حکم دارو است و نباید به رویه ثابت تبدیل شود؛ زیرا افزون بر القای بی‌اعتمادی، با عادت به دخالت بیرونی، کنترل درونی را از بین می‌برد.^۳ در موارد لزوم، نظارت باید از دور و بدون اطلاع فرزند باشد.^۴ تربیت مانند آموزش دوچرخه‌سواری است؛ در ابتدا که فرزند تعادل ندارد، او را با دست نگه می‌دارند و به محض پیدایش توانایی کنترل، دست را برمی‌دارند.^۵

با توجه به این مطلب می‌توان گفت دو نوع تربیت وجود دارد: تربیت منفی و تربیت مثبت. در تربیت منفی، مداخله رو به افزایش و در تربیت مثبت، رو به کاهش است. تربیت منفی و سیر غلط این است که حرف را ابتدا با کنایه، سپس با صراحت، بعد با نیش‌زدن، آن‌گاه با ناسزا می‌گویند و اگر اثر نکرد، در نهایت کتک می‌زنند؛ اما در تربیت صحیح بار اول اگر تذکری زبانی مطرح شده باشد، باید سیر تربیت و شیوه بیان به گونه‌ای باشد که در دفعات بعد با اشاره و یادآوری رفتار اصلاح شود؛ در مراحل بعد مربی با کم‌وزیادکردن محبت خویش، رفتار تربی را اصلاح کند؛ در نهایت نیز باید دخالت دیگران حذف شود؛ زیرا خداوند در وجود هر انسانی پیامبری گماشته است که او باید عهده‌دار تربیت و کنترل او شود.^۶

حضور و غیاب و نظارت ممتحن بالای سر دانش‌آموزان اگر در سال‌های ابتدایی مقطعی باشد تا ضرورت تحصیل و رعایت انضباط را برای موفقیت خویش درک کند، نوعی ظرفیت‌سازی و مفید است؛ اما پس از آن مضر به واعظ درونی است. بعد از ایجاد ظرفیت، باید تربی را از امتحان‌های متداول و حضور و غیاب معاف کنند و نظارت بر امور او نامحسوس انجام گیرد؛ البته می‌توان هر از گاهی بدون اطلاع قبلی از او امتحان گرفت. در این مرحله باید خود مراقبت از خویش را بر عهده بگیرد؛ به گونه‌ای که حتی اگر در بخشی از کلاس با

۱. همان، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. همان، ص ۱۷۵ - ۱۸۰.

۳. همان، ص ۲۱۱ - ۲۱۳.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۰۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۷۸.

۶. همان، ص ۱۷۸ - ۱۷۹.

حواس پرتی مواجهه شد، در دفتر حضور و غیاب خود ثبت کند؛ اگر نمره عالی به او بدهند، اما خود بداند که این درس را حفظ کرده و فهم نکرده است، برای خود نمره واقعی را ثبت کند.^۱

۴-۱. آزادی و فضای «لا اکراهی»

اکراه، کنترل و انضباط شدید یا نمره و سخت‌گیری در تربیت متخصصان فنون کارایی دارد؛ اما کلاس دینی و تربیت شخص متدین نیاز به فضای «لا اکراهی» دارد تا تحمیل‌ها کنار زده شود و او آزادانه با توجه به آگاهی خویش انتخاب کند.^۲ فطرت همانند عقربه قطب‌نماست که جهت‌گیری توحیدی و عملکرد صحیح آن تنها در شرایطی است که هیچ عامل خارجی در جهت‌گیری آن دخالت نداشته باشد.^۳

استقلال‌طلبی فرزندان به گونه‌ای است که حتی اگر احساس کنند کسی قصد دخالت یا القای مطلبی برای اصلاح آنان دارد، از او فاصله می‌گیرند. مطالب و تذکرات بهتر است غیرمستقیم منتقل شود؛ برای مثال فیلم یا کتابی تهیه کرد و آن را در معرض دید آنها قرار داد تا خود آن مطلب را دنبال کنند؛ متری باید احساس کند که خودش حرکت می‌کند نه اینکه او را راه می‌برند.^۴ اکراه مصادیق متعددی دارد؛ ترس و وحشت ناشی از جو خفقان و امنیتی یا فضای تحقیر و حتی رودربایستی هرکدام نوعی اکراه محسوب می‌شوند.^۵

۵-۱. فرصت عمل

میزان عمل به فهم، زاویه برخورد فرزند با مسائل را نشان می‌دهد؛ حتی در خردسالی که مقدار کمی از فهم و قدرت به انسان داده شده است، عمل به همین میزان از فهم دارای اهمیت است.^۶ بنابراین یکی از ملاحظات مهم در تربیت، کاهش فاصله بین عمل و علم است. هرچه انسان به مقتضای عقل خود عمل کند، قلب او پاک‌تر می‌شود و واعظ درون او درک عمیق‌تر، سریع‌تر و همراه با جزئیات بیشتری از مسائل خواهد داشت.

۱. همان، ص ۲۱۱ - ۲۱۳.

۲. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. همان، ص ۴۴.

۴. همان، ص ۲۲۱ - ۲۲۲.

۵. همان، ص ۲۲۵؛ ج ۴، ص ۲۱۰ - ۲۱۱.

۶. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۸۹.

همان طور که بی‌آبی درخت را می‌خشکاند، آب زیاد و بی‌موقع هم سبب خفگی و فساد ریشه‌های درخت می‌شود؛ نصیحت و تذکر نیز مانند آبیاری عقل است. بعد از نصیحت باید فرصت عمل به دانسته‌ها فراهم شود تا علم و عمل به هم نزدیک شوند و اسباب رشد ایمان و دیانت فرزند فراهم شود. نصیحت و تذکر جدید تنها زمانی مفید است که موعظه قبلی هضم شده و تشنگی حاصل شده باشد. همچنین تذکر باید به امری باشد که عمل به آن آسان و در وسع مخاطب باشد. تذکرات پی‌درپی و فراتر از توان، بین علم و عمل فاصله ایجاد می‌کند و سبب صدمه به قلب و تحلیل رفتن ایمان می‌شود.^۱

۲. پرورش اوصاف فطری (صداقت، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری)

در بستری که برای رشد و شکوفایی انسانیت فراهم شده است، می‌بایست اوصاف فطری فرزند را آبیاری نمود و از رشد صفات و عادات نامطلوب جلوگیری کرد. همان‌گونه که انبیا با تربیت صالحان در جامعه به مبارزه با مفسدان پرداخته‌اند، در تربیت نیز برای مبارزه با بدی‌های متربی باید خوبی‌های او را از دوران کودکی فعال کرد تا میل به امور فطری بر میل به امور غریزی غالب گردد و زمینه حاکمیت عقل و فطرت فراهم شود.^۲ در ادامه به سه صفت فطری به دلیل اهمیت بالای آنها پرداخته می‌شود.

«صداقت» و «امانت‌داری» دو مصداق بزرگ عقلانیت هستند. برای تقویت عقل و کمک به حاکمیت آن بر نفس، این دو صفت باید در هفت سال اول نهادینه شود.^۳ «احساس مسئولیت» نیز نیروی محرک انسان برای کنترل و نظارت بر خویش و اداره جامعه است.^۴ اساساً آموزش دین را نیز باید از فعال کردن احساس مسئولیت شروع کرد.^۵ در جای‌جای بیانات آیت‌الله حائری شیرازی، تمرین‌هایی برای رشد این اوصاف مشاهده می‌شود که در ادامه برای نمونه به مواردی اشاره شده است:

الف) امانت‌دادن به فرزند یا درخواست انتقال مال به دیگری، انگیزه درونی برای ادای امانت ایجاد می‌کند؛^۶

۱. همان، ج ۳، ص ۵۸-۵۹ و ۶۸-۶۹.

۲. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۹۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۹۴؛ ج ۴، ص ۸۳-۸۴.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۹۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۱۹؛ ج ۴، ص ۶۶.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۹۴.

ب) مطالبه شرح واقعه‌ای که رخ داده یا درخواست انتقال مطلبی به شخصی دیگر، تمرینی برای راست‌گویی و امانت‌داری در نقل کلام است؛^۱

ج) مشارکت‌دادن متریان و سپردن مسئولیت و مالکیت برخی امور (مانند نظافت مدرسه یا ...) به آنان همراه با آزادی عمل و اعتماد، تمرینی برای مسئولیت‌پذیری خواهد بود؛^۲

د) «در یک مدرسه‌ای پول گم می‌شد...؛ گفتم یک سینی بگذارید و مقداری پول داخلش بگذارید. یک دفتر هم کنارش بگذارید، بنویسید: هر کس هر اندازه احتیاج دارد، بردارد و در این دفتر بنویسد و بعد که احتیاجش رفع شد، پول را برگرداند و باز در این دفتر بنویسد. ماه اول پول کم می‌آمد؛ چون بیشتر برمی‌داشتند و کمتر جای آن می‌گذاشتند؛ اما ماه‌های بعد اصلاح شد و هیچ کم نمی‌آمد».^۳

هر اندازه که در او خودکفایی حاصل شود، مربی باید عقب برود. البته مسئولیت و مالکیت‌دادن بر امور، نوعی بارگذاشتن بر دوش فرزند است؛ اگر بیش از مقداری که فطرت فرزند بیدار شده است، به او مسئولیت یا آزادی بدهیم، می‌شکند.^۴ امام صادق علیه السلام برای رشد ایمانی افراد به رعایت ظرفیت آنها توجه می‌دهند و می‌فرمایند: «وَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرَهُ».^۵

۳. رفع تعلقات دنیوی

آرزو و تعلق قلبی تأمین‌کننده نیروی حرکت، تعیین‌کننده جهت حرکت انسان، نخ تسیح تمام نیت‌های انسان و درنهایت محور تحولات انسان است^۶ و انقلاب فرهنگی و اصلاح زیربنایی با دگرگون‌شدن تعلقات انسان محقق می‌شود.^۷ با توجه به این مطلب همان‌گونه که تعلق قلبی به توحید و سرای آخرت نیروی حرکت انسان به سمت سعادت است، تعلقات پست دنیوی نیز مانعی برای شکوفایی و عملکرد صحیح واعظ درونی و حصول خودکفایی است: «در مقابل این

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۰۷؛ ج ۳، ص ۲۰۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۲۰۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۲۳ - ۲۲۵.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵.

۶. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۱۷۳.

۷. همان، ص ۹۰ - ۹۱.

واعظ، چسبندگی و دل‌بستگی‌هایی است که موجب رکود می‌شود و موجب این می‌شود که این واعظ درونی نتواند کار خودش را درست انجام دهد. مسئله تربیت، تحلیل‌بردن این موانع و آزادکردن آن واعظ است»^۱. برای جهت‌دهی توحیدی به آرزوها و دل‌بستن به آخرت باید در تربیت به ملاحظات مهمی توجه کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف) بیان حقیقت دنیا، موقت و معبر بودن آن و اصالت آخرت از طفولیت با نقل داستان و ...؛

ب) آموزش اصلاح نیت: جهت‌دهی نیت فرزند از انجام امور دنیوی به سمت خدا و آخرت^۲ و اجتناب از ایجاد رقابت‌های نفسانی بین دانش‌آموزان و تقویت نفسانیات به بهانه ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر^۳؛

ج) همراه کردن فرزند با سختی‌های طبیعی و دوری از تربیت در ناز و نعمت برای آزادی روح از غرایز^۴؛

د) تحریک نکردن غریزه در برنامه‌های کودک و نوجوان به بهانه جذب مخاطب^۵؛

هـ) ایجاد روحیه کاری از خردسالی با سپردن مسئولیت در خانه و مدرسه که سبب تقویت قلب، عقل و فطرت می‌شود.^۶

۴. اعطای بینش صحیح و رشد مربی درون

در نگاه اولیه، عوامل خارجی مؤثر اصلی در رفتار انسان‌ها عنوان می‌شوند؛ اما ریشه اصلی حرکات خارجی انسان در اندیشه اوست و اصلاح حقیقی رفتار با اصلاح اندیشه حاصل می‌شود.^۷ بر این اساس اصلاح اندیشه به همراه اصلاح آرزو و تعلقات قلبی دو عامل اصلی تحول درونی محسوب می‌شوند. بعد از آزادشدن از دل‌بستگی‌های دنیوی (که در بخش قبل توضیح داده شد)، واعظ درون نیاز به بینشی عمیق‌تر برای راهبری انسان دارد. عقل همانند شجره

۱. همان، ص ۱۷۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

۳. سخنرانی در جمع معلمان پرورشی کهگیلویه و بویراحمد (به نقل از پایان‌نامه علی فاطمی پور؛ «مبانی انسان‌شناختی و اهداف تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی»؛ ص ۱۲۵).

۴. محیی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۲۴۵.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۶. همان، ص ۱۱۸ - ۱۲۱.

۷. محی‌الدین حائری شیرازی، تفکر، ص ۷۹ - ۷۱.

طیبه‌ای است که خداوند دانه آن را در وجود انسان قرار داده است و باید با رسیدگی و آبیاری مناسب، از زیر غبارهای تعلقات دنیایی سربرآورد. انبیای الهی مأموریت دارند از طریق معارف و حیانی، عقل بشر را آبیاری کنند. والدین و مربیان نیز می‌توانند در نقش واعظ بیرونی این معارف را در قالب‌های مختلفی (قصه‌های انبیا، احادیث معصومان و پند و اشعار حکیمانه و...) به فرزندان و متریان خود انتقال دهند. معارف دینی ابزار لازم برای کنترل نفس و انتخاب صحیح را برای انسان فراهم می‌آورند.^۱

اگرچه معارف دینی مانند سلاح انسان در مقابل انحراف‌ها و لغزش‌هاست، اما صرف انتقال معلومات کافی نیست.^۲ آموزش دین باید همراه با بیدار کردن قوه تعهد باشد؛ یعنی همگام با آموزش، التزام به آن نیز تقویت شود.^۳

در آموزش صحیح از نظر محتوا و کیفیت، باید ملاحظات و موارد زیر رعایت شده باشد: الف) آشنایی با خداوند و حسن ظن به او، اعتقاد به رزاقیت او، ایجاد نگاه توحیدی و بیان نقش خداوند در هستی و اتفاقات زندگی و نیز آموزش مصادیق شرک برای جلوگیری از انحراف از مسیر توحید؛^۴

ب) بیان ناپایداری و واقعیت دنیا برای آزادشدن دل از تعلقات پست؛^۵

ج) تقویت اعتقاد به آخرت (بهشت و جهنم)؛^۶

د) توجه دادن به مسائل بنیادین زندگی برای بیداری احساس نیاز به امور معنوی؛ احساس نیاز شرط اصلی هر حرکت است؛^۷

ه) آشنایی با حلال و حرام؛^۸

و) آموزش خودشناسی: یکی از راه‌های آموزش خودشناسی با استفاده از آیات قرآن این است که قوای درون انسان را به شخصیت‌های قرآنی تنظیم کرد؛ برای مثال فطرت به موسی

۱. محی‌الدین حائری شیرازی، راه‌رشد، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۴.

۲. محی‌الدین حائری شیرازی، تربیت دینی کودک، ص ۸۱.

۳. همان، ص ۱۳۲-۱۳۳.

۴. محی‌الدین حائری شیرازی، راه‌رشد، ج ۴، ص ۳۳-۴۷؛ همو، تربیت دینی کودک، ص ۱۹۵.

۵. محی‌الدین حائری شیرازی، تربیت دینی کودک، ص ۸۳.

۶. محی‌الدین حائری شیرازی، راه‌رشد، ج ۲، ص ۱۹۷.

۷. محی‌الدین حائری شیرازی، انسان الهی، ص ۱۱۵-۱۱۸.

۸. محی‌الدین حائری شیرازی، راه‌رشد، ج ۴، ص ۲۴.

درون؛ یا طبیعت به فرعون درون تطهیر می‌شود؛^۱
(ز) تقویت عزم و اراده برای مقابله با طاغوت و خواسته‌های نفس در قصه‌ها؛^۲
(ح) فقط ملاک به فرزند یا مربی آموزش داده شود، اما نتیجه‌گیری در اختیار خود اوست.^۳

۵. پرورش قدرت تفکر

حصول خودکفایی در عرصه اندیشه، افزون بر داشتن بینش صحیح، نیازمند پرورش قوه تفکر است تا بتواند در شناخت هستی و مواجهه با شبهه‌ها و انحراف‌ها اندیشه‌ورزی مستقل کند و راه صحیح را بیابد. این استعداد به صورت بالقوه درون هر انسانی وجود دارد که باید با روش‌های مناسب آن را پرورش داد. در ادامه به راهکارهایی در این باره اشاره شده است.

۵-۱. پرسش

مطرح کردن پرسش‌های فطری یا بازگرداندن پرسش فرزند به خود او و کمک برای رسیدن به پاسخ، قوه تفکر او را فعال می‌کند. مزیت این روش آن است که مربی، نتیجه را از آن خود می‌داند. تفکر در مسائل بنیادین چشمه‌ای از درون به بی‌نهایت باز می‌کند و ایمان از درون شروع به جوشیدن می‌کند.^۴

۵-۲. مشورت

برای بیداری واعظ درون باید از بیرون فضای خلأ ایجاد کرد تا انرژی متراکم درون مربی آزاد گردد و موتور فکر روشن شود. مربی باید نظر شاگردان را در رابطه با عملکرد خویش یا یافتن راه‌حل برای مشکلات و ناهنجاری‌های کلاس و مدرسه جویا شود.^۵ مشورت کردن با فرزند یا مربی به‌ویژه در هفت سال سوم که دوره به‌کار انداختن دارایی‌هاست، اهمیت بسیاری دارد و بهترین روش برای شخصیت‌دادن است.^۶

۱. همان، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۲. همان، ص ۸۵-۸۶.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۳۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ج ۴، ص ۵۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۶. همان، ج ۲، ص ۵۱.

۳-۵. تربیت تهاجمی در مقابل قرنطینه‌ای

ایجاد شرایط استریل و قرنطینه‌کردن متریان در مقابل هرگونه آلودگی و شبهات، سبب ایجاد حالت تدافعی و ترس از شرایط نامساعد و شکنندگی در مقابل انحراف‌ها و شهوات می‌شود.^۱ اما در مقابل روش آیت‌الله حائری شیرازی در تربیت شاگردان به گونه‌ای بود که بدون نیاز به استریل کردن محیط و صرف وقت فراوان، بلکه با آموزش روش پاسخ‌گویی به شبهات از یک‌سو، و اعتماد به متریان در مواجهه با محیط فاسد و شبهات از سوی دیگر، در آنها حالت تهاجمی در مقابل شبهات و مفساد و مصونیت درونی ایجاد می‌کردند.^۲

۴-۵. اجتناب از مریدپروری

یکی از سبک‌های آسیب‌آفرین در تربیت، ایجاد وابستگی و مریدکردن مرتبی است. در این روش با نشان دادن عجز مرتبی در فهم و ادراک و نتیجه‌گیری به جای او، اعتماد او را به تشخیص خویش از بین می‌برند. اولین آسیب، سلب قدرت تفکر از مرتبی و وابسته‌شدن به فهم و سلیقه مرتبی است. آسیب دوم، تعطیلی قدرت نقد و نظارت در برابر مرتبی است. سومین آسیب، فروریختن عقاید شخص با شکستن اعتماد به مرتبی است.^۳

۶. تربیت فطرت بر فطرت

تربیت فطرت بر فطرت بهترین سبک تربیت است که در آن مرتبی از طریق فطرت خویش با فطرت مرتبی تعامل می‌کند. این تعامل بر پایه محبت انجام می‌پذیرد.^۴ یکی از نکات اساسی در تربیت، حاکمیت عقل و فطرت و کنترل بر نفس در وجود مرتبی است. اگر غریزه و طبیعت درون والدین یا مرتبی حاکم باشد، نمی‌توان انتظار بیداری فطرت در فرزند یا شاگرد را داشت؛ در این حال «خودیت» فرزند در مقابل «خودیت» پدر قیام می‌کند و به شکل گستاخی، سرکشی و تظاهر بروز پیدا می‌کند. تنها زمانی که گوینده فطرت باشد، شنونده هم فطرت است. فطرت همانند طبیعت تحریک‌پذیر است؛ دیدن رفتارهای فطری از طرف والدین یا مربیان، جنبه نورانی انسان را بیدار می‌کند.^۵

۱. همان، ج ۴، ص ۲۵۵ - ۲۵۷.

۲. همان.

۳. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۲۳۱ - ۲۳۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۰۲.

۵. همان، ص ۸۳.

ممکن است گاهی در امر تربیت، خشم و حتی تنبیه نیز لازم شود؛ والدین در این هنگام باید به درون خود نظر کنند که گوینده و حاکم در آن حال فطرت است یا طبیعت؛ گاهی تشر یا تنبیه برای تشفی غیظ درون خود است. این «غضب نفسانی» بر طفل اثر سوء دارد. «غضب لله» آن است که پدر از بدی عاقبت عمل فرزند و از خوف خداوند، واقعاً نگران شود؛ حتی گاهی این نگرانی در چهره او نمایان شود، اما به دلیل اینکه فرزند توان تحمل این سوزش را ندارد، مقدار اندکی از آن را به نیت اصلاح او بروز دهد. بروز این نگرانی در چهره پدر و غضب خدایی او در فرزند، حفاظت و اعتصام درونی ایجاد می‌کند.^۱

محبت و نوازش نیز اگر فقط ناشی از تحریک عاطفه غریزی والدین با دیدن فرزند باشد، محبتی حیوانی است و سبب پیدایش حالت غرور و ذوقزدگی و سرکشی در فرزند می‌شود؛ اما نوازش از روی حساب و کتاب و از جنبه نورانیت، شخصیت و نور به طفل می‌دهد. والدین باید بدانند که فرزندان بازیچه و وسیله‌ای برای تشفی غیظ یا تسکین عاطفه آنان نیستند.^۲

نتیجه

جنبه نورانی انسان که اساس انسانیت اوست، به مثابه واعظ و حجتی از درون و همیشه همراه، وظیفه اصلی تربیت انسان را بر عهده دارد. این استعداد به طور بالقوه درون هر انسانی موجود است. وظیفه اصلی والدین و مربیان در راستای کمک به حاکمیت انسانیت بر نفسانیت و خودکفایی متربی در امر تربیت، فراهم آوردن شرایط برای شکوفایی واعظ درون و سپردن تربیت به آن است. نتیجه این پژوهش، یافتن شش محور کلی در بیانات آیت‌الله حائری شیرازی همراه با اصول و روش‌هایی در ذیل آنها برای تحقق خودکفایی است. برای بیداری مربی درون باید از طفولیت شرایط رشد آن فراهم شود؛ تکریم، محبت، اعتماد، کاهش کنترل خارجی، آزادی و فرصت دادن برای عمل، زمینه مناسبی برای رشد فطرت فراهم می‌آورد؛ آن‌گاه در این زمینه مناسب باید به رشد صفات فطری به عنوان سربازان عقل و فطرت برای تحقق حاکمیت آن پرداخت. بزرگ‌ترین مانع برای عملکرد صحیح واعظ درون، تعلقات پست دنیوی است؛ رفع این تعلقات بند را از پای آن باز می‌کند. پس از بیداری عقل و فطرت و برداشتن موانع، این واعظ تشنه و خواهان دریافت آموزه‌های وحیانی می‌شود تا در کنترل نفس و یافتن مسیر صحیح برای

۱. همان، ج ۳، ص ۳۲-۳۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۱.

حرکت رو به کمال آموخته‌تر شود. همچنین برای ایجاد استقلال فکری می‌بایست قوه تفکر در مرتبه‌ی پرورش یابد. نتیجه‌ی این بیداری همراه با اصلاح تعلق و بینش، تحقق خودکفایی در تربیت است که حاکمیت انسانیت بر نفسانیت را به ثمر می‌نشانند. برای رشد فطرت و کنترل طبیعت مرتبه‌ی، لازم است مرتبه‌ی در تمام مراحل تربیت، نفس خود را مهار و فطرت خود را حاکم گردانند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲. اسفندیاری، طه و حامد تهوری، «نوآوری‌های اندیشه تربیتی آیت‌الله حائری شیرازی»، نشریه تربیت اسلامی، دوره ۲۰، ش ۵۴، ۱۴۰۴ ش.
۳. حائری شیرازی، محی‌الدین، انسان الهی، تهران: لوح محفوظ، ۱۳۷۸ ش.
۴. حائری شیرازی، محی‌الدین، تربیت دینی کودک، قم: دفتر نشر معارف، ۱۴۰۰ ش.
۵. حائری شیرازی، محی‌الدین، تفکر، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۷ ش.
۶. حائری شیرازی، محی‌الدین، راه رشد، ۴ ج، قم: دفتر نشر معارف، ۱۴۰۲ ش.
۷. حائری شیرازی، محی‌الدین، مربی و تربیت، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸ ش.
۸. فاطمی‌پور، علی، «مبانی انسان‌شناختی و اهداف تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی»، رساله کارشناسی ارشد، قم: موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، ۱۳۷۸ ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکاف، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.

تحلیل تربیتی حضور نوجوانان در اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴ ایران

با تأکید بر ظرفیت‌های تربیتی ماه محرم

حسن غلامحسینی*

مرتضی حسن زاده**

اشاره

حضور نوجوانان در اغتشاشات اخیر ایران، پدیده‌ای چندبعدی است که ریشه در عوامل تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی دارد. این نوشتار با هدف تحلیل تربیتی این پدیده و ارائه راهکارهای کاربردی برای مبلغان و مربیان دانش‌آموزی تدوین شده است. روش پژوهش، تحلیل کیفی از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، گزارش‌های تحلیلی و یافته‌های میدانی (شامل مصاحبه با ۶۰۰ نوجوان در سال ۱۴۰۱ و ۱۸ نوجوان درگیر در اغتشاشات در سال ۱۴۰۴) می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نوجوان امروز دچار ضعف بنیان‌های هویتی، ناسازگاری‌های رشدی دوران بلوغ و وابستگی شدید به فضای مجازی است. حدود ۹۵ درصد این نوجوانان شناخت سطحی از مبانی دینی داشته و ۹۰ درصد تحت تأثیر سلبریتی‌ها قرار گرفته‌اند. از میان عوامل درونی، محدودنگری معرفتی، فقدان مرکز کنترل درونی، احساس نادیدگی و بحران هویت بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. در مقابل، عوامل بیرونی شامل کارکردهای ناکارآمد خانواده، نظام آموزشی بیگانه با زبان نسل جدید، جنگ شناختی فضای مجازی، کاهش سرمایه اجتماعی و فشارهای اقتصادی هستند. این مقاله با مؤلفه‌های تحلیل تربیتی در صدد است تصویری جامع از وضعیت تربیتی نسل نوجوان اغتشاشگر ارائه دهد. در ادامه سعی شده است راهکارهای پیشنهادی در محورهای حاکمیت، نظام

* دانش‌پژوه مؤسسه فقهی تربیتی مصباح‌الهدی، دانش‌پژوه کارشناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام

رشته معارف و روانشناسی و سطح ۲ حوزه علمیه قم.

** فارغ‌التحصیل مؤسسه فقهی تربیتی مصباح‌الهدی، دانش‌پژوه مؤسسه اخلاق و تربیت رشته تربیت اخلاقی و

سطح ۳ حوزه علمیه قم.

آموزشی، خانواده، رسانه‌ها و مواجهه با نوجوانان معترض بیان شود. همچنین با توجه به ایام محرم، ظرفیت‌های این ماه برای بازتعریف هویت و جذب نوجوانان تبیین گردیده است.

مقدمه

اغتشاشات اخیر در ایران که با حضور نوجوانان و جوانان همراه بود، یک هشدار جدی برای نظام تربیتی کشور محسوب می‌شود. این پدیده، صرفاً یک واکنش هیجانی یا نتیجه تحریکات خارجی نبوده، بلکه ناشی از یک بحران ترکیبی در ابعاد هویتی، معرفتی، خانوادگی، آموزشی و روان‌شناختی است. گزارش‌ها حاکی از حضور افراد زیر ۱۸ سال در این حوادث طی سال‌های اخیر است. این وضعیت، ضرورت بازنگری اساسی در رویکردهای تربیتی و درک عمیق‌تر ریشه‌های این پدیده را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

هدف اصلی این مقاله، تحلیل تربیتی حضور نوجوانان در اغتشاشات اخیر بر اساس مؤلفه‌های تربیتی است. این تحلیل با هدف شناسایی ریشه‌های این بحران و ارائه راهکارهای عملی و تربیتی برای مبلغان و مربیان دانش‌آموزی صورت می‌گیرد. رویکرد پژوهش، گذار از تحلیل‌های سطحی و امنیتی به سمت رویکردها و تحلیل‌های تربیتی است. این تحقیق از روش تحلیل کیفی بهره می‌برد. داده‌های این پژوهش نیز از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، گزارش‌های تحلیلی و مصاحبه‌های کارشناسی جمع‌آوری شده‌اند.

مفهوم شناسی

برای تحلیل تربیتی یک پدیده، ابتدا باید به فهم دقیقی از مفهوم تربیت، تحلیل تربیتی و مؤلفه‌های تحلیل تربیتی دست یافت.

۱. مفهوم تربیت

تربیت، فرایندی است متشکل از تغییرات تدریجی و هدفمند که توسط عامل انسانی (مربی) در موجود زنده (گیاه، حیوان یا انسان) ایجاد می‌شود و می‌تواند تمامی ساحت‌های وجودی او را در جهت شکوفایی و کمال دربر گیرد.^۱

۲. تحلیل تربیتی

تحلیل تربیتی بررسی نظام‌مند یک پدیده‌ی رفتاری یا اجتماعی بر اساس چارچوب تربیت دینی، با

۱. علی‌رضا اعرافی، فقه تربیتی، ص ۱۲۵.

تمرکز بر تعامل پیچیده‌ی عوامل درونی مانند محدودنگری، بحران معنا، اسارت‌ها و مرکز کنترل درونی و عوامل بیرونی خانواده، آموزش و پرورش، فضای مجازی و سلبریتی‌ها به منظور تشخیص قرارگیری فرد در مسیر رشد یا گم‌گشتگی و ارائه‌ی راهکارهای متناسب برای رهایی‌بخشی و رشد را می‌باشد.

۳. مؤلفه‌های تحلیل تربیتی

حضور نوجوانان در رخداد‌های اجتماعی و کنش‌های جمعی، از جمله اغتشاشات، را می‌توان در چارچوبی تحلیلی مبتنی بر عوامل درونی و عوامل بیرونی تبیین کرد. از منظر تربیتی، نوجوانی مرحله‌ای از تحول رشدی است که با شکل‌گیری هویت، افزایش حساسیت عاطفی، تمایل به استقلال‌طلبی و گاه نوعی محدودنگری شناختی همراه است. بحران هویت، نیاز به دیده‌شدن، جست‌وجوی معنا و تعلق، و گرایش به تجربه‌گری می‌تواند زمینه‌ساز انتخاب‌هایی شود که بیش از آنکه بر سنجش پیامدهای بلندمدت استوار باشد، متأثر از هیجان همسالان و ادراکات مقطعی است. بنابراین، تحلیل کنش نوجوان بدون توجه به عوامل درونی او، تحلیلی ناقص خواهد بود؛ چراکه بسیاری از رفتارها در این سن، بازتاب فرایند طبیعی رشد و کشاکش میان وابستگی و استقلال است.

در عین حال، انتخاب‌ها و رفتارهای نوجوانان در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه در بستر عوامل بیرونی معنا می‌یابد. خانواده به‌عنوان نخستین نهاد تربیتی، با شیوه‌های فرزندپروری، الگوهای ارتباطی و میزان گفت‌وگوی انتقادی، نقشی بنیادین در جهت‌دهی نگرش‌ها و شیوه‌های مواجهه نوجوان با مسائل اجتماعی دارد. نظام آموزش و پرورش نیز با فراهم‌آوردن یا فقدان فرصت‌های گفت‌وگوی سازنده، آموزش سواد رسانه‌ای و مهارت‌های تفکر انتقادی، می‌تواند در تقویت یا تضعیف قدرت تحلیل نوجوان مؤثر باشد. افزون بر این، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، به‌مثابه محیطی اثرگذار در شکل‌دهی ادراکات، هیجان‌ات و هویت جمعی، نقش مهمی در جهت‌دهی به کنش‌های نوجوانان ایفا می‌کند. از این رو، تحلیل تربیتی حضور نوجوانان در اغتشاشات مستلزم رویکردی چندبعدی است که تعامل پیچیده عوامل درونی و بیرونی را به‌صورت توأمان مدنظر قرار دهد.

تحلیل تربیتی حضور نوجوانان در اغتشاشات اخیر

بر اساس عوامل درونی و بیرونی با استناد به یافته‌های میدانی و پژوهشی (به ویژه پژوهش‌های دکتر رضا مهکام در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴) به تحلیل این پدیده می‌پردازیم. آمارها نشان

می دهد که سهم نوجوانان در اعتراضات به تدریج پررنگ تر شده است؛ بنا بر برخی برآوردها، حدود ۱۸ درصد بازداشت شدگان دی ماه، دانش آموز یا در سن دانش آموزی بوده اند که این عدد نشان دهنده یک مسئله جدی در حوزه سیاست گذاری اجتماعی و تربیتی است.^۱

مؤلفه اول: عوامل درونی

بر اساس چارچوب نظری، نخستین گام در تحلیل تربیتی، سنجش و تحلیل عوامل درونی است.

۱. محدودنگری و بحران معنا

سطح دانش نوجوانان در موضوعات دینی بسیار پایین گزارش شده است. اکثر قریب به اتفاق این نوجوانان، شناخت بسیار سطحی و ناقصی از مبانی دینی داشتند و شبهات مطرح شده در فضای مجازی به راحتی باورهای آنها را متزلزل کرده بود.^۲

این وضعیت در چارچوب تربیت دینی، مصداق بارز گم گشتگی در برابر رشد و تعالی محسوب می شود که نوجوان درک درستی از هویت و جایگاه خود را در هستی ندارد. از منظر نگاه تاجرانه، این نوجوانان ارزش سرمایه های وجودی خود را نمی شناسند و دچار خسران شده اند.^۳ به عنوان راهکار کوتاه مدت، تبیین مفاهیمی نظیر قدرت انتخاب، هدف مندی، چیستی هدف، مسیر وصول به هدف و مؤلفه های هدف برای نوجوان ضروری است.

به عنوان راهکار زیرساختی و عمیق می توان جلسات خودشناسی طراحی و اجرا کرد. در این جلسات با استفاده از آیات نفس و آفاق به جای سخنرانی، از روش پرسش های زنجیره ای استفاده می شود مانند: به نظرت چرا انسان از همه موجودات پیچیده تر است؟، این همه استعداد برای چه

۱. امیر عباس میرزاخانی، نسلی که شنیده نشد. از <https://vista.ir/n/didarnews/2j9a9> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.

۲. رضا مهکام، ضعف هویت دینی، اختلالات شخصیتی و بازی های رایانه ای خشن، عوامل حضور نوجوانان در اغتشاشات است. از <https://qom.ac.ir/Z6h7> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵؛ رضا مهکام، از خانواده و مباحث تربیتی غفلت کرده ایم. از <https://www.tasnimnews.ir/fa/news/1404/11/11/3505412> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵؛ رضا مهکام، کارگاه تخصصی بر مدار تبیین [چالش ها و راهکارهای ارتباط گیری با نوجوان امروزی]: روایت تجربه مصاحبه با ده ها نوجوان فعال در اغتشاشات، (یادداشت های شخصی نگارنده). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۳. درودی، محمدجواد؛ هادی زاده، محمدتقی؛ وافی، مجتبی (۱۴۰۳). نگاه تاجرانه به زندگی، طرحی معرفتی - تربیتی بر اساس اندیشه علی صفایی حائری. فصلنامه علمی تربیت اسلامی، ۱۹ (۴۸)، صص ۱۴۳-۱۶۶.

هدفی می‌تواند باشد؟، آیا با این ظرفیت، برای همین چند روز دنیا آفریده شده‌ایم؟. این پرسش‌ها زمینه تدبیر را فراهم می‌کند. همچنین می‌توان از شخصیت حضرت علی اکبر الگوگیری شود و به جای توصیف کلی، نوجوانان را در موقعیت انتخاب قرار دهید: اگر تو جای علی اکبر بودی و می‌دانستی با رفتن به کربلا شهید می‌شوی، چه می‌کردی؟. این سؤال، نوجوان را با عظمت انتخاب و ارزش هویت مواجه می‌کند.

۲. ویژگی‌های رشدی

تحلیل‌های روان‌شناختی نشان می‌دهد که نوجوانی دوره‌ای متمایز در رشد مغز انسان است که در آن، سامانه‌های هیجانی زودتر از سامانه‌های مهار و کنترل شناختی به بلوغ می‌رسند. مدل دوسامانه‌ای لارنس اشتاینبرگ تأکید می‌کند که این ناهمزمانی رشدی به معنای ناتوانی نوجوان در تشخیص خطر نیست، بلکه بیانگر آن است که پاداش ادراک شده، حس عدالت‌خواهی و هیجان کنش جمعی، وزن بیشتری در تصمیم‌گیری او پیدا می‌کند.^۱ ۷۰ درصد نوجوانان به دنبال هیجان و تجربه متفاوت هستند و در نبود مسیر سالم، به اغتشاش کشیده می‌شوند.^۲

از جمله راهکارهای این بخش می‌توان به چند مورد اشاره کرد: به جای رویکرد خطایی و موعظه‌گونه، داستان‌هایی روایت شود که در آن یک نوجوان در لحظه‌ای هیجانی و جمعی، تصمیم بزرگی می‌گیرد مانند حضرت علی اکبر در کربلا که با وجود علم به شهادت تصمیم برای رفتن به میدان می‌گیرند. طراحی اردوهای کوتاه مدت با هدف کمک به مناطق محروم می‌تواند تجربه متفاوتی را برای نوجوانان داشته باشد.

۳. فقدان مرکز کنترل درونی

ویژگی‌های شخصیتی مشترک این نوجوانان عبارت است از: هوش هیجانی پایین، مرکز کنترل بیرونی (یعنی تأثیرپذیری شدید از دیگران)، ضعف اعتماد به نفس و نیاز شدید به خودنمایی.^۳ یکی از کارشناسان دینی این پدیده را شخصیت تابع و پیرو می‌نامد. به تعبیر ایشان، بعضی والدین و مربیان در تربیت بچه‌های بی‌شکل قهرمان هستند؛ بچه‌ای که تا وقتی والدین بالای سرش هستند، نماز می‌خواند و حجاب دارد، اما به محض حضور در جمع دوستان، همه چیز را کنار

۱. امیر عباس میرزاخانی، همان.

۲. رضا مهکام، همان.

۳. همان.

می‌گذارد. این نوجوانان فاقد هویت مستقل هستند و رفتار آنان به شدت تابع تغییرات محیطی و گروه‌های مرجع است.^۱

این ویژگی‌های کسی است که در برابر محرک‌های بیرونی تابع است و مرکز کنترل درونی برای او شکل نگرفته است. وجود مرکز کنترل بیرونی به این معناست که فرد خود را فاعل و انتخاب‌گر نمی‌بیند، بلکه خود را تحت‌الحمایه دیگران و پیرو موج‌های اجتماعی می‌یابد.

به عنوان راهکار آسان و سریع می‌توان از نوجوان درباره منشأ تصمیم‌گیری‌هایش سؤال کرد و برای او تبیین کرد که منشأ تصمیم‌گیری انسان اگر از بیرون باشد می‌تواند اموری مثل تقلید از دیگران، تعصب‌ها و عادت‌ها باشد. به عنوان راهکار دیگر بیان داستان افرادی که در واقعه عاشورا تصمیم‌گیری‌هایشان به خاطر زر و زور بود هم می‌تواند مفید باشد.

به عنوان راهکارهای بلند مدت و زیرساختی می‌توان به واگذاری مسئولیت‌های کوچک اما واقعی به نوجوانان اشاره کرد برای مثال، برنامه‌ریزی یک اردوی یک‌روزه، مدیریت یک غرفه در مراسم هیئت، یا نظارت بر بخشی از برنامه‌های هیئت. البته پس از اتمام کار، حتماً باید بازخورد مثبت و سازنده به نوجوان ارائه شود تا باور به خودکارآمدی در او تقویت شود.

۴. احساس نادیدگی

تحقیقات نشان می‌دهد که انگیزه اصلی بخش قابل توجهی از مشارکت نوجوانان در رویدادهای اعتراضی، لزوماً براندازی سیاسی نیست، بلکه تلاشی برای دیده شدن، ابراز فردیت و کسب معنا در جهانی است که آینده و جایگاه اجتماعی در آن مبهم به نظر می‌رسد. این رفتارها را می‌توان نوعی بازتعریف هویت تلقی کرد تا یک اقدام سیاسی هدفمند^۲ بسیاری از این نوجوانان، تجربه‌های زیسته‌شده‌ای از تبعیض، تحقیر، فقر، محدودیت و احساس بی‌عدالتی را پشت سر گذاشته‌اند؛^۳ به طوری که حدود ۶۰ درصد از شرکت‌کنندگان در پژوهشی در سال ۱۴۰۱، احساس می‌کردند با آن‌ها به ناحق رفتار شده یا حقوقشان نادیده گرفته شده است.^۴ این تجربیات، منابع و مواد خامی هستند که نیاز به دیده شدن و بازتعریف هویت را در نوجوانان تقویت می‌کنند.

۱. مهدی الهی‌منش، علل همراهی برخی از نوجوانان با اغتشاشگران. از www.hawzahnews.com/news/1341964 تاریخ مراجعه: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵.

۲. احمد نادری، نسل Z به دنبال سهم خود از آینده کشور. از nahad.ir/ZjYmq تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.

۳. امیر عباس میرزاخانی، همان.

۴. رضا مهکام، همان.

شور عدالت‌خواهی و هویت‌جویی در نهاد نوجوان، ریشه در فطرت توحیدی دارد. این انرژی فطری، اگر در صراط مستقیم هدایت شود، به عبودیت می‌انجامد. اما در غیاب مریبان کارآمد و با تأثیرپذیری از الگوهای انحرافی، این انرژی به جای قرار گرفتن در مسیر رشد، در وادی گم‌گشتگی فرو می‌غلطد و خود را به شکل اعتراضات نمادین و هویت‌جویی‌های کاذب نمایان می‌سازد. به وجود آمدن این مشکل عمدتاً به رفتار نامناسب خانواده‌ها برمی‌گردد. به عنوان راهکار باید گفت که خانواده‌ها باید نوجوان را فردی بزرگ به حساب بیاورند، برای تصمیمات او استقلال قائل باشند، تصمیمات مربوط به خودش مانند پوشاک و خوراک و تفریحاتش به خود نوجوان واگذار کنند و در امور خانه و حتی کارهای دیگر از نوجوان مشورت کنند.

۵. بحران هویت و مشخص نبودن هدف غایی

هویت اجتماعی نوجوان امروز، محصول تعامل پیچیده فرد و جامعه در عصر دیجیتال است. رشد سریع فناوری‌های ارتباطی، ساختار هویتی جوانان ایرانی را از چارچوب‌های سنتی که تشکیل شده از خانواده و مدرسه هست به سمت هویت شبکه‌ای سوق داده است. این هویت، منعطف، چندپاره و عمدتاً متکی بر شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های هم‌سال است، به طوری که نسل جدید در ایران، به جای تعلق به نهادها، در دل شبکه‌ها هویت‌سازی می‌کند.^۱ وقتی هویت فرد عمدتاً در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و متکی بر تأییدهای بیرونی نظیر لایک‌ها، فالوورها و کامنت‌ها است، هدف غایی نوجوان ممکن است به سمت دستاوردهای سطحی و زودگذر در فضای مجازی معطوف شود. به جای جستجوی معنای عمیق‌تر و پایدارتر مانند رشد معنوی و خدمت به خلق، هدف اصلی می‌تواند جلب توجه یا هم‌رنگ شدن با جماعت مجازی باشد. اگر هویت بر اساس تأیید شبکه‌های اجتماعی شکل بگیرد، مسیر رسیدن به موفقیت نیز ممکن است بر اساس معیارهای مجازی که فریبده‌اند تعریف شود. بحران هویت و تغییرات سریع در ارزش‌ها و باورها، به خصوص در جوامعی که در حال تجربه مدرنیزاسیون و گسترش فناوری‌های ارتباطی هستند، می‌تواند به افزایش نارضایتی و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز منجر شود.^۲

۱. احمد نادری، همان.

۲. ابوالفضل زینلی، پایان‌نامه با موضوع عوامل جرم‌شناسی مؤثر بر اغتشاشات خیابانی آبان ماه و راه‌های پیشگیری از آن. قم: دانشگاه قم، دفاع شده در شهریور ۱۴۰۳.

بهترین راهکار برای حل این مشکل، آموزش نگاه تاجرانه به زندگی به نوجوانان است. نوجوانان فطرتاً به دنبال هدف و غایت هستند، اما مسیر را اشتباه انتخاب می‌کنند. آنان سرمایه وجودی خود را با خریداران کاذب معامله می‌کنند و دچار خسران می‌شوند.^۱

همچنین می‌توان از عبارت «إِنَّ الْأَحْسَيْنَ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ»^۲ استفاده کرد و راه امام حسین را به عنوان بازار تجارت با خدا معرفی کنید و از نوجوان خواسته شود روزانه یک کار خوب کوچک مثل دلجویی از دوست، کمک به همکلاسی را بدون هیچ پست و استوری انجام دهد و فقط در دفترچه معامله با خریدار حقیقی ثبت کند و مربی در پایان هفته بدون ذکر نام، به افراد فعال یک هدیه نمادین بدهد تا بازخورد درونی جایگزین لایک شود.

راهکار زیر ساختی: برگزاری کارگاه‌های تعاملی و حلقه‌های گفتگو محور با عنوان سرمایه من، خریدار من که در این کارگاه‌ها، نوجوانان به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند و مواردی مانند سرمایه‌های من چیست؟، خریداران پیشنهادی کدامند؟، کدام معامله به رشد و کدام معامله به خسران می‌انجامد؟ و امام حسین چگونه با خدا معامله کرد و به چه سودی دست یافت؟ را تحلیل می‌کنند.

مؤلفه دوم: مشکلات بیرونی

۱. خانواده

تحقیقات میدانی از مشکلات ساختاری در خانواده‌ها حکایت دارد. روابط عاطفی در این خانواده‌ها بسیار سرد و ضعیف است. سبک‌های فرزندپروری ناسالم غلبه دارد و بسیاری از این نوجوانان فرزند طلاق هستند یا ارتباطشان با والدین به حداقل رسیده است.^۳ والدین اغلب درگیر مشغله‌های شخصی هستند و وقت کافی برای درک دنیای نوجوان و نیازهای عاطفی او نمی‌گذارند. حتی اگر والدین رسماً جدا نشده باشند، اما رابطه‌ای سرد و بی‌روح بینشان حاکم باشد، این فضا برای رشد سالم روانی نوجوان سمی است.^۴ نوجوان در چنین فضایی احساس ناامنی، بی‌ثباتی و تنهایی می‌کند و ممکن است به گروه‌ها یا فضاهایی خارج از خانه پناه ببرد تا احساس تعلق و دیده شدن را پیدا کند. تحقیقات و آمارها نشان می‌دهد محیط خانواده به عنوان

۱. درودی، محمدجواد؛ هادی‌زاده، محمدتقی؛ وافی، مجتبی، همان.

۲. سید هاشم بحرانی، مَدِينَةُ مَعَاجِزِ الْأُمَّةِ الْاِثْنِي عَشَرَ وَ دَلَائِلُ الْحُجَّجِ عَلَى الْبَشَرِ. قم. بنیاد معارف اسلامی.

۳. رضا مهکام، همان.

۴. همان.

محل ایجاد شخصیت افراد در تمام ابعاد مهم‌ترین دلیل بروز فضایل و رذایل اخلاقی در فرد است.^۱

انسان به دلیل محدودیت ابزارهای شناختی خود، برای هدایت به راهنما نیاز دارد.^۲ اگر این راهنماها کارکرد خود را به درستی انجام ندهند، انسان در گمراهی فرو می‌رود. والدین به عنوان اولین راهنمایان نوجوان، وظیفه دارند او را از گمراهی به سوی نور هدایت کنند. اما وقتی خود والدین در ظلمات و اختلافات خود گرفتارند، نه تنها راهنما نیستند، بلکه به گمراه‌کننده تبدیل می‌شوند. نوجوان در چنین شرایطی، ناگزیر به دنبال راهنمایانی نظیر سلبریتی‌ها، دوستان و رسانه‌ها می‌گردد که در نتیجه او را به خسران می‌کشانند.

ریشه بسیاری از مشکلات خانوادگی در این حوزه، فقدان آموزش والدین است. راهکار اساسی برای حل این معضل، جدی گرفتن دغدغه تربیت توسط خانواده‌ها و فراگیری دانش و مهارت‌های لازم برای ارتباط مؤثر با نوجوانان می‌باشد.

۲. آموزش و پرورش

مدرسه که باید فضای گفت‌وگو، آموزش مهارت‌های هیجانی و شنیدن صدای دانش‌آموز باشد، به دلیل فشار آموزش و امتحان محوری، برنامه‌های کلیشه‌ای پرورشی و بی‌توجهی به نیازهای دیگر نوجوان از ایفای این نقش بازمانده است. آموزش و پرورش که باید پیشانی مواجهه فرهنگی با نسل نوجوان باشد، هنوز توانسته پاسخ متناسب با زیست‌جهان و زبان نسل جدید ارائه دهد.^۳ سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس، حضور نوجوانان در حوادث اخیر را نتیجه ضعف نظام آموزشی در پرورش تفکر انتقادی و تربیت هویتی دانسته و از حاکمیت بی‌چون و چرای کنکور و غفلت از تربیت چندبعدی به شدت انتقاد کرده است. به باور وی، آسیب‌پذیری نوجوانان در فضای مجازی، ریشه در همین ضعف‌های تربیتی دارد.^۴ در تربیت دینی، تفکر به عنوان قوه استنتاج و تعقل به عنوان قوه سنجش و ارزیابی معرفی شده‌اند. برخلاف محتوای درسی که همچنان بر انباشتن اطلاعات تئوریک تأکید دارد؛ محتوایی که با نیاز واقعی نسل جدید برای فهم، مهارت‌آموزی و حل مسائل واقعی جامعه فاصله دارد و مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، سواد

۱. ابراهیم افتخاری، تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد. فصلنامه علمی نسیم کوثر، ۳ (۸)، صص ۵۷-۷۴.

۲. محمدمامیر حمیدی‌فر، جزوه آموزشی فقه تربیت بالغ (نسخه در دسترس موسسه فقهی تربیتی مصباح الهدی قم).

۳. ابوالفضل میرزاخانی، همان.

۴. احسان عظیمی‌راد، آموزش و پرورش پاسخ دهد؛ چرا نوجوانان به جای تفکر انتقادی، جذب هیجانانگیز فضای مجازی شدند؟ از <https://qudsonline.ir/xcBxX> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.

رسانه‌ای، حل مسأله، کار تیمی و خلاقیت همچنان در حاشیه‌اند. دانش‌آموز امروز با انبوهی از اطلاعات مواجه است، اما اغلب فاقد ابزار تحلیل آن می‌باشد. نوجوانی که قدرت تفکر، سنجش و ارزیابی در او تقویت نشده، در تشخیص راه درست از غلط ناتوان است و به راحتی در دام روایت‌های افراطی و شبهات می‌افتد.

از منظر تربیت دینی، فقدان زبان قوم یا عدم درک زبان متقابل در نهادهای رسمی، یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها می‌باشد. مریبان باید با ادبیات، اصطلاحات و دغدغه‌های نسل جدید آشنا شوند و به جای تحکم، گفت‌وگوی همدلانه را جایگزین کنند. نوجوانی که زبانش در مدرسه فهمیده نمی‌شود، به دنبال هم‌زبانی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌گردد و به راحتی تحت تأثیر گفتمان‌های جایگزین قرار می‌گیرد.

راهکارهای این قسمت عمدتاً زیرساختی می‌باشد. راهکارهایی که مرتبط به نهاد آموزش و پرورش می‌شود. پیشنهاد می‌شود برای معلمان و مدیران، آموزش‌های ضمن خدمتی گذاشته شود که زبان قوم یعنی ویژگی‌های نوجوانان را فرا بگیرند. یادگیری ویژگی‌های نوجوان و ویژگی‌های مربوط به این زمانه که در نوجوانان ایجاد شده است باعث درک بهتر زبان قوم می‌شود.

دیگر از راهکارهای زیرساختی تدوین منشور رفتار مربی می‌باشد. منشور می‌تواند محورهایی مانند شفافیت در گفتار و رفتار، پذیرش خطا و عذرخواهی در صورت اشتباه، پرهیز از نصیحت و همراهی عملی با نوجوانان در فعالیت‌ها را داشته باشد.

از جمله راهکارهای زیرساختی انتشار سالانه‌ی یک نمایه نسل جدید توسط مراکز پژوهشی معتبر مانند پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و توزیع گسترده آن در مدارس، مساجد و نهادهای تربیتی می‌باشد. این پروفایل می‌تواند شامل ویژگی‌های شناختی و عاطفی نسل جدید، ویژگی‌های اجتماعی نسل جدید، دغدغه‌ها و نیازهای اصلی، روش‌های مؤثر ارتباطی و آسیب‌های احتمالی باشد.

برای معلمان و مریبان دغدغه‌مند به عنوان راهکار آسان و عملیاتی برای رفع این مشکل راهکارهایی مانند: تشکیل جلسات گفت‌وگوی آزاد در مدارس و مساجد با حضور حداقلی از بزرگسالان پیشنهاد می‌شود. در این جلسات، نوجوانان بدون ترس از قضاوت، دغدغه‌هایشان را مطرح کنند و بزرگسالان فقط شنونده باشند. به عنوان راهکار دوم می‌توان ایجاد صمیمیت بیشتر و گفتگو کردن درباره مسائل مختلف را پیشنهاد داد. دقیقاً مانند فضایی که ما در جمع‌های مهمانی داریم که به صورت آزادانه درباره موضوعات مورد علاقه‌مان گفتگو می‌کنیم. معلمان و مریبان باید موقعیت‌هایی فراهم کنند تا نوجوانان بتوانند به راحتی با آن‌ها گفتگو کنند.

۳. فضای مجازی و جنگ شناختی

برخی از نوجوانان امروز پای تلویزیون داخلی نیستند. بیش از ۸۵ درصد نوجوانان اعتراف کرده‌اند که اخبار و اطلاعات مربوط به اغتشاشات را عمدتاً از طریق شبکه‌های اجتماعی دریافت کرده‌اند.^۱ خوراک فکری آنها از فضای مجازی و شبکه‌های معاند تأمین می‌شود که دائماً بر سه محور ایران بدترین جاست، آزادی بیان نیست و مظلوم‌نمایی تأکید می‌کنند. این وضعیت، نوعی نبرد شناختی است که در آن تصویر ذهنی نوجوانان از واقعیت بصورت هدفمند دستکاری می‌شود. در جامعه امروز محیط شبکه‌های اجتماعی تبدیل به یک ابزار کارآمد برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و ایجاد کنش‌های جمعی و در نهایت پیشبرد سیاست‌ها و اهداف بازیگران این عرصه و به ویژه نظام سلطه در رابطه با کشورهای مخالف گردیده است.^۲

به عنوان راهکار آسان و سریع این مورد مشغول کردن نوجوانان در عرصه‌های فضای حقیقی مانند کلاس‌های ورزشی و رزمی، کلاس‌های مهارتی و علمی، اردوها و مسابقات، حتی کسب و کار و درآمدزایی پیشنهاد می‌شود. به عنوان راهکار دیگر می‌توان به افزایش روحیه جست‌وجوگری و رسیدن به حقیقت در نوجوان اشاره کرد. نوجوان باید یاد بگیرد در مقابل فضای مجازی مطالب را قبول نکند و به سود و زیان و پشت پرده آن‌ها فکر کند. باید در نوجوان روحیه پرسشگری و تفکر در نوجوان تقویت شود.

راهکار آسان و سریع دیگر برای معلمان و مربیان دغدغه‌مند می‌تواند ایجاد کانال‌های تولید محتوا با مدیریت نوجوانان و حمایت مالی و مشاوره‌ای نهادهای فرهنگی باشد. محتوای تولیدشده باید توسط خود نوجوانان و با زبان خود او باشد. و به عنوان موضوعات می‌توان روی نگاه تاجرانه به زندگی، معامله با خریدار حقیقی و هویت اصیل انسان تولید محتوا کرد.

راهکار زیرساختی این مشکل تبدیل درس سواد رسانه از یک درس حذفی و کم‌اهمیت به یک مهارت محوری در نظام آموزشی، با محتوای به‌روز و متناسب با تحولات پلتفرمی می‌باشد. برگزاری درسی با محوریت تفکر، روش‌های درست فکر کردن، فهم انواع مغالطه‌ها و جدل‌ها در یک پیام، شیوه‌های فریب رسانه‌ای راهکار زیرساختی دیگری می‌باشد.

۱. رضا مهکام، همان.

۲. ابوالفضل زینلی، پایان‌نامه با موضوع عوامل جرم‌شناسی مؤثر بر اغتشاشات خیابانی آبان ماه و راه‌های پیشگیری از آن. قم: دانشگاه قم، دفاع شده در شهریور ۱۴۰۳.

۴. تأثیر سلبریتی‌ها

حدود ۹۰ درصد از ۱۸ نوجوانی که در پژوهش عمیق ۱۴۰۴ شرکت داشتند، اذعان داشتند که تحت تأثیر اظهارنظرها حمایت‌های چهره‌های هنری و ورزشی یعنی سلبریتی‌ها قرار گرفته و این حمایت‌ها، آن‌ها را در تصمیم به حضور در اغتشاشات ترغیب کرده است.^۱ این آمار نشان‌دهنده قدرت نرم سلبریتی‌ها در شکل‌دهی به افکار نوجوانان و نیاز آن‌ها به الگوهای جایگزین می‌باشد. نیازهای فطری نوجوان به دیده شدن و الگوپذیری، زمینه‌ساز شکل‌گیری میل اولیه به سلبریتی‌ها می‌باشد. این میل ابتدایی با تداوم الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی، به وابستگی عمیق عاطفی و فکری تبدیل می‌شود. در این مرحله، سلبریتی از یک فرد محبوب به مرجع عاطفی و فکری نوجوان بدل می‌گردد. چنین تعلقی فرآیند سنجش و ارزیابی را مختل می‌کند و نوجوان دیگر مواضع سلبریتی را نمی‌سنجد و صرف اتخاذ موضع از سوی او، از او تبعیت می‌کند. بدین‌سان، میل به تعصب تبدیل می‌شود؛ تعصبی که در آن فرد بدون دلیل و صرفاً به خاطر وابستگی عاطفی، از عقیده‌ای پیروی می‌کند و در برابر هرگونه نقد مقاومت نشان می‌دهد. این همان تعصب در برابر حجت‌ها است که در مبانی نظری به عنوان یکی از موانع تفکر معرفی شده است.^۲

اصلی‌ترین راهکار حل این مشکل، ایجاد خودباوری و به اصطلاح تربیت دینی ایجاد شخصیت می‌باشد. حال برای ایجاد سریع و آسان شخصیت می‌توان به مواردی مانند احترام گذاشتن ویژه به نوجوان، مشورت کردن در امور مختلف با نوجوان، نشان دادن موفقیت‌های نوجوان به خودش، مقایسه مثبت نوجوان با گذشته‌ی خودش و رشدی که الان کرده است و واگذاری مسئولیت‌های مهم به نوجوان اشاره کرد.

۵. عدم اعتماد به جامعه و نهادها

سرمایه اجتماعی به معنای میزان اعتماد موجود در جامعه به نهادها و به یکدیگر است. این اعتماد، بستری است که کنش‌های جمعی و فردی در آن شکل می‌گیرد. بر اساس پژوهش‌ها، کاهش اعتماد به نهادهای رسمی یکی از عوامل اساسی در بروز رفتارهای جمعی جوانان به‌شمار می‌رود.^۳ وقتی نوجوان به نهادهای رسمی اعتماد نداشته باشد، کنش‌هایش بیش از آنکه مبتنی بر تحلیل

۱. رضا مهکام، همان.

۲. محمدامیر حمیدی‌فر، همان.

۳. احمد نادری، همان.

عقلانی باشد، تحت تأثیر موج‌های رسانه‌ای که از مرکز کنترل بیرونی است، شکل می‌گیرد. برگزاری جلسه‌های کوتاه برای شنیدن انتقادهای موجود و کمک خواستن از نوجوانان برای حل این نقاط ضعف، می‌تواند به عنوان راهکار سریع و آسان به کار برده شود. اما برای حل زیرساختی این مشکل می‌توان راهکار ایجاد انجمن‌های گفت‌وگوی بین‌نسلی با حضور منظم نوجوانان، والدین و مسئولان محلی را پیشنهاد داد. این جلسات با تسهیل‌گری حرفه‌ای با موضوعات مشخص مانند آینده شغلی، فضای مجازی، مشکلات محله برگزار شود.

۶. وضعیت اقتصادی-معیشتی نامناسب

وضعیت اقتصادی و معیشتی خانواده و جامعه، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد بستر و ساختار، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری نگرش‌ها و کنش‌های نوجوانان ایفا می‌کند. در نگاه نخست، ممکن است اقتصاد امری بیرون از حیطه تربیت تلقی شود، اما تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که فشارهای معیشتی، از مجرای روان و هویت نوجوان، به طور مستقیم بر فرآیند تربیت و جهت‌گیری‌های او اثر می‌گذارد. همانطور که در بررسی‌های اغتشاشات گذشته هم این نکته وجود داشته که فشارهای اقتصادی موجب نارضایتی و اعتراض خیابانی می‌شود.^۱

به گفته دکتر مهکام حدود ۶۰ درصد نوجوانان شرکت‌کننده در پژوهش‌ها احساس می‌کردند که در جامعه با آنان برخورد ناعادلانه می‌شود یا حقوقشان نادیده گرفته می‌شود.^۲ احساس بی‌عدالتی، اغلب ریشه در تنگناهای اقتصادی و نابرابری‌های مشهود دارد.^۳ نوجوانی که در خانواده‌ای با فشار معیشتی شدید زندگی می‌کند، به تدریج احساس می‌کند که کنترل چندانی بر سرنوشت خود ندارد. نوجوانی که در بستر خانواده‌ای با محرومیت‌های معیشتی مزمن رشد می‌یابد، به تدریج با این واقعیت مواجه می‌شود که میان تلاش و نتیجه همبستگی معناداری وجود ندارد. این تجربه مکرر ناکارآمدی تلاش، به تدریج مرکز کنترل درونی را تضعیف و مرکز کنترل بیرونی را تقویت می‌کند.^۴

۱. ابو الفضل زینلی، همان.

۲. رضا مهکام، همان.

۳. عاطفه، غلامی، زمینه‌های نارضایتی و اغتشاشات در جامعه از نگاه اقتصادی. مجله امنیت اقتصادی، (۸۴)، صص ۱۰۷-۱۱۴.

۴. محمد قراباغی و سید صدر الدین خرسند، جزوه آموزشی مبانی انسان‌شناسی تربیتی (نسخه در دسترس موسسه فقهی تربیتی مصباح الهدی قم).

راهکار سریع و آسان این مشکل می‌تواند ایجاد خیره‌ها و کمک‌های هیئت‌ها به افراد نیازمند باشد. در بستر محرم هیئت‌ها می‌توانند افراد نیازمند را شناسایی کنند و مستقیم و غیرمستقیم مثل ایجاد شغل به آن‌ها کمک کنند. راهکار زیرساختی این موضوع هم به نهادهای رسمی برمی‌گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که حضور نوجوانان در اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ را نمی‌توان صرفاً یک کنش سیاسی یا هیجانی گذرا دانست. بر اساس چارچوب تحلیل تربیتی و با تکیه بر یافته‌های میدانی (مهرکام، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۴) می‌توان گفت که این پدیده ریشه در بحرانی ترکیبی دارد: از یک سو محدودنگری معرفتی و گم‌گشتگی معنا همان‌طور که بیش از ۹۵ درصد نوجوانان شناخت دینی سطحی داشتند، از سوی دیگر مرکز کنترل بیرونی، شخصیت تابع و احساس عمیق ناپدیدگی که حدود ۶۰ درصد آن‌ها آن را تجربه کرده‌اند. در کنار این عوامل درونی، کارکردهای ناکارآمد خانواده، نظام آموزشی بیگانه با زبان قوم و جنگ شناختی فضای مجازی نقش اصلی را در جهت‌دهی به کنش‌های جمعی آنان داشته است و از عوامل بیرونی محسوب می‌شوند.

مهم‌ترین دستاورد این پژوهش، تأکید بر تغییر رویکرد از امنیتی-تنبیهی به تربیتی-رشدمدار و بازتعریف هویت نوجوان بر اساس الگوهای فطری می‌باشد. باید به نوجوان امروز کمک کرد تا قدر و جایگاه خود را در هستی بازابد و با انتخاب آگاهانه، مسیر رشد را از گمراهی تشخیص دهد و سرمایه وجودی بی‌نهایتش را در مسیر تجارت با خریدار حقیقی یعنی الله هزینه کند، نه در راه خریداران فریبنده و محدودکننده‌ای چون نفس، خلق و دنیا.^۱ این پژوهش با محدودیتی مانند عدم بررسی نظام‌مند متغیرهایی نظیر تفاوت‌های منطقه‌ای و تفاوت جنسیتی مواجه بوده است.

در راستای تداوم این مسیر پژوهشی، پیشنهاد می‌شود: (الف) اثربخشی مولفه تربیتی نگاه تاجرانه به زندگی در نوجوانان در قالب بررسی میدانی مورد ارزیابی قرار گیرد. (ب) ظرفیت آیین‌های جمعی مانند محرم به عنوان بستری برای بازتعریف هویت و تقویت مرکز کنترل درونی، با روش‌های ترکیبی (کمی-کیفی) مورد مطالعه عمیق‌تر قرار گیرد.

۱. درودی، محمدجواد؛ هادی‌زاده، محمدتقی؛ وافی، مجتبی، همان.

کتابنامه

۱. اصغری نکاح، سید محسن (۱۴۰۴، ۹ بهمن). اغتشاشات اخیر پیامدهای جدی روان‌شناختی بر جا گذاشته است. از <https://www.mehrnews.com/news/6734669> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.
۲. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵). فقه تربیتی. قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
۳. افتخاری، ابراهیم (۱۴۰۲). تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد، فصلنامه علمی نسیم کوثر، ۳ (۸)، صص ۵۷-۷۴.
۴. الهی منش، مهدی (۱۴۰۴، ۱۱ بهمن). علل همراهی برخی از نوجوانان با اغتشاشگران. از www.hawzahnews.com/news/1341964 تاریخ مراجعه: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵.
۵. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۳ق). مَدِينَةُ مَعَاجِزِ الْأُمَّةِ الْاِثْنِي عَشْرِ وَ دَلَائِلُ الْحُجَجِ عَلَى الْبَشَرِ، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۶. حمیدی فر، محمدمیر (۱۴۰۴). جزوه آموزشی فقه تربیت بالغ (نسخه در دسترس موسسه فقهی تربیتی مصباح الهدی قم).
۷. درودی، محمدمجواد؛ هادی‌زاده، محمدتقی؛ وافی، مجتبی (۱۴۰۳). نگاه تاجران به زندگی، طرحی معرفتی-تربیتی بر اساس اندیشه علی صفایی حائری. فصلنامه علمی تربیت اسلامی، ۱۹ (۴۸)، صص ۱۴۳-۱۶۶.
۸. زینلی، ابوالفضل (۱۴۰۳). پایان نامه با موضوع عوامل جرم‌شناسی مؤثر بر اغتشاشات خیابانی آبان ماه و راه‌های پیشگیری از آن. قم: دانشگاه قم، دفاع شده در شهریور ۱۴۰۳.
۹. عظیمی‌راد، احسان (۱۴۰۴، ۱۰ بهمن). آموزش و پرورش پاسخ دهد؛ چرا نوجوانان به جای تفکر انتقادی، جذب هیجانانگیز فضای مجازی شدند؟. از <https://qudsonline.ir/xcBxX> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.
۱۰. غلامی، عاطفه (۱۴۰۰). زمینه‌های نارضایتی و اغتشاشات در جامعه از نگاه اقتصادی. مجله امنیت اقتصادی، (۸۴)، صص ۱۰۷-۱۱۴.
۱۱. قراباغی، محمد؛ خرسند، سیدصدرالدین، (۱۴۰۴). جزوه آموزشی مبانی انسان‌شناسی تربیتی (نسخه در دسترس موسسه فقهی تربیتی مصباح الهدی قم).
۱۲. مهکام، رضا (۱۴۰۴، ۱۱ بهمن). از خانواده و مباحث تربیتی غفلت کرده‌ایم. از <https://www.tasnimnews.ir/fa/news/3505412/1404/11/11> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.

۱۳. مهکام، رضا (۱۴۰۴، ۹ بهمن). ضعف هویت دینی، اختلالات شخصیتی و بازی‌های رایانه‌ای خشن، عوامل حضور نوجوانان در اغتشاشات است. از <https://qom.ac.ir/Z6h7> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.
۱۴. مهکام، رضا (۱۴۰۴، ۲۶ بهمن). کارگاه تخصصی بر مدار تبیین [چالش‌ها و راهکارهای ارتباط‌گیری با نوجوان امروزی]: روایت تجربه مصاحبه با ده‌ها نوجوان فعال در اغتشاشات، (یادداشت‌های شخصی نگارنده). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۵. میرزا جعفری، یاسر (۱۴۰۴، ۷ بهمن). رسیدگی قضایی به جرایم افراد زیر ۱۸ سال وابسته به بیگانه در اغتشاشات اخیر. از <https://www.pana.ir/fa/tiny/news-1658311> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.
۱۶. میرزاخانی، امیر عباس (۱۴۰۴). نسلی که شنیده نشد. از <https://vista.ir/n/didarnews/2j9a9> تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.
۱۷. نادری، احمد (۱۴۰۱). نسل Z به دنبال سهم خود از آینده کشور. از nahad.ir/ZjYmq تاریخ مراجعه: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵.

نقش خانواده، مدرسه و رسانه در تربیت عقلانی

راضیه مرزانی*

اشاره

تربیت عقلانی محصول یک نهاد خاص نیست، بلکه حاصل تعامل چند نهاد است. در دنیای پیچیده امروز، پرورش تفکر انتقادی و استدلال در نسل جوان، نیازمند هماهنگی میان ارکان اصلی جامعه است. هر کدام از خانواده در جایگاه کانون اولیه رشد، مدرسه به مثابه بستر آموزش رسمی و رسانه به عنوان ابزار قدرتمند اطلاع‌رسانی، نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری ذهنیت افراد ایفا می‌کنند. این سه نهاد در کنار هم می‌توانند بستری سازنده برای شکوفایی استعداد های عقلانی فراهم آورند تا انسان‌هایی متفکر و آگاه تربیت شوند.

تربیت عقلانی چیست؟

تربیت عبارت است از پرورش دادن استعدادهای نهفته، یعنی به‌فعلیت درآوردن استعدادهای درونی و نهفته‌ای که در یک شیء وجود دارد.^۱ بنابراین تربیت، نقشی حیاتی در شکوفایی استعدادهای نهفته انسان دارد؛ به گونه‌ای که بدون آن نمی‌توان رشد جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... داشت. برای تربیت عقلانی تعاریف متعددی بیان شده است؛ از جمله بیان کرده‌اند تربیت عقلانی عبارت است از: «مجموعه تدابیر و اعمال منظم و سازمان‌یافته برای رشد و پرورش عقل».^۲

عقل عاقل کینه‌ها را می‌خرد
جهل جاهل سینه‌ها را می‌درد

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناس ارشد رشته مطالعات زن و خانواده.

۱. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۳.

۲. سعید بهشتی، آئین خردورزی، ص ۱۳۱.

خانواده نخستین نهاد تربیت عقلانی

خانواده نخستین کانون آشنایی کودک با جهان هستی است؛ همچنین فراتر از یک نهاد زیستی یا صرفاً یک واحد اقتصادی، مهم‌ترین مدرسه تربیتی (در همه ابعاد و گونه‌های تربیت) در زندگی هر انسانی است. در نظام ارزشی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، خانواده جایگاهی رفیع و مقدس دارد و سنگر اصلی حفظ و انتقال ارزش‌های دینی و ملی شناخته می‌شود. یکی از حیاتی‌ترین ابعاد تربیت در این کانون، «تربیت عقلانی» است. عقل در نگاه اسلام، امانت الهی و ابزار شناخت حق و باطل است.^۱ خانواده‌ای که بستر رشد عقل را فراهم می‌کند، در واقع بنای شخصیت آینده فرزندش را بنا می‌نهد و خانواده‌ای که پرسش را سرکوب می‌کند، ناخواسته عقل را تضعیف می‌نماید و مسیر کمال را سد می‌کند.

اهمیت خانواده در تربیت عقلانی

اهمیت خانواده در پرورش تفکر و عقلانیت کودک، ریشه در ماهیت رشد شناختی او دارد. کودک در سال‌های اولیه زندگی به مانند اسفنجی آماده جذب اطلاعات، الگوها و واکنش‌هاست. نخستین درس‌های منطق، استدلال و ارتباط با جهان نه در کلاس‌های درس، بلکه در پذیرایی خانه و در کالبد روابط والدین با کودک و با یکدیگر آموخته می‌شود.

۱. بستر پرسش‌گری یا ترس

همان‌طور که اشاره شد، خانواده نخستین جایی است که کودک می‌آموزد پرسد یا از پرسیدن بترسد. پرسش‌گری آغاز تفکر است. کودک با «چرا»ها دنیا را می‌شناسد؛ اگر والدین به این «چرا»ها با بی‌تابی، تحقیر یا سکوت پاسخ دهند، پیامی ناخودآگاه به کودک منتقل می‌شود: «اندیشیدن خطاست»، «کنجکاوی بد است» یا «حق نداری بدان». این پیام، ریشه عقلانیت را خشک می‌کند. در مقابل، خانواده‌ای که به پرسش‌های کودک احترام می‌گذارد و او را به جستجو تشویق می‌کند، اعتمادبه‌نفس فکری را در او نهادینه می‌سازد. اعتمادبه‌نفس ستون فقرات شخصیت یک فرد مؤمن و اندیشمند در آینده است.

۲. الگوسازی منطقی

کودکان از والدین خود «تفکر» را می‌آموزند، نه تنها از طریق آنچه می‌گویند، بلکه از طریق آنچه

۱. آل‌عمران: ۱۹۰؛ بقره: ۱۶۴؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۷، ح ۱.

انجام می‌دهند. وقتی والدین در حل مشکلات خانوادگی از گفتگو، استدلال و مشورت استفاده می‌کنند و به جای واکنش‌های احساسی و کورکورانه، به تحلیل عقلانی مسائل می‌پردازند، کودک الگوی عقلانیت عملی را می‌بیند. در فرهنگ اسلامی، «مشورت» و «تدبر» به شدت توصیه شده است. خانواده‌ای که در آن پدر و مادر با محبت و منطق با هم گفتگو می‌کنند، کلاس درسی برای تربیت عقلانی فرزندان است.

۳. هویت‌بخشی

عقلانیت بدون هویت و جهت‌گیری می‌تواند به ابزاری خطرناک تبدیل شود. خانواده در ایران مسئولیت دارد که عقلانیت را در قالب ارزش‌های دینی و ملی به کودک بیاموزد. تربیت عقلانی در اینجا به معنای پرورش فردی است که بینش عمیقی به هدف زندگی دارد. کودک باید بیاموزد که عقل ابزاری برای شناخت خدا، خدمت به خلق و پیشرفت کشور است، نه فقط ابزاری برای منافع شخصی و مادی. این جهت‌دهی معنوی، عقلانیت را از فرایند سرد مکانیکی، به پروسه گرم و انسانی تبدیل می‌کند.

راهبردهای تربیت عقلانی در خانواده

برای اینکه خانواده بتواند به درستی نقش خود را ایفا کند و محیطی برای شکوفایی عقل فرزندان فراهم آورد، به رعایت اصول و راهبردهایی نیاز دارد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. ایجاد فضای گفتگو و شنونده‌بودن

یکی از بزرگ‌ترین آفت‌های تربیتی، تک‌گویی والدین است. در تربیت عقلانی، والدین باید «شنونده‌های فعالی» باشند. باید به فرزندان فرصت داد تا نظرات خود را بیان کنند، حتی اگر ناقص یا بچه‌گانه باشند. وقتی کودک احساس می‌کند حرفش شنیده می‌شود، تمرین می‌کند که افکارش را سازماندهی و بیان کند. این امر موجب تقویت مهارت‌های زبانی و استدلالی او می‌شود. والدین نباید به سرعت قضاوت کنند، بلکه باید با پرسش‌های هدایت‌کننده، کودک را به تکامل تفکرش برسانند.

۲. پاسخ‌گویی علمی و منطقی به پرسش‌ها

در برابر پرسش‌های پیچیده یا حتی ساده‌کودکان، پاسخ‌های کلیشه‌ای مانند «بزرگ‌ترها می‌فهمند» یا «چون من می‌گم»، قاتل عقلانیت هستند. والدین باید بکوشند متناسب با سن کودک، پاسخ‌های منطقی و درست ارائه دهند. اگر خود پاسخ را نمی‌دانند، نباید از پرسش فرار

کنند، بلکه باید با صداقت بگویند «نمی‌دانم، بیا با هم بررسی کنیم» یا «پرسیم تا یاد بگیریم». این رویکرد به کودک می‌آموزد که «نمی‌دانستن» عیب نیست، اما «تلاش نکردن برای دانستن» عیب است.

۳. تشویق به مطالعه و پژوهش

عقلانیت با دانش گره خورده است. خانواده باید با ایجاد فرهنگ کتابخوانی و مطالعه در خانه، ذهن کودک را با اطلاعات درست تغذیه کند. امروزه استفاده از فضای مجازی نیز اجتناب‌ناپذیر است؛ اما والدین باید به فرزندان خود «سواد رسانه‌ای» بیاموزند؛ یعنی بیاموزند که هرچه در فضای مجازی می‌بینند، حقیقت مطلق نیست و باید با عقل و تحلیل آن را ارزیابی کنند. تشویق کودک به تحقیق در مورد موضوعات مورد علاقه‌اش، او را در مسیر پژوهشگر شدن قرار می‌دهد.

۴. پذیرش اشتباه و تمرین نقدپذیری

عقلانیت مستلزم آن است که انسان اشتباه‌های خود را بپذیرد. اگر والدین در برابر فرزندان خود ادعای عصمت داشته باشند و هرگز اشتباه‌های خود را نپذیرند، کودک یاد می‌گیرد که «حق با کسی است که قدرت دارد» نه «کسی که دلیل دارد». والدین باید در مواقع لزوم از فرزندان خود عذرخواهی کنند و نشان دهند که انسان عاقل، کسی است که با دیدن دلیل از اشتباه خود برمی‌گردد. این امر، «نقدپذیری» را که یکی از ارکان تفکر انتقادی است، در کودک تقویت می‌کند.

۵. تقویت قضاوت مستقل

والدین نباید جای عقل فرزند را بگیرند؛ همچنین نباید برای تمام انتخاب‌های کوچک و بزرگ کودک تصمیم بگیرند. باید به فرزندان فرصت داد تا در چارچوب ارزش‌ها، انتخاب کنند و نتایج انتخاب خود را ببینند. این تجربه زیسته به کودک کمک می‌کند تا مسئولیت‌پذیر شود و قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری‌اش رشد کند. البته این امر باید به تدریج و با نظارت عاقلانه والدین همراه باشد.

چالش‌ها و نکات تکمیلی

خانواده‌های ایرانی در مسیر تربیت عقلانی با چالش‌هایی روبرو هستند؛ ورود بی‌رویه تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی، کودکان را با انبوهی از اطلاعات نادرست و مغایر با فرهنگ بومی مواجه کرده است که در این شرایط، نقش خانواده حساس‌تر می‌شود. خانواده باید «پناهگاه امن» باشد؛

جایی که فرزند می‌تواند با دیدن ابهامات در بیرون، در خانه با پدر و مادر مطمئن گفتگو کند و پاسخ‌های منطقی و عقلانی دریافت کند، نه اینکه با ترس و سرزنش مواجه شود. تربیت عقلانی باید با تربیت عاطفی همراه باشد. عقل بدون احساس، خشک و سنگین است. کودک باید بیاموزد که عقلانیت به معنای بی‌رحمی یا احساساتی نبودن نیست، بلکه به معنای مدیریت احساسات و استفاده از عقل برای خدمت به خلق و خداست. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا»^۱ به‌درستی که کامل‌ترین مؤمنان از نظر ایمان، نیکوترین آنان از نظر خلق و خو [رفتار و اخلاق] است». پس عقلانیت کامل آن است که منجر به اخلاق نیکو شود.

خانواده در جایگاه نخستین نهاد تربیت عقلانی، سنگر اصلی دفاع در برابر توطئه‌های دشمنان برای انحراف نسل آینده است. دشمنان می‌کوشند با شبهه‌افکنی و ترویج تفکر سکولار، عقل نسل جوان را به بی‌راهه ببرند. خانواده‌ای که با محبت، صبر، گفتگو و استدلال فرزندانش را تربیت می‌کند، در واقع سربازان قدرتمندی را برای نظام و کشور می‌سازد. تربیت عقلانی یعنی پرورش افرادی که «بصیرت» دارند؛ افرادی که نه‌تنها خود در مسیر حق قدم برمی‌دارند، بلکه می‌توانند دیگران را نیز هدایت کنند. این مسئولیت را خداوند به والدین داده است و باید با آگاهی و کوشش فراوان انجام شود تا جامعه‌ای ایرانی و اسلامی، سرشار از اندیشمندان و انسان‌های عاقل و متدین ساخته شود.

مدرسه و نظام آموزشی

مدرسه و نظام آموزشی پس از خانواده، دومین نهاد تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت و افق‌های فکری نسل آینده هستند. در یک جامعه دینی و پیشرو مانند جمهوری اسلامی ایران، هدف از آموزش و پرورش فقط انتقال اطلاعات و پرکردن ذهن دانش‌آموزان با داده‌های پراکنده نیست، بلکه هدف اصلی، «تربیت انسان کامل» و پرورش قوای عقلی و تفکری اوست.

قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به تفکر، تدبیر و بهره‌گیری از عقل دعوت کرده است؛ از جمله می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۲ و از چیزی پیروی مکن که علم به آن نداری؛ همانا گوش و چشم و دل، همگی آنها مسئول هستند».

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۵۶.

۲. اسراء: ۳۶.

و در روایتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»^۱ همه خوبی‌ها با عقل شناخته می‌شوند و کسی که عقل ندارد، دین ندارد». با این حال اگر نظام آموزشی از این رسالت اصلی منحرف شود و تمام تمرکز خود را بر «حفظ کردن» و «تکرار گزاره‌ها» بگذارد، در عمل مانع از رشد عقلانیت می‌شود. وقتی دانش آموز تنها برای کسب نمره و ارائه «پاسخ درست» می‌کوشد، نه برای درک «فرایند فکرکردن»، ما در واقع نسلی را تربیت می‌کنیم که شاید حافظه‌ای قوی داشته باشد؛ اما قدرت تحلیل، استدلال و حل مسئله را از دست داده است. این رویکرد، تهدیدی جدی برای استقلال فکری و پیشرفت کشور محسوب می‌شود.

اهمیت تغییر چارچوب آموزشی از «حفظیات» به «تفکر»

اهمیت این موضوع را در چند بُعد کلیدی می‌توان بررسی کرد:

۱. عقلانیت، ابزار مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی

در دنیای امروز، جنگ‌ها نه با سلاح‌های سرد، بلکه با جنگ نرم، شبهات و تبلیغات فرهنگی انجام می‌شود. دشمنان می‌کوشند با موجی از اطلاعات نادرست و تحریف‌شده، هویت دینی و ملی جوانان را هدف قرار دهند. اگر نظام آموزشی تنها به دانش آموز بیاموزد که «چه چیزی» را باید حفظ کند، او در برابر استدلال‌های پیچیده و مغرضانه دشمن ناتوان خواهد ماند؛ اما اگر او «چگونه» فکرکردن را بیاموزد، می‌تواند با استدلال منطقی، حق را از باطل تشخیص دهد و در برابر توطئه‌ها ایستادگی کند. تربیت عقلانی در مدارس، ضامن بقای فرهنگی و سیاسی کشور است.

۲. ضرورت‌های عصر دانش و نوآوری

جامعه ایرانی در پی دست‌یابی به پیشرفت علمی و فناوری است. نوآوری و اختراع فرزندان «تفکر» هستند، نه فرزندان «حفظ کردن». هیچ کشوری با تکرار دانش گذشتگان به قله‌های علمی نرسیده است. وقتی آموزش بر حفظیات متمرکز است، خلاقیت کشته می‌شود. دانش‌آموزی که همیشه نگران این است که پاسخش دقیقاً مشابه کتاب درسی باشد، جرئت اظهارنظر جدید، ارائه راه‌حل‌های متفاوت و خطاکردن را ندارد؛ در حالی که علم پیشرفت می‌کند که انسان‌ها جرئت فکرکردن خارج از چارچوب‌های متعارف را داشته باشند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۴.

۳. پرورش مسئولیت‌پذیری اجتماعی

شهروند مؤمن و آگاه کسی است که مسائل جامعه را تحلیل می‌کند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارد. شهروندی که محصول سیستم‌های حفظیات است، تمایل دارد دستورات را بدون چون و چرا اجرا کند یا برعکس، بدون تحلیل در برابر آنها بایستد. اما شهروند عقلانی با درک علل و معلومات اجتماعی، مسئولانه‌تر عمل می‌کند. نظام آموزشی باید بستری باشد که در آن دانش‌آموزان یاد بگیرند مسائل را از زوایای مختلف ببینند و قضاوت‌های مستقل داشته باشند.

راهبردهای تحقق تربیت عقلانی در نظام آموزشی

برای اینکه مدارس از کارخانه‌های تولید «داده‌های انسانی» به کارگاه‌های پرورش «اندیشمندان» تبدیل شوند، نیاز به بازنگری اساسی در روش‌ها و محتوا داریم:

۱. تغییر روش ارزشیابی و سنجش

یکی از ریشه‌های اصلی تمرکز بر حفظیات، سیستم امتحانات و نمره‌دهی است. اگر پرسش‌های امتحانی تنها آن چیزی را بسنجند که در کتاب نوشته شده و انتظار داشته باشند دانش‌آموز دقیقاً همان عبارات را بازنویسی کند، طبیعی است که حفظ‌کردن اولویت می‌یابد. راهبرد اساسی، تغییر سیستم سنجش به سمت «پرسش‌های تحلیلی» و «مسئله‌محور» است. باید از دانش‌آموزان خواسته شود که مفاهیم را درک کنند، ارتباط بین آنها را پیدا کنند و در موقعیت‌های جدید به کار ببرند. بخشی از ارزشیابی باید به «درک و فهم» و «قدرت استدلال» تعلق بگیرد، نه به دقت حافظه.

۲. آموزش روش‌های تفکر (مهارت‌های شناختی)

بسیاری از دانش‌آموزان نمی‌دانند چگونه باید فکر کنند. مدارس باید درس‌هایی را برای آموزش «تفکر انتقادی»، «تفکر خلاق» و «حل مسئله» داشته باشند. دانش‌آموز باید بیاموزد چگونه فرضیه بسازد، چگونه شواهد را ارزیابی کند، چگونه مغالطات را شناسایی کند و چگونه به نتیجه‌گیری منطقی برسد. این مهارت‌ها باید مانند خواندن و نوشتن به عنوان اصول اولیه آموزشی تلقی شوند.

۳. تبدیل کلاس درس به محیط گفتگو

کلاس درس نباید تالاری باشد که در آن معلم تنها سخنران است و دانش‌آموزان شنوندگان منفعل. تربیت عقلانی در بستر گفتگو شکل می‌گیرد. معلم باید نقش تسهیل‌گر را داشته باشد و

با طرح پرسش‌های باز، دانش‌آموزان را به چالش فکری بکشد. باید فضایی ایجاد شود که دانش‌آموز بتواند بدون ترس از تحقیر، نظرات خود را بیان کند، از نظرات دیگران دفاع کند یا با دیدن دلیل منطقی، نظر خود را تغییر دهد. این جو امن فکری، شرط اولیه رشد عقل است.

۴. یکپارچه‌سازی دانش با زندگی واقعی

یکی از مشکلات فعلی، انتزاعی بودن آموزش است. دانش‌آموزان نمی‌بینند که آنچه در کلاس فیزیک یا ریاضی یا ادبیات می‌آموزند، چه ارتباطی با زندگی روزمره، مسائل جامعه یا حتی باورهای دینی آنها دارد. معلمان عقلانی پل ارتباطی بین «نظریه» و «عمل» می‌سازند. وقتی دانش‌آموز کاربرد عقلانیت در زندگی واقعی را ببیند، انگیزه بیشتری برای پرورش آن پیدا می‌کند؛ مثلاً در درس تاریخ صرفاً به جای حفظ کردن تاریخ‌های جنگ‌ها، باید علل و عوامل پیروزی یا شکست‌ها تحلیل شود تا درس‌هایی برای آینده گرفته شود.

۵. احترام به پرسش و تردید

در نظام آموزشی عقلانی، «پرسش» ارزشمندتر از «پاسخ» است. معلم باید به دانش‌آموزی که می‌پرسد، حتی اگر سؤالش بی‌ربط یا ساده به نظر برسد، احترام بگذارد. باید به دانش‌آموزان آموخت که «تردیدکردن» آغاز شناخت است، البته به شرطی که به دنبال حقیقت بگردند. سرکوب پرسش‌های دانش‌آموزان در کلاس، همان بلایی است که سرکوب پرسش در خانواده سر کودک می‌آورد؛ یعنی فلج کردن عقل.

چالش‌ها و ملاحظات

تحقق این اهداف، بدون چالش نیست. یکی از بزرگ‌ترین موانع، فرهنگ سنتی آموزشی است که همواره معلم را به طور مطلق مالک حقیقت می‌داند. تغییر این نگرش نیازمند بازآموزی معلمان و تغییر نگاه والدین به موفقیت تحصیلی فرزندانشان است. والدینی که موفقیت فرزندشان را تنها در گرفتن نمره بیست می‌بینند، فشاری را بر مدرسه و فرزند وارد می‌کنند که منجر به بازگشت به روش‌های حفظی می‌شود.

همچنین محدودیت‌های منابع آموزشی، تراکم بالای کلاس‌ها و فشار برنامه‌های درسی پر حجم، مانعی برای اجرای روش‌های تفکر محور است. برای غلبه بر این مشکلات، سیاست‌گذاران آموزشی باید اولویت را از «تکمیل کتاب» به «کیفیت یادگیری» تغییر دهند. در نهایت مدرسه و نظام آموزشی ما باید به میدانی برای تمرین عقلانیت تبدیل شود. اگر ما

می‌خواهیم نسل آینده بتواند ایران را به سمت قله‌های پیشرفت علمی و تمدنی که در اسناد بالادستی ترسیم شده است، هدایت کند، نباید آنها را به «طوطی‌های سخنگو» تبدیل کنیم. هدف، تربیت انسان‌هایی است که با عقل خود ایمان را درک می‌کنند، با عقل خود مشکلات کشور را حل می‌کنند و با عقل خود سعادت دنیا و آخرت را رقم می‌زنند. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب بارها بر «تفکر نظری» و «اندیشه ورزی» تأکید کرده‌اند،^۱ مدرسه باید کانون تولید اندیشه باشد، نه انبار اطلاعات. تغییر از «حفظ‌کردن» به «فکرکردن»، یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای بقا و تعالی نظام و ملت است.

رسانه

امروزه رسانه‌ها فراتر از ابزارهای ارتباطی یا سرگرمی، به قدرتمندترین نهادهای اجتماعی در شکل‌دهی باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی انسان‌ها تبدیل شده‌اند. آنچه ما به مثابه «واقعیت» می‌شناسیم، اغلب بازنمایی‌ای است که رسانه‌ها برای ما می‌سازند. در این میان، نقش رسانه در تعامل با «عقل» و «تفکر» انسان، یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث روز است. نیل پستمن - جامعه‌شناس آمریکایی - اشاره مستقیمی به تهدید رسانه‌های الکترونیک برای گفتمان عقلانی و تفکر انتقادی می‌کند. او معتقد است رسانه‌های مدرن درک عمیق را به نمایشی سطحی و هیجانی کاهش می‌دهند و توانایی‌های شناختی انسان را دگرگون می‌کنند.^۲

رسانه می‌تواند چراغی باشد که در تاریکی‌های جهل و شبهات روشنایی می‌افکند و عقل جمعی را بیدار کند و می‌تواند سمی مهلک باشد که قوای شناختی انسان را فلج کند و عقل را در خوابی عمیق فرو ببرد. عنوان این بحث بر یک واقعیت تلخ انگشت می‌گذارد: «رسانه‌ای که فقط هیجان تولید می‌کند، فرصت تعقل را از مخاطب می‌گیرد». در جامعه اسلامی و ایرانی که دینش بر «تفکر» و «تدبر» بنا شده است، تهدید رسانه‌های هیجان‌زده و عقل‌ستیز، نیازمند واکاوی جدی و ارائه راهکارهای عملی است.

اهمیت تأثیر رسانه بر عقلانیت

برای درک اهمیت این موضوع، باید به ماهیت عملکرد ذهن انسان در مواجهه با پیام‌های رسانه‌ای پردازیم.

۱. بیانات در دیدار با بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳: <https://khl.ink/f/34995>

2. Neil Postman, Amusing Ourselves to Death: Public Discourse in the Age of Show Business. New York: Viking, 1985, p.33.

۱. جنگ نرم و هدف‌گیری قوه تعقل

دشمنان اسلام و انقلاب به خوبی دریافته‌اند که راه شکست یک ملت، تسخیر اراضی آن نیست، بلکه تسخیر «ذهنیت» آن است. رسانه‌های جنگ نرم در جایگاه پیشروترین لشکر، هدف مستقیم‌شان «قوه عقل» مخاطب است. اگر بتوانند عقل انسان را به تعطیلی بکشانند، می‌توانند هر دروغی را راست و هر باطلی را حق جلوه دهند. رسانه‌ای که مدام هیجان تولید می‌کند، با اشغال پهنای باند ذهنی مخاطب، اجازه نمی‌دهد او فرصت تحلیل داشته باشد، قضاوت یا استدلال کند. این «فلج تحلیلی» دقیقاً همان چیزی است که استکبار جهانی برای تسلط بر ملت‌ها به دنبال آن است.

۲. جایگزینی «احساس» به جای «عقل»

هیجان به مفهوم واکنشی سریع، کوتاه‌مدت و اغلب غیرمنطقی است؛ درحالی‌که عقل واکنشی کند، عمیق و مبتنی بر استدلال است.^۱ رسانه‌های تجاری و وابسته عمدتاً به سراغ هیجان می‌روند؛ چون کنترل آن آسان‌تر و سودآورتر است. وقتی مخاطب در حالت هیجانی قرار می‌گیرد، گارد منطقی خود را پایین می‌آورد. در این حالت، پیام‌های رسانه‌ای (چه تبلیغات کالاها و مصرفی و چه ایده‌های ضد ارزشی) مستقیماً به ضمیر ناخودآگاه نفوذ می‌کنند. اهمیت این موضوع در آن است که تداوم این روند، نسلی را تربیت می‌کند که تصمیم‌های حیاتی زندگی‌اش را نه با عقل، بلکه بر اساس احساسات آنی و زودگذر می‌گیرد؛ نسلی که مصرف‌گرا، تندخو و آسیب‌پذیر است.

۳. تهدید هویت دینی و ملی

هویت ایرانی - اسلامی ما ریشه در تفکر، حکمت و معنویت دارد. رسانه‌های هیجان‌محور با ترویج سبک زندگی غربی، لذت‌گرایی و بی‌بندوباری، در واقع با عقلانیت حاکم بر فرهنگ ما در تضادند. وقتی رسانه‌ها مدام مخاطب را درگیر مسائل پیش‌پاافتاده، حاشیه‌ای و تحریک‌کننده می‌کنند، توجه جامعه از مسائل اصلی، عدالت‌خواهی، پیشرفت علمی و خودسازی منحرف می‌شود. این انحراف توجه، خوابی است که عقل یک ملت را در آن غرق می‌کند و مانع از بیداری جمعی برای حل مشکلات واقعی می‌شود.

راهبردهای مقابله با رسانه‌های عقل‌ستیز

برای اینکه رسانه به جای خواب‌آور، بیدارکننده عقل باشد و از آسیب‌های هیجان‌افزایی در امان

1. Daniel Kahneman. Thinking, Fast and Slow. New York: Farrar, Straus and Giroux, 2011, p. 51.

بمانیم، راهبردهای زیر در سطح فردی و اجتماعی ضروری است:

۱. ارتقای سواد رسانه‌ای

مهم‌ترین سلاح در برابر تهاجم رسانه‌ای، «سواد رسانه‌ای» است. این مفهوم به معنای توانایی درک، تحلیل و نقد پیام‌های رسانه‌ای است. نظام آموزشی و خانواده‌ها باید به افراد (به‌ویژه جوانان) بیاموزند که هر چه در رسانه می‌بینند یا می‌شنوند، لزوماً حقیقت نیست. باید پرسیده شود: «چه کسی این پیام را تولید کرده؟»، «هدف از آن چیست؟»، «از چه تکنیک‌هایی برای تحریک احساسات استفاده شده؟» و «چه واقعیت‌هایی پنهان شده است؟» وقتی مخاطب با عینک نقد به رسانه نگاه می‌کند، هیجان جای خود را به تعقل می‌دهد.

۲. مدیریت مصرف رسانه‌ای و انتخاب محتوای سالم

ما انتخاب‌کنندگان اصلی محتوایی هستیم که وارد ذهنمان می‌شود. باید از مصرف بی‌رویه و خودکار محتوای رسانه‌ها پرهیز کرد. به جای غرق شدن در شبکه‌های اجتماعی که پر از اخبار جعلی، حاشیه‌سازی‌ها و محتوای تحریک‌کننده است، باید رسانه‌هایی را انتخاب کرد که عمق، مستندسازی و استدلال دارند. تماشای مستندهای علمی - تاریخی، شنیدن گفتگوهای کارشناسی با محوریت مسائل روز و مطالعه تحلیل‌های عمیق، به تقویت عضله تفکر کمک می‌کند. رسانه باید ابزار یادگیری باشد، نه ابزار فرار از واقعیت.

۳. اولویت‌دهی به «محتوا» بر «شکل» و «جلوه»

رسانه‌های هیجان‌محور معمولاً بر «فرم»، جلوه‌های ویژه، موسیقی‌های تحریک‌کننده و تیتراهای جذاب تمرکز می‌کنند تا ضعف محتوایی را پوشش دهند. مخاطب عاقل کسی است که فریب ظاهر فریبنده را نخورد و به دنبال محتوای مفید و معنادار باشد. در تولیدات داخلی نیز هنرمندان و رسانه‌گران باید بکوشند محتوایی غنی، منطقی و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ارائه دهند تا بتوانند در جذب مخاطب موفق شوند، بدون اینکه به دام ابتذال و هیجان‌زدگی بیفتند.

۴. ایجاد گفتگو و تفکر جمعی

رسانه‌ها اغلب تماشاگر را منفعل و تنها می‌کنند. برای مقابله با این افراد، باید پیام‌های رسانه‌ای را موضوع گفتگو قرار دهیم. خانواده‌ها و گروه‌های دوستانه باید درباره فیلم‌ها، اخبار و رویدادهای رسانه‌ای بحث و تبادل نظر کنند. این کار سبب می‌شود فرد از حالت انفعال خارج گردد، نظرات دیگران را بشنود و با استدلال، دیدگاه خود را شکل دهد. گفتگو به مثابه پادزهر سم انفرادی و سکوت ذهنی است که رسانه‌ها القا می‌کنند.

چالش‌ها و نکات تکمیلی

یکی از چالش‌های بزرگ امروزی را می‌توان اعتیاد به رسانه و «دوپامین‌های حاصل از بهره‌گیری رسانه» دانست. شبکه‌های اجتماعی با الگوریتم‌های هوشمند، مخاطب را در چرخه‌ای از هیجان و لذت آنی گرفتار می‌کنند که خروج از آن بسیار دشوار است. این اعتیاد، توان تمرکز و تفکر عمیق را به شدت کاهش می‌دهد. مقابله با این پدیده نیازمند اراده قوی و برنامه‌ریزی شخصی برای محدود کردن زمان استفاده از ابزارهای دیجیتال است. همچنین نباید نقش مثبت رسانه را نادیده گرفت. رسانه‌های انقلابی و دینی در ایران، پتانسیل عظیمی برای بیداری عقل‌ها دارند. پوشش اخبار مقاومت، افشای حقایق تاریخی و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، می‌تواند نسل جوان را به تفکر درباره هویت و جایگاه خود وادارد؛ اما شرط این امر، دوری از شعارزدگی و پرداختن به زبان منطقی و دلیل است که با ذهن جوان امروز همخوانی دارد.

رسانه شمشیر دولبه‌ای است که می‌تواند سد راه عقلانیت شود یا پلی به سوی کمال و آگاهی. «رسانه‌ای که فقط هیجان تولید می‌کند، فرصت تعقل را از مخاطب می‌گیرد»؛ این هشدار است که باید جدی گرفته شود. جامعه‌ای که می‌خواهد پیشرفت کند، عزت خود را حفظ نماید و در برابر توطئه‌های دشمنان بایستد، نمی‌تواند اجازه دهد رسانه‌ها عقل جمعی را به خواب ببرند. ما نیاز به رسانه‌هایی داریم که مخاطب را به تفکر وادارند، نه اینکه او را به ماشین‌هایی تبدیل کنند که فقط واکنش نشان می‌دهند. وظیفه ما در جایگاه شهروندان، والدین و مسئولان، انتخاب هوشمندانه، نقد مداوم و استفاده عقلانی از رسانه است تا این ابزار قدرتمند در خدمت تعالی انسان و جامعه اسلامی قرار گیرد، نه ابزاری برای انحطاط فکری و فرهنگی. تربیت عقلانی زمانی شکل می‌گیرد که این سه حوزه به جای رقابت، هم‌افزا باشند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. بهشتی، سعید، آیین خردورزی (پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی علیه السلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۶ ش.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۵ ش.
5. Kahneman, Daniel. Thinking, Fast and Slow. New York: Farrar, Straus and Giroux, 2011.
6. Postman, Neil. Amusing Ourselves to Death: Public Discourse in the Age of Show Business. New York: Viking, 1985.
7. <https://farsi.khamenei.ir>

تکریم دختران در سیره امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری*

اشاره

تکریم دختران در سیره امام حسین علیه السلام یکی از نکات مهمی است که کمتر بدان توجه شده است. اینکه چرا امام حسین علیه السلام به این موضوع اهتمام خاص داشت و در برخورد با دختران خود و برخی از خویشاوندان آن را نشان می دهد، پرسشی است که نوشتار پیش رو به دنبال پاسخ به آن است. در پاسخ این فرضیه مطرح می شود که سیره امام حسین علیه السلام را باید امتداد حرکتی دانست که جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله در جامعه ترسیم کردند. امام حسین علیه السلام در فضایی که برخی سنت های عصر جاهلی بازگشته بود، همان روش رسول خدا صلی الله علیه و آله را در راستای اصلاح جامعه و احیای سنت نبوی در پیش گرفتند. ایشان با اظهار محبت به فرزندان خویش و دادن مسئولیت به آنها و نیز اهتمام به آینده آنان و انتخاب همسران مناسب و گاه نیز با هم فکری و گوش دادن به سخنان آنها در تکریم دختران کوشیدند.

مقدمه

یکی از مهم ترین مسائل روز جامعه در بیشتر کشورها از جمله کشورهای مسلمان، تبعیض جنسیتی و نادیده گرفتن برخی حقوق دختران و زنان است. در حالی که مراجعه به سیره ائمه علیهم السلام نشان می دهد نه تنها تبعیضی در این باره دیده نمی شود، بلکه گاهی اوقات احترام و تکریم دختران برجسته تر است. در سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السلام تکریم انسان، فارغ از جنس و رنگ و نژاد است. در این میان تکریم فرزندان بدون تبعیض به ویژه تکریم دختران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اهمیت این مسئله وقتی بیشتر روشن می شود که وضعیت دختران و زنان در دوران پیش از اسلام و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه عربی تبیین گردد. وضعیتی که با تلاش رسول

* دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: h.motahari@isca.ac.ir

خدا سَلَّمَ بسیار بهبود یافت؛ اما بعد از رحلت آن حضرت بار دیگر همچون برخی سنت‌های پیش از اسلام بازگشت؛ به گونه‌ای که اثر آن همچنان در جامعه مسلمانان دیده می‌شد. در نخستین گام این رسول خدا سَلَّمَ بود که با تکریم زنان و دختران به دختر جایگاه ویژه‌ای بخشید. ایشان دختر را مایه خیر و برکت و همانند پسر نعمت خدا و منشأ خیر و برکت معرفی کردند. رفتار پیامبر و سخنان آن حضرت تحولی در جامعه حجاز ایجاد کرد و کرامتی به دختران داد که در جهان آن روزگار بی نظیر بود؛^۱ اما با رحلت پیامبر سَلَّمَ، بار دیگر برخی سنت‌های جاهلی در جامعه بازگشت و به تدریج انحراف‌ها به گونه‌ای رشد کرد که سرانجام در زمان امام حسین عَلَيْهِ یک قیام پرهزینه برای اصلاح امت لازم بود و سیدالشهدا عَلَيْهِ با نهضت خود این حرکت را انجام داد. نوشتار پیش رو نگاهی اجمالی به یک نمونه در رفتار امام حسین عَلَيْهِ برای احیای سنت جد بزرگوارش دارد و بر آن است تا نشان دهد تکریم دختران در سیره امام عَلَيْهِ ادامه رفتار پیامبر سَلَّمَ و احیای یکی از سنت‌های نبوی بوده است.

مفهوم‌شناسی

تکریم: تکریم در لغت به معنای گرامی داشتن و احترام است^۲ و در اصطلاح به روابط مبتنی بر حفظ ارزش‌های انسانی میان افراد گفته می‌شود که او را از دیگر آفریده‌ها متمایز می‌کند.^۳ به این کرامت در قرآن کریم به مثابه مهم‌ترین منبع تعالیم اسلامی توجه شده و ارزش و تکریم را بر همه فرزندان آدم اطلاق می‌کند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُيُوتِ وَابْتَدَأْنَا مِنْ الصَّالِحِينَ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکبها سوار کردیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از آفریده‌های خویش، آنها را برتری دادیم». علامه طباطبائی مراد از آیه را جنس بشر می‌داند^۴ و علامه محمدتقی جعفری نیز آیه را ناظر به کرامت ذاتی انسان دانسته است.^۵ در سیره

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: حمیدرضا مطهری، زنان (از نگاه نبوی)، ص ۳۰.

۲. محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۷، ص ۶۰۷.

۳. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۱۵۶.

۴. اسراء: ۷۰.

۵. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۱۴.

۶. محمدتقی جعفری، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر، ص

نبوی و حسینی هم احترام به انسان فارغ از نوع و جنس و رنگ و نژاد مورد توجه بود. امام حسین علیه السلام احترام ویژه‌ای برای فرزندان به‌ویژه دختران خود قائل بود و به گونه‌های مختلف آن را ابراز می‌کردند؛ گاه با اظهار علاقه و محبت به دختر، گاه با تشبیه او به مادر و گاه نیز با آینده‌نگری و توجه به زندگی مشترک او و گزینش همسر مناسب برای دخترش آن را نشان می‌دادند. واگذاری مسؤلیت نیز می‌تواند بیان‌کننده جایگاه والای دختران در سیره امام حسین علیه السلام باشد.

۱. اظهار عشق و علاقه

یکی از مهم‌ترین نکات در زندگی اجتماعی به‌ویژه در خانواده و در برابر فرزندان، محبت کردن به آنان و اظهار این محبت است؛ همان چیزی که در کلمات اهل بیت علیهم السلام موج می‌زند. سخن پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت زهرا علیها السلام با تعبیری مانند «فداها ابوها: پدرش به فدایش»^۱ و «ان فاطمة منی و هی نور عینی و ثمره فؤادی: فاطمه پاره تن و نور چشم میوه دل من است» و «أحب اهلی الی فاطمة: محبوب‌ترین خاندانم نزد من فاطمه است»، اوج این اظهار عشق و علاقه و محبت است. همین رفتار در سیره امام حسین علیه السلام در برابر دخترانش دیده می‌شود.

یکی از دختران امام حسین علیه السلام سکینه بود که در کربلا نیز حضور داشت و همراه اهل بیت علیهم السلام برای تحقق اهداف قیام حضرت سیدالشهدا علیه السلام نقش آفرینی کرد. او فرزند رباب دختر امرؤالقیس بود. امام حسین علیه السلام محبت خود را به او و مادرش چنین ابراز کرد:

لعمرك إننی لأحب داراً تکون بها السکینه و الرباب

به جان تو سوگند، من خانه‌ای را دوست دارم که سکینه و رباب در آن باشند.
 احبهما و أبذل جل مالی ولیس لعاتب عندی عتاب^۴
 آن دو را دوست می‌دارم و همه مالم را در این راه می‌بخشم و هیچ سرزنش‌کننده‌ای حق سرزنش ندارد.
 این کلام سرشار از عاطفه و مهر امام به همسر و دخترش چنان در جان آنان رسوخ کرد و

۱. علی بن عبدالله سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج ۲، ص ۵۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

۳. قاضی نورالله تستری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۰، ص ۱۸۱.

۴. ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی، الاغانی، ج ۱۶، ص ۳۶۰؛ ابن جوزی هم با اندکی تفاوت این اشعار را نقل

کرده است (ر.ک: یوسف ابن قزواقلی ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۲۳۸).

ماندگار شد که اثر آن را بعد از رخداد عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام نیز می توان دید. در این کلام امام حسین علیه السلام هم تکریم دختر مشاهده می شود و هم علاقه و دوستی همسر را نشان می دهد و همین اظهار علاقه است که رباب تنها یک سال با سختی بعد از عاشورا زنده ماند و سرانجام از شدت اندوه درگذشت.^۱ این اظهار علاقه به دختر و نام بردن از او و مادرش افزون بر تکریم دختر، اظهار عشق و علاقه خود به او بود که بیان کننده اهمیت جایگاه مادر او نیز می تواند باشد.

اظهار علاقه به دختر حتی در آخرین لحظات عمر شریف امام حسین علیه السلام نیز دیده می شود؛ آنجا که حضرت سکینه علیها السلام بعد از وداع با گریه به سوی پدر رفت و امام علیه السلام او را به سینه چسباند و فرمود:

سَيَطُولُ بَعْدِي يَا سَكِينَةَ فَأَعْلَمِي مِنْكَ الْبُكَاءُ إِذَا الْحَمَامُ دَهَانِي

ای سکینه، بدان که بعد از من گریه تو طولانی خواهد شد.

لَا تُحْرِقِي قَلْبِي بِدَمْعِكَ حَسْرَةً مَا دَامَ مِنِّي الرُّوحُ فِي جُثْمَانِي

تا زمانی که روح در بدن دارم، با اشک حسرت بار خود قلبم را مسوزان.

وَ إِذَا قُتِلْتُ فَأَنْتِ أَوْلَى بِالَّذِي تَبْكِينَهُ يَا خَيْرَةَ النَّسْوَانِ^۲

ای بهترین زنان، بعد از کشته شدن من، تو برای گریه سزاوارتری.

این اشعار امام علیه السلام به ویژه بیت دوم که می فرماید تا زمانی که روح در بدنم هست، قلبم را با اشک خود مسوزان؛ نشان دهنده اوج محبت یک پدر به فرزندش است.

۲. واگذاری مسئولیت

واگذاری مسئولیت به فرزندان نشان دهنده جایگاه آنان است و این مهم در سیره امام حسین علیه السلام نه تنها در برابر پسران که درباره دختران نیز دیده می شود؛ همان نکته ای که در سیره نبوی هم به خوبی ارائه شده است. یکی دیگر از اثرگذارترین مواردی که حضرت زهرا علیها السلام حضور داشتند، جریان مباحله بود. انتخاب افراد حاضر در مباحله را پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داد؛ اما جایگاه و مسئولیت

۱. ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۸۸؛ یوسف ابن قزاولقی ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۲۶۵.

۲. ابوجعفر محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۹ - ۱۱۰.

خطیری را به حاضران داد و حضرت صدیقه طاهره نیز یکی از حاضران در آن بود.^۱ همچنین حضور در زمان فتح مکه و بیعت زنان و حضور در حجة الوداع از مهم‌ترین رخدادهایی بود که حضرت زهرا علیها السلام در آنها حضور داشتند. این مهم با توجه به اقدامات و استنادات حضرت زهرا علیها السلام به رخداد غدیر برای اثبات حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌تواند نشان‌دهنده مسئولیتی باشد که از سوی پدر بزرگوارش بر عهده آن حضرت گذاشته شد و حضرت زهرا علیها السلام به خوبی و در جای خود از عهده آن برآمد و بدان استناد کرد.^۲

امام حسین علیه السلام نیز در شرایط حساس و حزن‌آلود و بحرانی عاشورا و درحالی که در آستانه شهادت بودند، مهم‌ترین مأموریت را به دخترش فاطمه دادند و وصیت‌نامه خود را به او سپردند تا به امام سجاد علیه السلام برساند. امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند: «امام سجاد علیه السلام در کربلا به اندازه‌ای بیمار بود که امام حسین علیه السلام دخترش فاطمه را صدا زد و وصیت‌نامه و کتابی را به او داد تا آن را به علی بن حسین علیه السلام برساند و این کتاب بعداً به ما رسید».^۳ این اقدام امام حسین علیه السلام نشان‌دهنده جایگاه والایی است که امام برای دخترش قائل است؛ به نوعی حامل کتابی می‌شود که اختصاص به امام دارد و به فرموده امام باقر علیه السلام آنچه بشر بدان نیاز دارد، در آن بوده است.^۴

۳. تشبیه به مادر

یکی از روش‌های تکریم فرزند یا هر فرد دیگر، تشبیه او به عزیزان و بزرگانی است که در قلب و جان انسان جای دارند. حضرت فاطمه علیها السلام زمانی به شهادت رسیدند که فرزندانشان خردسال بودند؛ با این وجود مهر و محبت و علاقه او چنان در وجود فرزندان تنیده شده بود که تا پایان عمر یاد مادر را زنده نگه داشتند و به نسل‌های بعد نیز منتقل کردند. بر این اساس می‌توان علت نام‌گذاری دختران امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به نام فاطمه را تحلیل کرد؛ هر دو بزرگوار دخترانی به نام فاطمه داشتند که با پسرعموی خود ازدواج کردند. فاطمه دختر امام حسن علیه السلام با

۱. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، خصال، ج ۱، ص ۱۷۳؛ شمس‌الدین محمد جزری، مناقب الأسد الغالب و ممزق الکتاب و مظهر العجائب، ص ۴۱.

۳. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۱۶۷؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۳.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۳.

حضرت امام زین العابدین ازدواج کرد و مادر امام محمد باقر علیه السلام شد و فاطمه دختر امام حسین علیه السلام نیز با پسر عموی خود حسن بن حسن (حسن مثنی) ازدواج کرد و عبدالله محض فرزند او بود.^۱

نکته مهم آن است که امام حسین علیه السلام هنگام خواستگاری برادرزاده اش حسن مثنی و پرسش از اینکه کدام یک از دخترانش را خواستگاری می کند، دخترش فاطمه را به او پیشنهاد کرد و در بیان علت این انتخاب او را به مادرش حضرت فاطمه علیها السلام تشبیه کرد و فرمود: «فاطمه چون به مادرم فاطمه شبیه تر است».^۲ در این کلام امام حسین علیه السلام هم تکریم و گرامی داشت یاد مادر دیده می شود و هم احترام ویژه به دختر؛ از یک سو نشان می دهد که پس از گذشت بیش از نیم قرن از شهادت حضرت زهرا علیها السلام هنوز یاد او در خاطر امام حسین علیه السلام زنده است و به مناسبت های مختلف می کوشد نام و یادش در جامعه و در میان خاندان زنده بماند؛ از سوی دیگر این رفتار امام بیان کننده تکریم دخترش نیز هست؛ به گونه ای که دختر خود را به مادری تشبیه می کند که برتر از همه زنان عالم است و چنان جایگاهی در قلب امام دارد.

۴. آینده نگری و همسرگزینی (انتخاب همسر مناسب)

یکی از نکات مهم در تکریم فرزند، توجه به آینده و زندگی مشترک او و انتخاب همسر مناسب برای اوست. امام حسین علیه السلام به این نکته توجه ویژه ای دارد؛ حتی گاه در انتخاب همسر برای دختران اقوام نیز مشورت و راهنمایی هایی می کند. درباره فرزندان خود نمونه بارز همان تزویج دخترش به فرزند امام حسن علیه السلام بود که فاطمه را برای برادرزاده اش حسن بن حسن علیه السلام برگزید و دلیل آن را نیز شباهت او به مادرش بیان کرد. امام حسین علیه السلام دختر دیگرش سکینه را نیز به ازدواج عبدالله پسر دیگر امام حسن علیه السلام در آورد؛ اما او در کربلا به شهادت رسید.^۳

توجه به دختران دیگر در میان خویشاوندان هم از نکات جالب در سیره امام حسین علیه السلام است. نمونه برجسته آن ام کلثوم دختر حضرت زینب علیها السلام و جریان ازدواجش با پسر عموی اوست. معاویه او را برای پسرش یزید خواستگاری کرد و مروان بن حکم را مأمور این کار کرده بود، عبدالله بن جعفر حضور نیافتن امام حسین علیه السلام در مدینه را بهانه کرد و پاسخ را به زمان

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۷.

۳. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۱۸.

بازگشت آن حضرت موکول کرد. پس از رسیدن امام به مدینه، بار دیگر مروان در میان جمعیت حاضر در مجلس با غرور، خواسته معاویه را مطرح و آن را افتخاری برای عبدالله بن جعفر و دختر او بیان کرد و از امام حسین علیه السلام خواست تا این دختر را به ازدواج یزید درآورد؛ اما امام با رد این درخواست، خواهرزاده خود را با مهریه ۴۸۰ درهم به ازدواج پسرعمویش قاسم بن محمد بن جعفر درآورد و مزرعه خود در اراضی عقیق را به او بخشید.^۱ امام علیه السلام قبل از مجلس خواستگاری با خواهرزاده خود گفتگو کرد و به او فرمود پسرعمویت قاسم برای تو شایسته تر است. ایشان در ادامه به مباحث مادی هم اشاره کرد و برای آنکه زیادی مهریه تعیین شده از سوی معاویه او را وسوسه نکند، فرمود «بَغِيغَات»^۲ را به تو بخشیدم. این رفتار امام، تکریم خواهرزاده خود در برابر زیاده‌خواهی تحقیرگونه معاویه و مروان بود.

این دختر عبدالله بن جعفر همراه امام حسین علیه السلام به کربلا رفت و ناظر شهادت برادر و همسر و بستگان خود بود و همراه اهل بیت علیهم السلام به اسارت رفت.^۳

نتیجه

تکریم دختران در سیره امام حسین علیه السلام در راستای احیای سیره نبوی بود. همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در فضایی که هیچ جایگاهی برای زن و دختر قائل نبودند، به مبارزه برخاست و جایگاه واقعی زن را به او بازگرداند، امام حسین علیه السلام نیز همین رفتار را در فضایی دیگر به انجام رساند و امتداد بخشید. پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ تفاوتی میان پسر و دختر قائل نبودند و تبعیض میان فرزندان را بر نمی‌تافتند؛ ایشان ضمن اظهار محبت به دخت گرامی‌شان حضرت فاطمه علیها السلام و دادن مسئولیت به ایشان و دیگر زنان آن دوره، در تکریم دختران کوشیدند. امام حسین علیه السلام نیز به پیروی از جد بزرگوارش به جایگاه ویژه دختران اهتمام داشتند و در بزرگداشت و تکریم آنان فرقی بین پسران و دختران نمی‌گذاشتند و دختران را مورد لطف ویژه خود قرار می‌دادند. این رفتار را به طور ویژه در رفتار امام با دخترانش می‌توان دید؛ گاه با تشبیه آنان به مادر بزرگوارشان حضرت فاطمه علیها السلام، گاه با

۱. ابوجعفر محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۴؛ محمد بن یزید بن مبرد، الکامل فی اللغة و الأدب، ج ۳، ص ۱۵۴.

۲. بغیغات از چاه‌هایی بود که امیرالمؤمنین علیه السلام خود حفر کرد و اراضی اطراف آن را آباد کرد و از جمله اوقاف و صدقات آن حضرت بود که در اختیار امام حسین علیه السلام قرار گرفت.

۳. ابوجعفر محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۴؛ حمیدرضا مطهری، نقش زنان در نهضت عاشورا (کتاب‌نگاهی نو به جریان عاشورا)، ص ۱۵۹.

اظهار عشق و علاقه خود به آنان، و گاه نیز با سپردن مسئولیت‌های مهم به ایشان و نیز مشورت‌دهی یا هم‌فکری در انتخاب همسران مناسب برای آنان در تکریم ایشان می‌کوشیدند و راهکار مناسب عرضه می‌کردند.

کتاب‌نامه

۱. ابن ابی‌الدنیا، عبدالله بن محمد بن عبید، کتاب العیال، تحقیق: نجم عبدالرحمن خلف، دمام: دارابن‌القیم، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، امالی، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ ق.
۴. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، خصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن جوزی، یوسف ابن قزاولی، تذکرة الخواص، مقدمه: محمدصادق بحر العلوم، تهران: مکتبة النینوی الحدیثة، [بی‌تا].
۶. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تصحیح: محمدحسین آشتیانی و هاشم رسولی، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۷. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: سامی غیری، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۸. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: نشر بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۹. اشتهااردی، محمد مهدی، حضرت معصومه فاطمه دوم، چ ۵، قم: نشر اخلاق، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، الأغانی، چ ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، چ ۲، مصر: شركة مکتبة و مطبعة البابى الحلبي، ۱۳۹۵ ق.
۱۳. تستری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته، ۱۴۰۹ ق.

۱۴. جزری، شمس‌الدین محمد، مناقب الأسد الغالب و ممزق الکتاب و مظهر العجائب، تحقیق: طارق طنطاوی، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ق.
۱۵. جعفری، محمدتقی، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر، [بی‌جا]: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰ ش.
۱۶. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله الحاکم محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: نشر علامه، [بی‌تا].
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۲۱. مبرد، ابوالعباس محمد بن یزید، الکامل فی اللغة والأدب، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چ ۳، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۲۴. مطهری، حمیدرضا، زنان (از نگاه نبوی)، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴ ش.
۲۵. _____، نقش زنان در نهضت عاشورا (کتاب نگاهی نوبه جریان عاشورا)، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۲۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، امالی، تصحیح: حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، [بی‌تا].

پرورش تفکر انتقادی در مواجهه با رسانه‌های جمعی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

اشاره

امروزه رسانه‌های جمعی^۱ به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمره بشر تبدیل شده‌اند و نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی ایفا می‌کنند. گسترش بی‌سابقه شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال موجب شده است که انسان‌ها در هر لحظه با حجم عظیمی از اطلاعات روبرو شوند که بسیاری از آنها بدون پالایش و ارزیابی صحت منتشر می‌شوند. در این فضای پر آشوب و پیچیده، داشتن توانایی تفکر انتقادی دیگر یک انتخاب لوکس نیست، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ استقلال فردی و اجتماعی به شمار می‌آید.

عقل با شد راه‌بند هر خطا جهل باشد منشأ جور و جفا

تفکر انتقادی در مواجهه با رسانه‌ها به این معناست که مخاطب با نگاهی تحلیل‌گرانه و پرسش‌گر به محتوا نگاه کند، به راستی‌آزمایی منابع خبری پردازد و پیام‌های پنهان و اهداف پشت پرده را شناسایی کند. افراد بدون این مهارت در معرض خطرهای جدی همچون شستشوی مغزی، گسترش اخبار جعلی و ترویج فرهنگ‌های ناسازگار قرار می‌گیرند که می‌تواند هویت ملی و دینی آنها را تهدید کند. از سوی دیگر، جنگ نرم و تهاجم فرهنگی دشمنان، رسانه را به ابزاری برای نفوذ در ذهن نسل جوان تبدیل کرده است.

بنابراین پرورش تفکر انتقادی در میان مردم به‌ویژه نسل آینده‌ساز، به‌مثابه راهبردی کلیدی برای مقابله با تهدیدهای رسانه‌ای و ارتقای سواد رسانه‌ای مطرح می‌شود. این نوشتار درصدد است با واکاوی اهمیت تفکر انتقادی، راهکارهایی برای تقویت این مهارت در برابر پیام‌های رسانه‌ای ارائه کند و نشان دهد که چگونه می‌توان با تکیه بر فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی از رسانه در جایگاه ابزاری برای پیشرفت و تعالی بهره برد.

* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی.

1. Mass media.

تفکر انتقادی چیست؟

تفکر انتقادی به زبان ساده، یعنی توانایی اندیشیدن سنجیده، آگاهانه و مسئولانه درباره آنچه می‌شنویم، می‌بینیم و باور می‌کنیم.^۱

در تفکر انتقادی چهار مؤلفه بسیار مهم وجود دارد که انسان دارای تفکر انتقادی آنها را دارد:

۱. منفعلانه پیام‌ها را دریافت نمی‌کند: فرد فعالانه با اطلاعات برخورد می‌کند و آنها را بدون چون و چرا قبول نمی‌کند، بلکه با تحلیل و پرسشگری، اعتبار محتوا را ارزیابی می‌کند تا از گمراه شدن جلوگیری کند.

۲. پیش فرض‌ها را می‌شناسد: او آگاهی دارد که هر استدلالی بر پایه‌های نانوشته بنا شده است و با شناسایی این پیش فرض‌های پنهان، ریشه باورها و انگیزه‌های واقعی پشت پیام‌ها را به درستی درک می‌کند.

۳. میان ادعا و دلیل تفاوت قائل می‌شود: این فرد می‌تواند مرز بین یک گزاره بی‌دلیل و یک استدلال منطقی را تشخیص دهد و همواره به دنبال شواهد کافی و مستدل برای پذیرش هر ادعایی می‌گردد.

۴. پیش از پذیرش یا رد، می‌کوشد بفهمد: او عجولانه قضاوت نمی‌کند؛ ابتدا با دقت و بی‌طرفی مفهوم اصلی را درک می‌کند و سپس با تحلیل دقیق، تصمیم به پذیرش یا رد آن می‌گیرد. تفکر انتقادی فرایندی است، نه یک نتیجه ثابت؛ یعنی انسان منتقد، لزوماً همیشه به پاسخ درست نمی‌رسد، اما مسیر درستی را برای رسیدن به پاسخ طی می‌کند. او می‌پرسد، مقایسه می‌کند، شواهد را می‌سنجد و آماده بازنگری است.^۲

به بیان دیگر، تفکر انتقادی یعنی قراردادن عقل در موقعیت فعال، نه خاموش کردن آن به نفع احساس، تعصب یا فشار جمعی.

در آموزه‌های دینی توصیه‌های مؤکدی بر این امر شده است که انسان باید به امور پیرامونی خود با دیده عاقلانه بنگرد و از موضع‌گیری‌های تکانشی و هیجانی و تصمیم‌گیری‌های عجولانه و هیجانی اجتناب ورزد. نمونه‌ای از آیات قرآن کریم که به این موضوع اشاره کرده‌اند:

۱. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۳ و

1. John Dewey. How We Think: A Restatement of the Relation of Reflective Thinking to the Educative Process, p. 9.

2. Michelene Chi T. H., and Ruth Wylie. "The ICAP Framework: Linking Cognitive Engagement to Active Learning Outcomes." Educational Psychologist 49, no. 4 (2014): pp. 219-43.

از چیزی پیروی مکن که علم به آن نداری؛ همانا گوش و چشم و دل، همگی آنها مسئول هستند». این آیه انسان را از قضاوت یا پیروی از امور بدون علم و تحلیل دقیق برحذر می‌دارد و ابزارهای شناخت (چشم و گوش) را مسئول می‌داند.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، تحقیق کنید [و حقیقت را روشن سازید] تا مبادا به نادانی به گروهی آسیب برسانید و سپس بر آنچه انجام داده‌اید، پشیمان شوید». این آیه اوج تفکر انتقادی را در برخورد با اخبار و شنیده‌ها می‌طلبد و انسان را از واکنش تند و هیجانی به شنیده‌ها پیش از بررسی و تحقیق، نهی می‌کند.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز اشارات بسیاری به این امر شده است:

۱. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «أَرْبَعَةٌ تَلْزَمُ كُلَّ ذِي حِجْيَةٍ وَعَقْلٍ مِنْ أُمَّتِي، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هُنَّ؟ قَالَ: اسْتِمَاعُ الْعِلْمِ، وَحِفْظُهُ، وَنَشْرُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ»^۲ چهار چیز بر هر عاقل و خردمندی از امت من واجب است. گفته شد: ای پیامبر خدا، آن چهار چیز کدام‌اند؟ فرمودند: گوش‌فرا دادن به دانش، نگاه‌داری، نشر و عمل به آن».

۲. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»^۳ همه خوبی‌ها با عقل شناخته می‌شوند و کسی که عقل ندارد، دین ندارد».

۳. در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: «أَلَا وَإِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ وَ عَرَفَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَأَصْلَحَهَا وَ عَرَفَ سُرْعَةَ رَحِيلِهِ فَتَرَوَدَّ لَهَا»^۴ بدانید که عاقل‌ترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد و از او پیروی کند، دشمنان خدا را بشناسد و از آنان نافرمانی کند، جایگاه ابدی خود را بشناسد و آن را آباد کند و بداند به‌زودی به آنجا سفر خواهد کرد و برای آن توشه بردارد».

۴. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينَ»^۵ عاقل آن نیست که خوب را از بد تشخیص دهد؛ عاقل کسی است که از میان دو بد، آن را که ضررش کمتر است، بشناسد».

۱. حجرات: ۶.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۷.

۳. همان، ص ۵۴.

۴. حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین، ص ۳۳۷، ح ۱۵.

۵. ابن‌طلحه شافعی، مطالب السؤل، ص ۲۵۰.

این روایات به تبیین جایگاه عقل و به‌کارگیری آن در زندگی و حرکات فردی و اجتماعی اشاره دارد.

برخی دیگر از روایات، مؤمنان را از شتاب‌زدگی در رفتار منع کرده‌اند؛ از جمله:
 ۱. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّمَا أَهْلَكَ النَّاسَ الْعَجَلَةُ، وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَثَبَّتُوا لَمْ يَهْلِكْ أَحَدٌ»^۱
 مردم را در حقیقت شتاب‌زدگی به هلاکت افکنده است. اگر مردم آرام و از شتاب‌کاری به دور بودند، هیچ‌کس هلاک نمی‌شد.

۲. امام علی عَلِيٌّ در فرمان ولایت مصر به مالک اشتر فرمود: «لَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ؛ فَإِنَّ السَّاعِي غَاشٌّ، وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالتَّاصِحِينَ»^۲ در پذیرفتن سخنان سعایت‌کننده شتاب به خرج مده؛ زیرا سعایت‌کننده بدخواه است، هر چند خود را خیر خواه جلوه دهد.
 با مرور در متون دینی، احادیث بسیاری را می‌توان یافت که انسان را از شتاب‌زدگی در گفتار و رفتار منع کرده‌اند و موارد پیش‌گفته بخشی از این روایات است.

تفکر انتقادی چه چیزی نیست؟

برای فهم بهتر این مفهوم، لازم است مرزهای آن را مشخص کنیم.
 تفکر انتقادی، مخالفت دائمی نیست.
 منتقدبودن به این معنا نیست که انسان همیشه در موضع رد و انکار باشد. گاهی نتیجه تفکر انتقادی، پذیرش یک نظر است؛ اما پذیرشی آگاهانه، نه تقلیدی.
 تفکر انتقادی، بدبینی افراطی نیست.
 بی‌اعتمادی مطلق، عقل را فلج می‌کند. انسان بدبین، پیشاپیش همه‌چیز را نادرست می‌داند و دیگر نیازی به بررسی نمی‌بیند. این حالت درست نقطه مقابل تفکر انتقادی است.
 تفکر انتقادی، دانستن همه‌چیز نیست.
 منتقدبودن به معنای متخصص‌بودن در همه حوزه‌ها نیست، بلکه به معنای دانستن حدود مرز دانسته‌های خود است.

تفکر انتقادی، بی‌احترامی و تخریب نیست.
 نقد با تمسخر و تحقیر تفاوت دارد. تفکر انتقادی، متوجه «ایده» است، نه «شخص».
 بیان این نکته نیز ضروری است که یکی از رایج‌ترین سوءبرداشت‌ها، یکی دانستن تفکر

۱. احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۶۹۷.

۲. محمد بن حسین سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

انتقادی با شک‌گرایی است؛ درحالی‌که این دو تفاوتی اساسی دارند. به اختصار می‌توان بیان داشت که شک‌گرایی اغلب در مرحله تردید متوقف می‌شود؛ درحقیقت فرد شک می‌کند، اما به دنبال بررسی و داوری نیست؛ در نتیجه با نوعی بلا تکلیفی یا انکار دائمی روبرو است. اما در تفکر انتقادی، از تردید آغاز می‌کند؛ به بررسی می‌رسد و در نهایت به داوری موقت اما عقلانی ختم می‌شود.

تفکر انتقادی می‌پذیرد که برخی باورها پس از بررسی قابل قبول‌اند؛ حتی اگر کامل و بی‌نقص نباشند. بنابراین هدف تفکر انتقادی، «رد همه چیز» نیست، بلکه تشخیص بهتر است.

چرا بررسی عقلانی خبر ضروری است؟

خبر در روزگاران گذشته چیزی بود که روزی یک بار از چند منبع محدود منتشر می‌شد؛ اما امروزه هر فردی با یک تلفن همراه می‌تواند تولیدکننده و منتشرکننده خبر باشد. این تغییر با اینکه دسترسی به اطلاعات را افزایش می‌دهد، مرز میان خبر، شایعه، تحلیل و تبلیغ را به شدت کم‌رنگ می‌کند. در چنین شرایطی، مسئله اصلی این نیست که «خبر درست کدام است»، بلکه این است که ما چگونه با خبر مواجه می‌شویم؟ مواجهه غیرعقلانی حتی با خبر درست، می‌تواند به نتیجه نادرست منجر شود؛ از سوی دیگر مواجهه عقلانی حتی با خبر نادرست، می‌تواند از آسیب جلوگیری کند.

تفکر انتقادی در برابر خبر، یعنی تبدیل شدن از مصرف‌کننده منفعل به خواننده هوشیار.

گام‌های تفکر انتقادی در برخورد با اخبار رسانه‌ها

گام اول: تفکیک خبر، تحلیل و نظر

نخستین خطای رایج در مواجهه با اخبار، یکی دانستن خبر با تفسیر است؛ درحالی‌که این دو تفاوتی اساسی دارند. تفاوت میان خبر و تفسیر خبر یکی از ارکان سواد رسانه‌ای است. خبر فقط گزارش عینی از واقعیت است (چه، کجا، کی، چگونه) بدون رنگ‌آمیزی شخصی؛ اما تفسیر خبر شامل تحلیل، قضاوت و نگرش نویسنده درباره آن رویداد است. اشتباه‌گرفتن این دو سبب می‌شود مخاطب نظر شخصی را به جای واقعیت بپذیرد. یک شهروند آگاه ابتدا خود خبر را از تفسیر آن جدا می‌کند، سپس با تفکر انتقادی، تحلیل‌ها را می‌سنجد.

پس به اختصار می‌توان گفت:

خبر: گزارش یک رویداد (چه، کی، کجا)؛

تحلیل: توضیح چرایی و پیامدها؛

نظر: داوری شخصی یا ارزشی.

بسیاری از مطالب رسانه‌ای، ترکیبی از هر سه هستند؛ اما به گونه‌ای ارائه می‌شوند که مخاطب متوجه این تفکیک نشود. تیتراها اغلب تحلیلی یا ارزشی‌اند، در حالی که وانمود می‌کنند خبری هستند.

تفکر عقلانی از ما می‌خواهد پرسیم:

* **کدام بخش واقعاً خبر است؟** این پرسش به دنبال استخراج «حقایق خام و انکارناپذیر» از متن است. پاسخ به این پرسش باید اطلاعاتی را دربرگیرد که مستقل از احساسات و دیدگاه‌های نویسنده، قابل راستی‌آزمایی باشند. در اینجا باید به دنبال داده‌های عینی باشیم؛ یعنی پاسخ‌های روشی که پرسش‌های «چه کسی؟»، «چه چیزی؟»، «کی؟» و «کجا؟» را می‌دهند. اگر بخشی از متن را بتوانید با دوربین فیلم‌برداری ثبت کنید یا در اسناد رسمی بیابید، آن بخش «خبر» است. خبر نباید حاوی صفات توصیفی اغراق‌آمیز یا قضاوت‌های اخلاقی باشد، بلکه صرفاً آینه‌ی وقوع یک رویداد در زمان و مکان مشخص است.

* **کدام بخش تفسیر یا قضاوت است؟** این پرسش مخاطب را به چالش می‌کشد تا «لایه پنهان» متن را شناسایی کند. تفسیر و قضاوت، پاسخ به «چرایی» و «چگونه‌ای» ماجرا هستند که از نگاه خاص نویسنده یا رسانه بیان می‌شوند. در این بخش، واقعیت‌ها رنگ می‌بازند و با ادبیات خاصی کنار هم چیده می‌شوند تا ذهن مخاطب به سمت نتیجه‌گیری مشخص هدایت شود. کلماتی مانند «ناموفق»، «فاجعه‌بار»، «شجاعانه»، «بهانه» یا «توطئه»، نشان‌دهنده ورود نویسنده به حوزه «نظر و قضاوت» هستند. پاسخ به این پرسش به ما می‌گوید که کجا واقعیت تمام شده و نویسنده با استفاده از استدلال‌های شخصی یا ایدئولوژیک، سعی دارد به ما بگوید باید در مورد آن رویداد چه فکری کنیم یا چه احساسی داشته باشیم.

گام دوم: منبع خبر؛ چه کسی می‌گوید؟

هر خبری از یک منبع می‌آید و هیچ منبعی کاملاً خنثی نیست. بررسی منبع به معنای بی‌اعتمادی افراطی نیست، بلکه به معنای شناخت زمینه تولید خبر است.

در بررسی منبع، این پرسش‌ها کلیدی‌اند:

* **منبع خبر چیست؟ رسمی، غیررسمی، ناشناس؟** شناسایی هویت ناشر نخستین گام است. باید مشخص شود آیا خبر از نهادی رسمی صادر شده، قول یک فرد عادی است یا بدون

امضا منتشر گردیده که هر کدام اعتبار متفاوتی دارند.

* سابقه این منبع چگونه است؟ باید پیشینه رسانه یا فرد را بررسی کرد. آیا آنها سابقه انتشار اخبار دقیق را دارند یا پیش از این نیز اخبار کذب و جعلی را منتشر کرده‌اند؟

* آیا منبع، ذی‌نفع این خبر است؟ باید بررسی شود که آیا انتشار این خبر به نفع منبع است یا خیر. گاهی منافع مالی، سیاسی یا گروهی سبب می‌شود واقعیت‌ها تحریف یا رنگ‌آمیزی شوند. خبر بدون منبع مشخص بیش از آنکه خبر باشد، ادعاست.

گام سوم: چه چیزی گفته نشده است؟

یکی از مهم‌ترین مهارت‌های تفکر انتقادی، توجه به ناگفته‌هاست. هر خبر افزون بر آنچه می‌گوید، چیزهایی را هم نمی‌گوید؛ گاهی همین حذف‌ها، معنا را تغییر می‌دهند. پرسش‌های راهنما:

* چه اطلاعاتی می‌توانست افزوده شود؟ باید بررسی کنیم آیا نویسنده به‌عمد بخشی از حقایق را کنار گذاشته است؟ حذف جزئیات کلیدی یا آمارهای متضاد می‌تواند تصویری ناقص و گمراه‌کننده از واقعیت ارائه دهد تا ذهن مخاطب را به سمت خاصی سوق دهد.

* چه صداها بی‌غایب‌اند؟ در هر خبری، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. باید پرسید آیا فقط یک طرف دعوا صحبت کرده است؟ سکوت در برابر نظرات مخالف یا عدم نقل قول از افراد درگیر ماجرا، نشان‌دهنده یک طرفه‌بودن و عدم تعادل رسانه‌ای است.

* آیا زمینه تاریخی یا اجتماعی حذف شده است؟ رویدادها در خلأ رخ نمی‌دهند. باید دید آیا خبر ریشه‌های تاریخی یا بستر فرهنگی و اجتماعی ماجرا را نادیده گرفته است؟ حذف این زمینه‌ها سبب می‌شود مخاطب نتواند عمق و دلایل واقعی اتفاق را درک کند. تفکر عقلانی فقط به متن نگاه نمی‌کند، بلکه به حاشیه‌ها هم توجه دارد.

گام چهارم: تیتراژ؛ دروازه ذهن

تیتراژ نخستین و گاهی تنها چیزی است که مخاطب می‌بیند. بسیاری از تیتراژها نه برای اطلاع‌رسانی، بلکه برای جلب توجه و تحریک احساسات نوشته می‌شوند. نشانه‌های تیتراژ غیرعقلانی:

* اغراق: استفاده از صفات و عبارات بزرگ‌نمایی شده و غیرواقعی برای کوچک‌ترین رویدادها؛ این کار برای جذب مخاطب انجام می‌شود، اما حقیقت را وارونه جلوه می‌دهد و ذهن را در برابر اهمیت واقعی ماجرا گمراه می‌کند.

* القای ترس یا خشم: بهره‌گیری از واژگان برانگیزاننده و احساسی برای تحریک هیجان‌های مخاطب. هدف این تیتراژها، ایجاد واکنش سریع و غیرمنطقی است تا جای تفکر، احساسات شدید بر تصمیم‌گیری فرد مسلط شود.

* استفاده از کلمات مطلق (همیشه، هرگز، فاجعه): به‌کارگیری ادبیات سیاه و سفید و قاطع که جایی برای شک و تردید باقی نمی‌گذارد. این کلمات معمولاً برای شستشوی مغزی و قطعی‌سازی یک دیدگاه خاص به کار می‌روند و انعطاف‌پذیری ذهن مخاطب را از بین می‌برند. خواننده عقلانی اجازه نمی‌دهد تیتراژ، قضاوت او را پیشاپیش شکل دهد.

گام پنجم: زبان و بار احساسی خبر

یکی از ظریف‌ترین و با این وجود تأثیرگذارترین ابزارهای رسانه‌ها برای هدایت افکار عمومی، «واژه‌گزینی» است. در ظاهر ممکن است خبری را بخوانیم که تصور می‌کنیم صرفاً گزارشگر یک رویداد است؛ اما با دقت در واژه‌های به‌کاررفته متوجه می‌شویم که زبان مورد استفاده، خنثی و بی‌طرف نیست، بلکه بار سنگینی از احساسات و قضاوت‌های ارزشی را با خود حمل می‌کند. تفاوت اساسی میان زبانی که «اطلاع می‌دهد» و زبانی که «تحریک می‌کند»، در همین نکته نهفته است. زبان اطلاع‌رسانی می‌کوشد واقعیت‌ها را بدون افزودن یا کاستن به مخاطب انتقال دهد تا او بتواند خود قضاوت کند؛ اما زبان احساسی، هدفی جز تحریک هیجان‌ات مخاطب و سوق دادن او به نتیجه‌گیری از پیش تعیین شده ندارد.

واژه‌هایی مانند خیانت، رسوایی، فاجعه، شوک‌آور و... اغلب نشانه تلاش برای تأثیرگذاری احساسی‌اند.

واژه‌های بیان‌شده به‌مثابه «کلمات کلیدی احساسی» عمل می‌کنند که بلافاصله سیستم دفاعی یا عاطفی مخاطب را فعال می‌سازند. واژه‌هایی مانند «خیانت»، «رسوایی»، «فاجعه»، «شوک‌آور» و امثال آن، بار معنایی سنگینی دارند که فراتر از توصیف یک اتفاق ساده است؛ برای مثال وقتی رسانه‌ای از یک «اشتباه اداری» به عنوان «خیانت» یاد می‌کند یا یک نوسان بازار را «فاجعه» می‌نامد، در واقع بدون هیچ استدلال منطقی به مخاطب القا می‌کند که باید خشمگین، ترسیده یا متأسف شود. این واژه‌ها مانند فیلترهایی عمل می‌کنند که واقعیت را رنگ‌آمیزی کرده و قبل از اینکه ذهن مخاطب فرصت تحلیل بیابد، احساسات او را به چالش می‌کشند.

عقلانیت و تفکر انتقادی در این مرحله به ما می‌آموزد که در برابر این موج واژگانی مقاومت کنیم و یک پرسش حیاتی را از خود داشته باشیم: «اگر این واژه‌های احساسی و بارگذاری‌های

ارزشی از متن حذف شوند، پیام اصلی و واقعی خبر چه می‌ماند؟» پاسخ به این پرسش به ما کمک می‌کند تا هسته اصلی خبر را از پوسته احساسی آن جدا کنیم. اغلب متوجه می‌شویم که با حذف صفات تحریک‌آمیز، خبر از رویدادی فاجعه‌بار به اتفاقی عادی و مدیریت‌شدنی تبدیل می‌شود. این تمرین ذهنی، قدرت تشخیص واقعیت از اغراق را برای ما فراهم می‌کند و اجازه نمی‌دهد رسانه‌ها با بازی با احساسات ما، اراده و تصمیم‌گیری مان را تحت کنترل قرار دهند..

عقلانیت، از ما می‌خواهد پرسیم اگر این واژه‌ها حذف شوند، پیام چه می‌ماند؟

گام ششم: مقایسه منابع مختلف

یکی از ساده‌ترین و با این وجود مؤثرترین راه‌های بررسی صحت و سقم یک خبر، «مقایسه روایت‌ها» است. در دنیای پیچیده رسانه‌ای، تکیه بر یک منبع خبری تنها مانند نگاه کردن به جهان از طریق یک سوراخ کوچک است که بخش بزرگی از حقیقت را پنهان می‌کند. وقتی یک رویداد خاص از زوایای دید مختلف و از چند منبع متفاوت بررسی و مطالعه شود، به سرعت تفاوت‌ها، تناقض‌ها و نکات پنهان آشکار می‌شوند. این روش تک‌بعدی دیدن را از بین می‌برد و اجازه نمی‌دهد ذهن ما در بستر یک روایت خاص اسیر شود.

این مقایسه چندجانبه به مخاطب در سه سطح عمده کمک می‌کند:

۱. چارچوب‌ها دیده می‌شوند؛ یعنی متوجه می‌شویم هر رسانه با چه پیش‌فرض‌ها، ایدئولوژی و اهداف خاصی خبر را تنظیم و ارائه کرده است.
 ۲. اغراق‌ها مشخص می‌شوند؛ آنچه در یک رسانه به مثابه رویدادی عظیم و باورناپذیر توصیف می‌شود، ممکن است در منبع دیگری به مثابه موضوعی معمولی گزارش شده باشد و این تضاد به ما در تشخیص واقعیت از بزرگ‌نمایی کمک می‌کند.
- سوم: تصویر کامل‌تری شکل می‌گیرد؛ مانند پازلی که تکمیل کردن تکه‌های آن از جعبه‌های مختلف، چهره‌ای واقعی‌تر را به نمایش می‌گذارد.

در نهایت خواننده عقلانی و منتقد، هرگز به یک روایت بسنده نمی‌کند. او می‌داند که حقیقت اغلب در لابلای تفاوت‌های روایت‌ها نهفته است و با مطالعه چندپهلوی، از دام فریب رسانه‌ای و شستشوی مغزی رهایی می‌یابد و به درک عمیق‌تری از وقایع دست می‌یابد.

گام هفتم: مکث؛ سد دفاعی در برابر واکنش‌های آنی

شاید بتوان گفت در میان تمامی گام‌های تفکر انتقادی، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین آنها همین «مکث کوتاه» است. در عصری که با سرعت نور اطلاعات تولید و منتشر می‌شوند و رسانه‌ها در

رقابتی نفس گیر برای جلب توجه مخاطب هستند، مغز انسان به طور غریزی می‌کوشد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به محرک‌ها پاسخ دهد؛ اما خطر بزرگ اینجاست که در بسیاری از موارد، آسیب و زیان اصلی نه از خودِ خبر یا محتوا ناشی می‌شود، بلکه حاصل «واکنش سریع»، شتاب‌زده و بدون بررسی است. واکنش‌های آنی معمولاً از مرکز احساسات مغز سر می‌زنند و نه از مرکز تفکر و منطق؛ بنابراین اغلب منجر به پشیمانی، انتشار شایعات یا تقویت اهداف دشمنان در جنگ روانی می‌شوند.

مکث به معنای بی‌تفاوتی یا غفلت نیست، بلکه «کنشی آگاهانه و عقلانی» در برابر سیلاب اطلاعات است. این مکث به ما فرصت می‌دهد تا مدیریت امور را از دست احساسات بگیریم و به عقل بسپاریم. برای اجرای صحیح این گام، می‌توان از راهبردهای زیر بهره برد:

۱. چند دقیقه صبر کردن: قانون طلایی «۲۴ ساعت»^۱ یا دست‌کم چند دقیقه سکوت را برای خود وضع کنید. قبل از اینکه خبری را باز نشر کنید، درباره آن نظر دهید یا احساسی نشان دهید، چند لحظه مکث کنید. این فاصله زمانی کوتاه به مغز اجازه می‌دهد تا از حالت آمیگدال (واکنش جنگ و گریز) خارج شود و به حالت عقلانی بازگردد.

۲. فاصله گرفتن از هیجان: وقتی خبری خشم، ترس یا شادی شدیدی را در شما برمی‌انگیزد، هشدار بدهید که این احساس، نشانه احتمالی دست‌کاری خبری است؛ از این رو بکوشید خودتان را از موقعیت جدا کنید، چند نفس عمیق بکشید و پرسید «آیا این خبر می‌خواهد مرا به سمت یک واکنش خاص سوق دهد؟»

۳. اجازه دادن به عقل برای ورود: پس از آرام شدن اولیه، اجازه دهید منطق وارد میدان شود. واقعیت‌ها را دوباره مرور کنید، شواهد را بسنجید و سپس تصمیم بگیرید. در عصر سرعت، کند شدن آگاهانه و مکث کردن، نشانه هوش و بلوغ رسانه‌ای است که انسان را از لغزش در دام‌های رسانه‌ای نجات می‌دهد.

۱. قانون طلایی ۲۴ ساعت یک اصل خودتنظیمی در مدیریت هیجانات و ارتباطات است که می‌گوید: پس از مواجهه با یک خبر، رویداد یا پیام هیجانی برانگیز (مثلاً یک خبر جنجالی در فضای مجازی، یک ایمیل عصبانی‌کننده یا یک جمله تند از طرف مقابل)، حداقل ۲۴ ساعت صبر کنید و واکنش فوری نشان ندهید. در این فاصله زمانی شما:

* اجازه می‌دهید هیجان اولیه (خشم، ترس، شادی افراطی) فروکش کند؛ * فرصت می‌یابید با آرامش اطلاعات را بررسی کنید؛ * می‌توانید بین واکنش آنی و پاسخ سنجیده یکی را انتخاب کنید؛ * از پشیمانی ناشی از ارسال پیام یا انتشار نظر عجولانه جلوگیری می‌کنید.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۲. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۳. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
۴. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، مترجم: محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۳۹۲ ش.
۵. شافعی، ابن طلحه، مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، بیروت: دارالبلاغ، ۱۴۱۲ ق.
6. Chi, Michelene T. H., and Ruth Wylie. "The ICAP Framework: Linking Cognitive Engagement to Active Learning Outcomes." *Educational Psychologist* 49, no. 4 (2014): 219-43.
7. Dewey, John. *How We Think: A Restatement of the Relation of Reflective Thinking to the Educative Process*. Boston: D. C. Heath and Company, 1933, p. 9.

